

سرمقاله

علیه قیام در دو پرده

منصور امان

رژیم ج.ا که آشکارا زیر فشار تحریمهای خارجی از پا درآمده است، هر چه بیشتر در باتلاق وحشت از دشمن داخلی فرو می رود. امواج متوقف نشدنی و پیوسته اعتراضهای صنفی و سیاسی به صورت "نظام" سیلی می زند و او نه می تواند و نه به سود ثبات خود می بیند که در برابر مطالبات شناور در سطح جامعه نرمش نشان داده یا عقب نشینی کند. باندهای حکومتی از "اصولگرا" و "اعتدالی" تا "اصلاح طلب" در ندادن امتیاز به معترضان هم نظرند و جبهه مشترکی را تشکیل می دهند. آنها بیم دارند که هر گامی که "نظام" به عقب بردارد، به گسترده تر شدن مطالبات متراکم راه برده و موجب پیشروی جامعه به گونه فراگیر می شود. این امر به ویژه در شرایطی که حاکمیت در آستانه یک عقب نشینی خارجی دیگر و نوشیدن "جام زهر" قرار دارد، مساله مهمل توده معترض را به امری حیاتی برای آن تبدیل کرده است.

دو راهکار

حاکمیت در برابر این شرایط به دو راهکار متوسل شده که هر دو را همزمان و به گونه موازی پیش می برد. راهکار نخست افزایش درجه سرکوب و تشدید فشار بر جامعه است و راه حل دوم، تخلیه بخشی از حجم اعتراضها بدون پرداخت هزینه سنگین اما با تاثیر تبلیغی - روانی بالا می باشد.

بقیه در صفحه ۳

یادداشت سیاسی

شکست رویکرد «سخت» و «نرم» علیه جامعه

مهدی سامع

صفحه ۲



باتوم و زندان، پاسخ حکومت به جنبش کارگری

زینت میرهائمی

صفحه ۴

در این شماره

- دانشگاه در ماهی که گذشت (شهریور ۹۸) // کامران عالمی نژاد // صفحه ۶
- برخیز چه گوارا! // م. وحیدی (م. صبح) // صفحه ۸
- چالشهای معلمان (شهریور ۹۸) // فرنگیس بایقره // صفحه ۹
- آن عاشقان شرز که با شب نزیستند // م. وحیدی // ص ۱۲
- جنبش رنگین کمان بیشماران (شهریور ۹۸) // پویا رضوانی // صفحه ۱۳
- رویدادهای هنری ماه (شهریور ۹۸) // فتح الله کیائیهها // صفحه ۱۸
- زنان در مسیر رهایی (شهریور ۹۸) // اسد طاهری // صفحه ۲۱
- نگاهی به وضعیت بحرانی آب (بخش اول) // محمد کاشفی // صفحه ۲۳
- کارورزان سلامت (شهریور ۹۸) // امید برهانی // صفحه ۲۵
- گرامی باد خاطره رفیق مهرنوش ابراهیمی // امیر ابراهیمی // صفحه ۲۸
- شهدای فدایی در مهرماه // صفحه ۲۸

طبقه و نژاد در برزیل؛ آنها فقیرند،

چون سیاه پوستند

تاتس ... برگردان: بابک

صفحه ۵

گلنار

م. وحیدی

صفحه ۲

۷ شعر از:

ولادیمیر مایاکوفسکی، توماس استرنز
الیوت، محمود درویش، یانیس ریتسوس،
خوآئو کابرال دملونتو، یانوش پلینسکی،
شیرکو بی کس // برگردان: امید آدینه

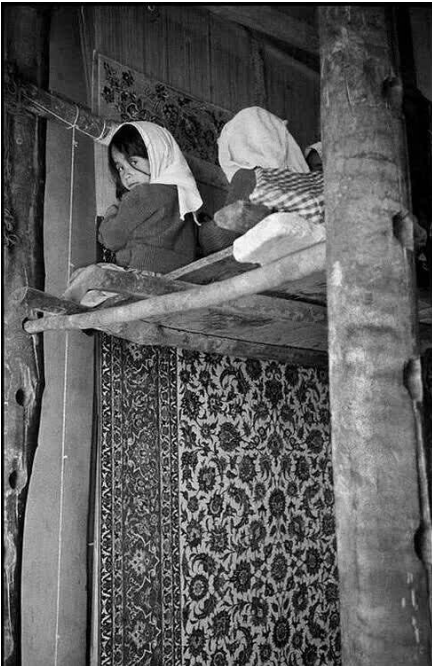
صفحه ۲۴

شکست رویکرد «سخت» و «نرم» علیه جامعه

گلنار

م. وحیدی

مهدی سامع



ترین حق شان را طلب می کنند، صادر می کند، برای «عدالت قضایی» سینه چاک می دهد. چند سال پیش هم سید حسین موسوی تبریزی، بیدادستان اسبق کشور، لاجوردی که جلال مشهور اوین بود را «سلیم النفس، پاک و خوش نیت و بسیار مهربان» معرفی کرد که «هفته ها به خانه نمی رفت و شب و نصف شب و روز و خلاصه هر وقت که او را می دیدید، مشغول کار [بخوانید شکنجه] بود». این ریشخند این دوران از تاریخ ایران است که هرکس جلادتر است، از جانب باندهای شریک در قدرت، مهربان تر معرفی می شود و کلان دزدان افراد پاک!

به موضوع اصلی برگردیم. جای تردید نیست که جواد ظریف یکی از خادمان بی شکاف نظام ولایت فقیه است و سالهای طولانی به این نظام کمک کرده است. او که به درستی «ماله کش اعظم» معرفی شده از «مناسبات حسنه و دیرپای» خودش با قاسم سلیمانی، سرکرده تروریستها، در گفت و گویی مفصل با روزنامه ایران، آرگان دولت، حرف زده است. اما خامنه ای همین خدمت گذار ولایت اش را سنگ روی یخ می کند و در دیدار با بشار اسد او را به هیچ می گیرد و برای بی ریخت کردن او دستور تهیه فیلم «گاندو» را می دهد.

ظریف در مقابل به صراحت رویکرد صدا و سیما تحت امر و نظارت مستقیم خامنه ای را «مخرب» معرفی می کند و می گوید: «متأسفانه مجموعه برنامه هایی که در صدا و سیما ساخته می شود، برای نقد سیاست خارجی نیست، بلکه برای تخریب آن است.» وی سپس به مخالفان دلواپس طعنه می زند و می گوید: «چرا امروز همه آقایان و همه کسانی که قبل از من مذاکره کردند، هیچ کدام تحریم نشدند و فقط من تحریم شدم؟ اگر منویات آمریکا را اجرا کردم، چرا آقایان تحریم نشدند و من تحریم شدم؟ یکی می گفت ما انقلاب کردیم، مردم شهید شدند. حالا ظاهراً این طور است که آقایان انقلاب می کنند، ما تحریم می شویم.» (روزنامه ایران، یکشنبه ۱۰ شهریور ۱۳۹۸) جواد ظریف می داند که سرنوشت و هستی اش با سرنوشت رژیم گره خورده و برای همین نتوانست و البته نتوانست که بر استعفا پیش پافشاری کند. همین چند نکته که در بالا ذکر شد، تصویر روشنی از آن چه در درون قدرت جریان دارد را نشان می دهد. به دستور خامنه ای ظریف در به اصطلاح مستند «گاندو» لجن مال می شود، روحانی از ترس بالا رفتن بیشتر پرده فساد به رئیسی می تازد و رئیسی برای فریب جامعه ادا و اطوار مبارزه با فساد در می آورد.

این وضعیت گرچه به وسیله فشار خارجی تشدید شده، اما علت اصلی آن نه تحریمها که تقابل آشتی ناپذیر جامعه با نظام و در محور آن با ولایت فقیه است. تدبیرهای «سخت» و «نرم» خامنه ای نتوانسته جامعه را آرام کند. نه باتوم به جای مزد برای کارگران و نه نمایش مبارزه با فساد در جدال باندها و نه موشک پرانی به مراکز نفتی عربستان برای نجات رژیم چاره ساز نیست. تضادهای انباشت شده مثل موربانه به جان ستون خیمه نظام افتاده و صدای اعتراض تهیدستان، که آخرین آن فریاد کارگران هیکو است، آرامش قدرتمداران را به هم زده است. محصول هستی رژیم ویران شدن جامعه و فلاکت مردم است. مردم اما به این وضع تن نمی دهند و بربریت را بر نمی تابند.

پیرامون آخرین جلسه سران قوای ولایت خامنه ای در روز شنبه ۲۳ شهریور و کشاکش بین روحانی و رئیسی در این جلسه، خبرهای زیادی در رسانه های حکومتی منتشر نشده است. خبرگزاری فارس در روز یکشنبه ۲۴ شهریور در یک توثیق از حاشیه های این جلسه خبر داد و اعلام کرد که: «در جلسه دیروز شورای هماهنگی اقتصادی برخی افراد از جمله رئیس جمهور نسبت به روند دادگاههای مفاسد اقتصادی به آیت الله رئیسی انتقاد کردند که با واکنش رئیس قوه قضائیه و ازه ای معاون اول مواجه شدند. رئیس جمهور معتقد است که با مفاسد اقتصادی برخورد جناحی شده است.» یک روز بعد، سخنگوی دولت به این خبر واکنش نشان داد و گفت: «اختلاف نظری وجود نداشت، خبر، خبر ناقصی بوده است. خبر ناقص و جهت دار بوده که به صورت سازمان یافته شکل یافته بود.» (انتخاب) گزیننده بودن توضیح علی ربیعی در مقام سخنگوی دولت با کاربرد واژه های «ناقص»، «جهت دار» و «سازمان یافته» نشان می دهد که برخلاف علی ربیعی که به دروغ مدعی می شود اختلاف نظری وجود نداشته، کشاکش جدی تر از آن بود که بتوان آن را لاپوشانی کرد.

موضوع اختلاف بین روحانی و رئیسی پیرامون مانور مضحک مبارزه با فساد فقط به این جلسه بر نمی گردد. روز چهارشنبه ۶ شهریور در جشنواره دولتی «شهید رجایی»، حسن روحانی به دو نکته دست گذاشت و گفت: «از کسی که اختیارات ندارد، چه مسئولیتی می خواهید؟» و ادامه داد: «شما فکر می کنید با دادگاه و دستگاه قضایی فساد از بین می رود؟ هر کس این فکر را می کند اشتباه کرده است. با بگیر و ببند و دادگاه، فساد برطرف نمی شود. نمی خواهم بگویم چه حوادثی رخ داده است.»

این که روحانی و ظریف اختیار جدی نداشته و سررشته امور در دست ولی فقیه است را کسی نمی تواند انکار کند و کارگزاران نظام بارها آن را تایید کرده اند. خامنه ای با وجود آن که همه امور مهم را در دست دارد، اما نمی تواند تضادهای درون ولایتش را مهار کند. نه رازداری روحانی و نه دروغگویی ربیعی و نه حتی فشار حداکثری خارجی نمی تواند شکاف درون ولایت خامنه ای را پنهان کند. دو مساله مهم در پیوند آرکانیک با هم، تضادهای درون هرم قدرت را چهار ناپذیر می کند. وجود نهاد فراقانونی ولایت فقیه و واقعیت بحران انقلابی. عملکرد ولایت فقیه بحران را تشدید می کند و ادامه بحران تضادهای درونی رژیم را آن گونه تشدید می کند که غیرقابل مهار می شود.

یک روز بعد از حرفهای حسن روحانی، رئیس قوه فاسد قضائیه به سخنان روحانی پاسخ می دهد و اعلام می کند که: «پرونده افراد متصل به قدرت فریادها را بلند می کند؛ می گویند این جناحی یا سیاسی است.» روز پنجشنبه ۷ شهریور ابراهیم رئیسی در گردهمایی بزرگ مبلغان محرم گفت: «زمانی که پرونده کسانی که متصل به نظام قدرت و سرمایه هستند روی میز قاضی می آید، صدای عده ای بلند می شود و می گویند موضوع جناحی و سیاسی است.»

در چند جمله معترضه - این جلاد دست نشانده ولی فقیه پرونده مراکز اصلی «قدرت و سرمایه» روی «میز» نمی آورد و با پروپی و در حالی که نهاد فاسد تحت ریاست او شدیدترین احکام در مورد کسانی که اولیه

سلام

من گلنار هستم. اهل خراسان شرقی. اینجا روستای ماست و پنجاه خانواردار. بیشتر آدمهای اینجا قالی می بافند و زندگی شان از این راه می گذرد.

ما اینجا مدرسه نداریم و به خاطر همین به مادران کمک می کنیم که زودتر فرش ببافند و مزد بیشتری بگیرند. این قالی را چند ماه پیش شروع کردیم و یک ماه دیگر تمام می شود.

صاحب کار ما حاج مصطفی ست و در «جهاد سازندگی» کار می کند. او فرشهای ما را در مغازه اش که در بازار است می فروشد و بعضیهاشان را هم به خارج صادر می کند.

حاج مصطفی مسئول «بسیج شهری» هم هست و هر هفته باماشینش می آید اینجا و مزد ما را می دهد و می گوید: «مرا دعا کنید تا سایه من همیشه بالا سر شما باشد!» او سالی یک بار به آلمان می رود و یک ماه بعد برمی گردد.

بابام چوپان است و برای کدخدا و سه خانوار دیگر کار می کند و هر ماه به جای پول، ارد و گندم و شیر و پنیر و ماست می گیرد؛ ولی نمی دانم چرا بابام از این حاج مصطفی خوشش نمی آید و به مادرم می گوید هر وقت او به اینجا می آید جلو چشمانش نباشد و خودش را در خانه پنهان کند تا او از روستا برود.

وقتی از مادرم می پرسم: «چرا بابا این را گفته؟» مادرم می گوید: «هر وقت بزرگ شدی خودت می فهمی.» صبح چندآقا برای سرشماری به روستای ما آمدند. یکی از آنها به من گفت: «دختر جان چند سال داری؟!» من خجالت کشیدم و رفتم پشت مادرم قایم شدم. چون یادم نبود چند سال دارم و نمی دانستم چه بگویم. بعد مادرم گفت: «شش سال داره آقا» و آنها لبخند زدند و خداحافظی کردند و رفتند.

من شهر را خیلی دوست دارم و دو بار به شهر رفته ام. وقتی که مریض بودم و بابام مرا به دکتر برد. وقتی به شهر رفتم، ماشینها و مغازه ها را می نگاه می کردم و بالا و پایین می پریدم و آواز می خواندم.

سرمقاله

علیه قیام در دو پرده

منصور امان

بقیه از صفحه ۱

رژیم ج.ا پس از خیزشهای دی ماه ۹۶ در برابر جامعه به موضع دفاعی رانده شده و راه حلپایش نیز موقعیتی که در آن بسر می برد را بازتاب می دهد. در دوره ای که سرکوب تاثیر منفعل کننده اش بر جامعه را از دست داده، رفتن به زندان "نظام" فاسد و ستمکار فضیلت به حساب می آید و کارخانه و مزرعه، جاده و خیابان، مدرسه و دانشگاه صحنه نمایش سینه های سپر کرده و بی هراس است، حاکمیت در اعمال خُشونت و وحشیگری یک پا چلوتر می گذارد تا به نقطه تعادل با سطح اعتراضها و مبارزه جاری در جامعه دست یابد.

از سر این تنگنا است که "نظام" یک قاتل بدنام را به ریاست دستگاه قضایی حاکمیت برکشیده. دژخیم ابراهیم رئیسی هیچ وظیفه ای مهم تر از تولید وحشت و نشان دادن پنجه های خونین حاکمیت ندارد. بر این اساس، شهرت چندی اش آور او در جامعه، نه تنها مانعی برای روسایش به شمار نمی رود، بلکه یک پیش شرط لازم برای این شغل در دوره کنونی را برآورده می کند. در این راستا پروژه ارباب جامعه و سرکوب بخشهای فعال آن با شدت تمام به جریان افتاده است. حاکمیت افسار ارادل بسیجی و لباس شخصی اش را رها کرده تا شلاق اقتدار آن را در محیطهای عمومی بر پشت زنان و مردان فرود بیاورد. از سوی دیگر، تلاش می کند به وسیله ایجاد دسته های رنگارنگ گزیمه، چیدن نیرو در مترو، پارک، مراکز تفریحی، خیابانها و جاده های بین شهری، تشویق به جاسوسی پیامکی و احضار انبوه، ترس و احتیاط را همگانی کرده، روحیه اعتراضی توده معترض را تخریب کند و آن را به انفعال بکشاند. در همین حال، دستگاه حاکم پیگرد و سرکوب کوشندگان مدنی، مخالفان حجاب اجباری، کارگران، دانشجویان و روزنامه نگاران را شدت داده است. وزارت اطلاعات و اطلاعات سپاه پاسداران فعالانه مشغول دستگیری، شکنجه و اخذ اعترافات اجباری هستند و شانه به شانه آنها، دادگاههای حکومتی هر گونه ظاهر سازی را کنار گذاشته اند و به صورت سریالی احکام مسخره و همزمان ظالمانه صادر می کنند.

با غل و زنجیر ۱۴ سال زندان برای اسماعیل بخشی، سخنگوی کارگران دلبر هفت تپه، ۱۹ سال برای سپیده قلیان و ۷۸ سال برای پنج کارگر و کوشنده کارگری، رژیم ولایت فقیه پیام می دهد که کمر به حذف مطالبات و اعتراضات همه گیری بسته که نه می تواند و نه منافعی اجازه برآوردن و پاسخ دادن به آنها را می دهد.

بر اساس یک گزارش منتشر شده از سوی "هرانا"، در دوره شش ماهه نخست ریاست جلال رئیسی بر قوه قضاییه، کوشندگان مدنی و صنفی در پرونده های مجزا دستکم به هزار و ۲۷ سال و شش ماه حبس و هزار و ۴۲۸ ضربه شلاق محکوم شده اند که از رشد ۱۱۹ درصدی صدور احکام نسبت به دوره مشابه در زمان ریاست شیخ صادق لاریجانی خبر می دهد.

در این احکام جنون آمیز آنچه که به سخن درآمده، حاصل جمع تدبیرها و راه حلپای رژیمی درمانده و در تنگنا برای رویارویی با بحران اقتصادی و برخورد با اعتراضهای روزافزون اکثریت جامعه نسبت به شرایط معیشتی خود و خفقان حاکم است.

بازی با فساد

در حاشیه تهاجم سراسری به جامعه و جنگ پیش دستانه علیه آن، حاکمیت یک مانور نمایشی را نیز

پیش می برد که بر دکوراسیون آن تابلوی "مبارزه با فساد" اویخته شده است. هدف معرکه "دزد گیری"، تخلیه خشم متراکم و روزافزون جامعه از فساد دستگاه حاکم و شکاف هولناک طبقاتی بین "پایین" و "بالا" است. موج نفرت مردم، رژه اشرافیت مهر-پیشانی با خودروها، کاخها، ویلاهای لوکس و انگل زاده های دریده اش را همراهی می کند. آنها که رانت پنجاه هزار تومانی را کمک خرج می دانند، هر روز ارقام افسانه ای تازه تری از راهزنی و غارت در این یا آن بخش حکومت و دولت به صورت شان سیلی می زند و به همان اندازه در برابر حاکمیت گارد می گیرند.

گویا ترین شاهد هراس طبقه فرادست از صف بندی طبقاتی جامعه علیه خود، نمایش ریشخند آمیز رییس دفتر آقای خامنه ای در وصف "زندگی متوسط و زیر متوسط رهبر" است. حجت الاسلام گلپایگانی خود را ناچار دیده در برابر جامعه جان به لب رسیده و خشمگین سوگند بخورد: "رهبر همواره به یاد فقرا و بیچارگان بوده و همسان با آنها زندگی می کند."

مشاطه کری او برای ارباب و "آقا زاده های" بازتابی از اعتراضهای فزاینده مردم نسبت به توزیع ناپراب و ظالمانه هزینه و پیامدهای بحران خارجی و بحران حکمرانی است. به موازات فقیر تر، بیکار و محروم تر شدن هر چه بیشتر اکثریت جامعه، تضاد طبقاتی بین "بالا" و "پایین" با شدت و درشتی کوبنده تری به موضوع گفتگو، انتقاد و سیاست تبدیل می شود. باند میلیارد دلاری آقای خامنه ای از این زاویه با تمرکز بیشتری زیر ذره بین جامعه قرار گرفته و به شتاب به موضع دفاعی رانده شده است.

حاکمیت، رهبران و پایوران آن در نوک حمله و اعتراض جامعه علیه شرایط دشوار و غیرانسانی زیست و معاش خود قرار گرفته اند. حساسیت توده ها نسبت به توزیع ناعادلانه ثروت و نکتب و انباشته شدن امکانات، برخورداریها، آسودگی و رضایت خاطر در گوی گشاد حاکمیت به گونه تصاعدی افزایش یافته است؛ یک دگرگونی خطرناک ذهنی که اجبار حاکمیت به اقدامات نمایشی و بیرون کشیدن چند بز از گله ولایت و قربانی کردن آنها زیر پای جامعه را موجب شده است.

براین اساس حاکمیت "مبارزه با فساد" را یک تاکتیک طلایی در شرایط موجود می انگارد. دراز کردن چند تبهکار پیشانی سفید حکومتی زیر این عنوان، شاه کلیدی است که به پندار "نظام" می تواند به هزینه ای اندک، به بخشی از نارضایتی و اعتراض توده پاسخ داده و روانشناسی شکل گرفته بر این پایه را دستخوش تغییر سازد.

از آنجا که فساد استخواندار و فراگیر "نظام"، جبهه ای عمومی و پخش شده در سطح جامعه را علیه خود گشوده است. بنابراین حاکمیت نیز می کوشد بر این تضاد عمومیته یافته، با راه حلپای عوام پسندانه چیره شود. در مرکز این تلاش، ترتیب دادن نمایشهای گلابداتوری با افکندن چند قربانی "خودی" در برابر حیوانات درنده قرار دارد. حاکمان کشور به سبک فرمانروایان رم باستان، "عوام" را به نمایش یک درگیری مهیج دعوت می کنند تا سرگرم شوند. آنها گمان می برند همانگونه که نمایشهای مزبور در آن زمان شهوت خُشونت و خونریزی تماشاچیان رمی را ارضا می کرد، اینک نیز "کولوستوم" قضایی بتواند آتش خشم و بیزاری جامعه را نسبت به فساد که آن را محاصره و غارت می کند، فرو بنشاند و عطش توده ها به عدالت را سیراب کند.

حساب گشادی که حکومت روی این معرکه و گمراه سازی جامعه باز کرده را به خوبی می توان در اویختن یک خرمهره ناسیونالیستی به پوپولیسم قضایی دستگاه جاکم مشاهده کرده. روزنامه اندرونی رهبر ج.ا، دستیار مرشد معرکه را "کوروش کبیر" خوانده تا به این پروژه امنیتی رنگ ملی بزند و به جامعه ای که با سیاست،

ایدیولوژی و فرهنگ ملی و ملت ستیز رژیم ولایت فقیه مرزبندی دارد، قالب کند.

از این زاویه رژیم ج.ا به همان راهی پا گذاشته که تمام رژیمهای ایستاده در آخر کار خود طی کرده اند؛ آنها نیز در انتهای بی چارگی چنین روشهایی را کشف می کنند؛ اقداماتی دیرهنکام که نجات شان نمی دهد

ساز و صندوق

با این وجود، خیمه شب بازی "ضد فساد" تنها سازی نیست که "نظام" برای "مهندسی" اعتراضات به صدا درآورده؛ حاکمیت در انتخابات مجلس مالاها در اسفند ماه سال جاری روزنه دیگری برای تخلیه فشار و مدیریت اعتراضها می بیند. در این راستا به طور عمده تلاش می کند دستکم بخشی از موج اعتراضها را به کانال "انتخابات" افکنده و منحرف سازد.

این یک تلاش ناامیدانه است که در محاصره کامل توده ها صورت می گیرد. جامعه برای مرزبندیهای فریبکارانه ای که حاکمیت را به جناح بندیهای "اصولگرا" و "اصلاح طلب" تقسیم می کند، اعتباری قائل نیست و به این ترتیب دخل و خرجی که برای دهه ها تنور تقسیم سهم در "بالا" یا گرم می کرد و به گونه مشخص بخشهای از طبقه متوسط را با توهم "اصلاح" یا جلوگیری از "بدتر" شدن شرایط بسیج می کرد را از سکه انداخته است. آقای محمد خاتمی، یک چهره مشهور این بازی، اکنون مایوسانه اعتراف می کند: "من اگر تکرار هم کنم، دیگر مردم رای نمی دهند."

درجه هراس طبقه حاکم از عمیق تر شدن شکاف در جریان انتخابات حکومتی و ژرفش قطب بندی "بالا" و "پایین" را از آنجا بهتر می توان اندازه گرفت که همین شخص اندکی بعد ناچار شد سخنان قبلی اش را به باد هوا بسپارد و با به جلو انداختن دوباره خود، به "مردم ناراضی" که در جریان خیزشهای دی ماه ۹۶ آنها را "فرصت طلب" و "آشوبگر" خوانده بود، التماس کند که "فداکاری و از خودگذشتگی کنند و به خاطر ایران پای صندوق بیایند."

آنچه که حاکمیت از کمین بی رونق خود دریافت خواهد کرد، واکنش کوبنده جامعه به معرکه انتخابات و صندوقهای شعبده آن است. اگر از دریچه ترکیب و آرایش موجود نیروها بر صحنه اجتماعی ایران به "انتخابات" زمستان نگریسته شود، چشم انداز مقابل نشان می دهد که "نظام" از درون این کارزار پریشان تر بیرون خواهد آمد و نه تنها موضع آن در برابر جامعه ضعیف تر می شود، بلکه تضادهای درون آن نیز با شدت و فشردهی بیشتری فعال خواهد گردید.

برآمد

"نظام" درمانده به سختی در تلاش است از یکطرف سرکوب را اجتماعی و ویروس وحشت را همه گیر کند و از طرف دیگر، بخشهای مردم یا متوهم جامعه را از میدان سرنوونی بیرون آورده و به زمین خود بکشد. حالت مطلوب آن ایجاد تعادلی بین خود و جامعه همچون دهه شصت بر پایه ترور بی وقفه ی ذهنی و عینی جامعه و بخشهای فعال و پیشرو از خانه تا زندان است.

آنچه که اجتماعی شده اما اعتصاب، اعتراض، خیزش و در یک کلام برتنابیدن شرایط موجود است. مبارزه افسار اجتماعی تکامل یافته و در قلمروهای تازه ضرورتهای تازه ای همچون مسلح شدن به سازمان یافتگی، تشکل یابی و همبستگی را تجربه می کند. حاکمیت نتوانسته صدای اعتراضات را خاموش و موج اجتماعی نیرومندی که آن را پیش می برد، منحرف سازد. تیغ "نظام" شاید بر تن جامعه زخم بزند، اما چون نمی تواند آن را از پا درآورد، فقط قوی ترش می کند.

باتوم و زندان، پاسخ حکومت به جنبش کارگری

زینت میرهاشمی

گفتگو و تعامل با کشورهای منطقه را پیشنهاد داد. این ماله کش به خوبی می داند که حتا توان گفتگو با کارگران گرسنه را ندارد. گفتگو و تعامل در اتاق فکر رژیم یعنی دخالت در امور کشورها و به همین خاطر راه حل بحران یمن از کانال رژیم نمی گذرد، همان طور که در سوریه سرانجامی ندارد. رژیم ایران جزیی از راه حل نیست، بلکه عامل اصلی بحران در منطقه است. روحانی که از دیگران خواسته است برای منطقه صلح بیاورند، حتما از جنگ نابرابر مزدورانش با کارگران با خبر است. به راستی کارگران هپکو که ماهها است حقوق دریافت نکرده و نسبت به مدیریت این کارخانه اعتراض دارند چرا باید زیر ضربات گارد ضد شورش به خون کشیده شوند.



یورش گارد ویژه به کارگران هپکو در روز دوشنبه ۲۵ شهریور که به زخمی شدن تعداد زیادی از کارگران انجامید، درماندگی رژیم در نبردی ناعادلانه و نابرابر با کارگرانی که با دستهای خالی حقوق ابتدایی خود را طلب می کنند، است. در یورش روز دوشنبه نیروهای حافظ امنیت رژیم، دهها نفر از کارگران دستگیر و ۱۵ نفر بر اثر شدت جراحت به بیمارستان منتقل شدند.

حرکت اعتراضی کارگران هپکو علیرغم یورش بی رحمانه ماموران سرکوبگر رژیم در روز چهارشنبه ۲۷ شهریور برای سومین روز ادامه داشت. امنیت رژیم با بستن زنجیر به پای کارگران و سرکوب فریادهای حق طلبانه آنها تامین نمی شود. همستگی و اتحاد کارگران و مزدبگیران در تداوم حرکتهای اعتراضی، گام موثر در پیشبرد جنبش کارگری برای عقب راندن رژیم است. گامی که رژیم با کابوس آن همواره روبرو است. کابوسی که هر روز واقعی تر می شود.

حرفهای حسن روحانی در روز چهارشنبه ۲۰ شهریور، بعد از شوک جان باختن دختر آبی و حکمهای شرم آور علیه فعالان کارگری، چندان آور است. وی گفت: «راه اصلی برای کسب حق زنان و کارگران انتخابات است.» (خبرگزاری حکومتی ایسنا، ۲۰ شهریور)

دعوت به شرکت در شعبه بازی انتخابات، تاکتیکی در مقابل مردم به جان آمده ای است که در کف خیابان با صدای بلند بر تمامیت رژیم خط باطل کشیدند. در آینده ای نه چندان دور مردم عمل خود را مانند اسماعیل بخشیهها در خیابانها نشان خواهند داد.

بیچاره شب پرستان که با ابزارهای سرکوب، بر فعالان جنبش کارگری چنین می تازند و از طلوع سپیده دیگری هراسانند.

۹۶ به طور مجدد رخ دهند». (تسنیم وابسته به سپاه قدس، ۱۴ شهریور ۹۸)

صدور احکام ظالمانه ۱۱۰ سال زندان برای اسماعیل بخشی نماینده منتخب کارگران هفت تپه و فعالان کارگری سپیده قلیان، امیرحسین محمدی فرد، ساناز الهیاری، امیر امیرقلی، عسل محمدی و محمد خنیفر از طرف بیدادگاه رژیم، نشان دهنده پوشالی بودن این رژیم است. مگر اینها چه می خواستند؟ خواسته های آنان برای دریافت حقوقهای عقب افتاده شان و اعتراض به خصوصی سازی (فامیلی سازی)، نشان دادن سفره های خالی و دستهای خالی فرزندان شان چگونه امنیت این رژیم را به خطر انداخته است؟

صدور این گونه احکام به معنای خفه کردن صدای اعتراضی کارگران و مزدبگیران در آینده است. انقدر دزدی و چپاول و غارت زیاد شده است که بالادستان هر شب کابوس خیزشهای توده ای را می بینند. محکوم کردن ۷۶ کشاورز معترض به طرح انتقال آب در استان چهارمحال بختیاری، به ۴ ماه زندان و ۳۰ ضربه شلاق در بیدادگاهی در بروجن، ترس از خیزش دوباره کشاورزان بر سر آب است. به ویژه که وضع آب در ایران هر روز بحرانی تر می شود.

در حالی که بوی تعفن جنگ طلبی رژیم در همه جا پراکنده شده است، بیش از هر هنگام فقر و بیکاری زندگی کارگران، معلمان، بازنشستگان، پرستاران و ... را تهدید می کند. هزینه موشکها و پهپادهای مصرف شده در جنگ علیه تاسیسات نفتی عربستان نه از جیب کاخ نشینان بزدل و فاسدی که پاسپورت در جیب برای فرار آماده اند، بلکه بر دوش مردم تهیدست که اکثریت جامعه را تشکیل می دهند، سنگینی می کند.

حرفهای خامنه ای، روحانی و ماله کش نظام در روز چهارشنبه ۲۷ شهریور بعد از به خون کشیدن کارگران هپکو، چندان آور است. ولی فقیه مدعی شد که هدف نهایی نظام، «ایجاد تمدن اسلامی» است. وی از عراق تا دیگر کشورهای غرب آسیا و شمال آفریقا را بخشی از «امت اسلامی» که قرار است در حوزه تمدن دیکتاتوری ولایت فقیه قرار گیرند به تصویر کشید. با همین حرفها و خیال بافیهای ولی فقیه است که حمله های پهپادی و موشکی به پالایشگاههای عربستان عملیاتی می شود.

ماله کش نظام هم پشت تابلوی دروغین «گفت و گو و تعامل» ژست گرفته، «گفتگوی یمنی - یمنی» و

تجربه چهل سال دیکتاتوری ولایت فقیه نشان داده که هر گاه رژیم خود را در سرایشی سقوط می بیند برای نجات، دست به بازداشتهای فله ای و کشتار می زند. قتل عام زندانیان سیاسی بی دفاع بعد از نوشیدن جام زهر در سال ۶۷ تا این روزها که رژیم گرفتار بن بست اقتصادی و سیاسی است. شرایطی که بیش از هر هنگام حاکمیت با تنفر مردمی و خیزش توده ای به ویژه بعد از قیامهای دی ماه ۹۶، حرکتهای اعتراضی عظیم کارگران هفت تپه و فولاد اهواز، معلمان و کامیونداران و اعتراض قدرتمند کارگران هپکو روبرو شده است.

با وجود تمام تلاشهای ضد انسانی رژیم، از وعده های فریبکارانه تا دستگیری، حکمهای حس طولانی، آزار و شکنجه نمایندگان و فعالان این جنبش، برای خاموش کردن حرکتهای اعتراضی کارگران نیشکر هفت تپه، فولاد اهواز و هپکو، همچنان ادامه دارد. موج اعتراضهای کارگری علیه وضع موجود که با گامهای استوار کارگران نیشکر هفت تپه و فولاد اهواز در کف خیابان رژیم را به چالش کشید، نه تنها خاموش نشد بلکه بیش از هر هنگام به نهادینه شدن اعتراضهای کارگری یاری رساند.

وعده های داده شده برای مهار اعتراضهای کارگری سرابی بیش نبود. خواسته های کارگران نه تنها عملی نشد بلکه پرونده سازی امنیتی و حکمهای شلاق و حس طولانی برای شرکت کنندگان در اعتصابات کارگری رو به افزایش است. احضار، تهدید و امنیتی کردن خواسته های کارگران شگردی ضد بشری برای ساکت کردن کارگران است. اعمالی که رژیم ولایت فقیه برای سرکوب کارگران استفاده می کند خلاف مقوله نامه های سازمان جهانی کار است که جمهوری اسلامی عضو آن است و باید به آن متعهد باشد.

به میزانی که فساد و دزدی در حکومت بالا می رود، سفره کارگران خالی تر می شود. رژیم بار فشار بحران اقتصادی را با نام اقتصاد مقاومتی بر شانه های کارگران و مزدبگیران می گذارد. در حالی که خامنه ای و روحانی در برابر بن بست تحریما مرتب از خوبی اوضاع و بهتر شدن وضع اقتصاد و پایین آمدن بهای ارز حرف می زنند، اعتراضهای کارگری دلیلی بر دروغ بودن حرفهای پایوران رژیم است. آغاز دوباره اعتصابات کارگران نیشکر هفت تپه و هپکو، از هفته اول شهریور ماه، رژیم را به ترس انداخته است. این ترس حتا از دید ابراهیم رئیسی، جلاد تازه نشسته بر صندلی قوه فاسد قضائیه، پنهان نماند. وی گفت: «برخی در پوشش اعتراضات کارگری، اهداف دیگری را دنبال می کنند». و البته خواستار شنیدن صدای کارگران شد. منظور او از شنیدن صدای کارگران، محکوم کردن ۱۷ تن از کارگران هفت تپه به شلاق و زندان است. علاوه بر کارگران هفت تپه، حکمهای سنگین همراه با شلاق برای کسانی که در روز کارگر در کنار کارگران بودند بریده شده است. در روزهای آخر شهریور ماه، ۴۱ نفر از کارگران فولاد اهواز به بیدادگاه رژیم احضار شدند.

سعید عمرانی، معاون بیدادستان کل رژیم در روز چهارشنبه ۶ شهریور، بیشرمانه با گفتن اینکه که کارگران هفت تپه پول گرفته بودند تا آشوب کنند، بر افزایش سرکوب کارگران صحه گذاشت.

امنیتی کردن حرکتهای حق طلبانه کارگران ترس رژیم از شکل گیری خیزشهای گسترده خیابانی سال ۹۶ است. به ویژه آن که وضع رژیم بیش از هر هنگام شکننده است. این امر را نماینده ولی فقیه و دبیر «جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی» در اراک به خوبی توضیح می دهد. وی می گوید: «اگر روند اعتراضات کارگری به این صورت تداوم یابد به دور از تصور نیست که وقایع سال

طبقه و نژاد در برزیل؛ آنها فقیرند، چون سیاه پوستند

فیلسوف برزیلی، جمیله ریبریو در باره فمینیسم سیاه پوستان، اشتباه چپ برزیل و ریاکاری اروپا سخن می گوید

تاتس ... برگردان: بابک

همچون بقیه، انسان سفیدپوست نیز از فرهنگ، سیاست و تاریخ تاثیر می گیرد، او در یک زمان مشخص از یک مکان مشخص سخن می گوید. اینکه او می تواند سخن بگوید و شنیده شود، به این ربط دارد که او سفیدپوست است. سیاه پوستها اما در مقابل از یک جایگاه حاشیه ای سخن می گویند، صدای آنها شنیده نمی شود. با پرداختن به "نقطه نظر سخن" ما یک فضای دموکراتیک ایجاد می کنیم که همه به آن راه دارند. این امر فقط در صورتی ممکن است که دریابیم ما از مواضع متفاوتی سخن می گوئیم.

چرا برای بسیاری فهم این مساله دشوار است؟

برخی از سفیدپوستان از اینکه به عنوان سفید شاخص شوند، آزرده می شوند. آنها احساس محرومیت می کنند. این در حالی است که فمینیسم سیاه کسی را کنار نمی گذارد، اما فقط با صداهای جدید همراه می شود.

موضع سخن به کنار، آیا احساس نمی کنید به عنوان فیلسوف سیاه پوست، به مباحث نژادپرستی و فمینیسم کاهش داده می شوید؟

من آگاهانه تصمیم گرفته ام با فمینیسم و نژادپرستی مقابله کنم. به عنوان یک زن سیاه پوست برای من این یک مساله سیاسی هم هست، زیرا تفکر زنان سیاه پوست از نظر تاریخی نادیده گرفته شده است. من وظیفه خود می دانم که این تفکر را قابل دیدن کنم. اما معلوم است، این خسته کننده است که به موضعی رانده شوید که از شما خواسته شود به هر حادثه

یک نقش مهم؛ از یاد نباید برد که کشورهای اروپایی قدرتهای استعماری بودند. برزیل مستعمره پرتغال بود، اما پرتغال هرگز برای اعمالش مسوولیت تاریخی به گردن نگرفت. من برخوردی جدی از طرف کشورهای اروپایی با تاریخ خود نمی بینم.

به چه معنا؟

در اروپا علیه مهاجرت برافروخته می شوند، در حالیکه پیش از این کشورهای مبدا مهاجرت را استعمار کرده و امروز هم همچنان استعمار می کنند. اروپا با برزیل به گونه ای برخورد می کند که گویی ما مستعمره هستیم. اروپا پیرامون آنچه که در برزیل رخ می دهد، ابراز نگرانی می کند، اما از خصوصی سازی شرکتهاى دولتی نفع می برد. از رویدادها در منطقه آمازون شکایت می کند و همزمان منابع طبیعی ما را به غارت می برد. ما شاهد یک پروسه نواستعماری هستیم.

هنگامی که در ماه آگوست آتش سوزی در جنگلهای آمازون توجه اروپا را برانگیخت، کشورهای جی ۷ پیشنهاد کمک مالی دادند.

بولسونارو این پیشنهاد را رد کرد، او هم از نواستعمار سخن گفت

احتمال او حتی نمی داند این واژه به چه معناست. او از یک گفتمان استقلال ملی دفاع می کند، در حالیکه دولتش در جهت عکس آن عمل می کند. هنگامی که تمام دنیا نگاهش متوجه برزیل شد، او به این گفتمان چسبید تا در مقابل انتقادات از خود دفاع کند.

"جمیله ریبریو" (Djamila Ribeiro) یکی از شناخته شده ترین چهره های فمینیسم سیاه در برزیل است. او فیلسوف، مقاله نویس و نویسنده دو کتاب پرفروش است. آخرین کتاب او "چه کسی از فمینیسم سیاه هراس دارد؟" نام دارد.



خانم ریبریو، از ژانویه امسال "ژائیر بولسونارو"، یک راست افراطی، بر برزیل فرمان می راند. بسیاری از پیروزی او شگفت زده شدند، شما هم همینطور؟

مرا میزان حمایت از او در ابتدای نامزدی اش شگفت زده کرد. سرآخر که برنده شد، آن را حدس می زدم. بولسونارو مبارزات انتخاباتی اش را احساسی پیش برد، او از یک جو سیاسی به سود خود استفاده کرد. بسیاری به او رای دادند، چون تحت هیچ شرایطی نمی خواستند رای شان را به دولت سابق، "حزب کارگر"، بدهند. بسیار غمناک است که آنها از یک رییس جمهور ضد بشر حمایت کردند.

در ماه می بولسونارو اعلام کرد نژادپرستی در برزیل یک امر نادر است. در جامعه برزیل یک باور سرسخت به نام "دموکراسی نژادی" وجود دارد. این به چه معناست؟

اسطوره "دموکراسی نژادی" مدعی است که در برزیل نژادپرستی وجود ندارد. از آنجا که در برزیل برخلاف کشورهایی مانند آمریکا یا آفریقای جنوبی نه تفکیک نژادی رسمی و نه رژیم آپارتاید وجود داشت، یک تصویر رمانتیک از همزیستی انسانها با هر رنگ پوستی ساخته شده.

شما می نویسید، سیاه بودن در برزیل مانند بیگانه بودن در سرزمین خود است.

بیش از نیمی از جمعیت برزیل سیاه پوست هستند. اما زمانی که تلویزیون را روشن می کنی، فقط سفیدپوست می بینی. هر ۲۳ دقیقه یک جوان سیاه پوست در برزیل به قتل می رسد. سیاه پوستان با درصد بالای متوسط اغلب به زندان می افتند. برزیل یک کشور به شدت نژادپرست است و بر خون سیاه پوستان و بومیان بنا شده است. اما این خشونت نامرئی می شود و با آنچه که مردم گمان می کنند وجود ندارد، به سختی می شود مبارزه کرد.

اروپا در این مساله چه نقشی بازی می کند؟



نژادپرستانه واکنش نشان بدهید. فراموش می شود که من هم یک انسان هستم، افزون بر آن مادرم و طرفدار ورزش، عاشق شراب و کتابخوان.

کتابهای شما به فرانسوی ترجمه شده، به زودی به زبان اسپانیایی و ایتالیایی هم منتشر می شود. آیا عجیب نیست آثاری که از تفکر اروپا محور انتقاد می کند، حال در اروپا موفق است.

بقیه در صفحه ۶

شما در کتاب خود به نام "از چه سخن گفته می شود؟"، اصطلاح "lugar de fala" یا "موضع [اجتماعی] سخن" را ساختید. این به چه معناست؟

حرف من این است که روشن کنم همه ما از مواضع اجتماعی رشد یافته تاریخی صحبت می کنیم. انسان سفید پوست به طور سنتی، جهانی شمرده می شد، او جهان را توضیح می داد. اما روایاتی که وانمود می کنند جهانی هستند، در حقیقت بسیار یکجانبه اند. آنها از یک دیدگاه ویژه و اغلب ممتاز شکل می گیرند.

طبقه و نژاد در برزیل؛ آنها فقیرند، چون سیاه پوستند

بقیه از صفحه

البته من می دانم که اروپا همه جهان نیست، اما این جنبش معکوس، توانمند است. آثار یک زنان سیاه پوست پرتغالی نویسنده از جنوب جهانی ترجمه شده و در اروپا دیده می شود. جالب است که استادان من در فلسفه همیشه فرانسه و متفکران فرانسوی را تحسین می کردند، من اما نه! و اکنون به طور مشخص آثار من به فرانسوی ترجمه می شود. در این میان آنها هستند که مرا تحسین می کنند.



شما بین دو جهان درگذرید: در دانشگاه تدریس می کنید و آثارتان آکادمیک است. همزمان، به شما "فیلسوف پاپ" لقب داده می شود. چطور می توانید این دو را با هم ترکیب کنید؟

این ترس تاریخی فمینیستهای سیاه است؛ زبان ساده آنها مورد تمسخر قرار می گیرد. اما زبان قدرت است و ما باید به گونه ای صحبت کنیم که مردم بتوانند آن را بفهمند و آنها را توانمند سازد که دیدگاهها و مواضع شان را بازتاب دهند. در غیر این صورت نابرابریها را بازتولید می کنیم. امروز وقتی وارد فضاهای دانشگاهی می شوم، همیشه مادرم را در ذهن دارم که به عنوان نظافتچی کار می کرد. مسوولیت تاریخی من کسانی مانند او و سیاست رفاه اجتماعی رییس جمهور "لولا داسیلوا" (Lula da Silva) را شامل می شود. باوجود انتقادهای روا، "حزب کارگر" وی فضاهای اجتماعی را دموکراتیزه کرد. من در دانشگاهی تحصیل کردم که بدون دولت او وجود نمی داشت. من فرزند این دولت هستم.

با این حال در ماه آوریل در نامه ای سرگشاده به رییس جمهور سابق زندانی، لولا، انتقاد کردید که چپها باید مواضع خود را بهتر بازتاب دهند

چپ برزیل به مساله طبقه می پردازد، اما این کافی نیست. در برزیل، جمعیت سیاه پوست فقط به سادگی فقیر نیست؛ او به دلیل سیاه بودن فقیر است. شما نمی توانید در کشوری مانند برزیل بدون در نظر گرفتن این واقعیت حرف بزنید. اگر در مورد اقتصاد حرف زده می شود، باید به یاد آورده شود که زنان سیاه پوست بیشترین بار سیاست مالیاتی را احساس می کنند. هنگام صحبت درباره سلامتی، باید به خاطر داشت که زنان سیاه پوست شایع ترین قربانیان مرگ و میر مادران هستند. من بارها و بارها جنبشهای مترقی را می بینیم که از مردان سفید پوست تشکیل شده است. نمی دانم آنها چقدر در حرفهای شان جدی هستند، وقتی که به سیاه پوستان یا بومیان تریبون نمی دهند.

دانشگاه در ماهی که گذشت (شهریور ۹۸)

کامران عالمی نژاد

دولتی تهیه شده است و وزارتخانه باید میان ناشران توزیع کند."

از دیگر علت‌های گرانی کاغذ می توان به تخصیص ندادن بودجه کافی از طرف دولت نام برد. این اما امری دور از انتظار نیست که دولتی که در منگنه تحریمهای بی سابقه نفتی گرفتار شده، از صرف بودجه برای کالاهای به گمان خود، غیر ضروری صرفنظر کند و آن را در جایی مهمتر به مصرف برساند. حسن نصرالله، دبیر کل جنبش حزب الله لبنان، در تیر ماه ۱۳۹۵ گفت: "ما همه نیازهای خود را از خوراک و پوشاک تا موشک و سلاح به طور مستقیم از جمهوری اسلامی دریافت می کنیم."

در همین رابطه می توان به سخنان معاون بازرگانی داخلی وزارت صنعت، معدن و تجارت و دبیر ستاد تنظیم بازار اشاره کرد: "تیرماه سال گذشته وزارت ارشاد با توجه به تخصص این وزارتخانه مسوولیت تنظیم بازار کاغذ را برعهده گرفت، ولی با توجه به ۴۶۰ میلیون دلار واردات کاغذ روزنامه، چاپ و تحریر در سال ۹۶، در سال ۹۷ تنها ۳۲۰ میلیون دلار کاغذ وارد کشور شد که این کمبود کاغذ وارداتی باعث نوسان در بازار کاغذ شد."

سهام دانش آموزان کشور در رژیم جمهوری اسلامی، حسرت کفش و لباس دلخواه و آرزوی کیف مدرسه ای زیبا با رنگهای شاد است.

برای رهایی از این رژیم بدخواه و ضد مردمی باید تمامی اقشار کشور، اعم از کارگر و دانشجو، کارمند و ارتشی، همه دست به دست یکدیگر و تا فرصت باقیست کمر این گوژپشت بدطینت را بشکنند، بهترین زمان برای پیروزی در این نبرد تاریخی همین لحظه است.

نرخ بیکاری در فارغ التحصیلان دانشگاهی دو برابر بیسوادان است



معاون آموزشی سازمان آموزش فنی و حرفه ای کشور با اشاره به اینکه نرخ بیکاری در فارغ التحصیلان دانشگاهی دو برابر بیسوادان است گفت: "برای برنامه ریزی آموزشی ضرورت دارد، در هر بازار کار و در هر کشوری یک هرم شغلی پیش روی سیاستگذارها باشد. یعنی اگر قرار است یک نفر در مقطع دکترا تربیت شود، باید افرادی هم در لایه پایین تر از آن با یک ضریب دو و سه برابری که در بخشهای مختلف با هم متفاوت است، تربیت شوند. زمانی که یک دکترا تربیت می شود، باید چهار نفر هم مرتب با دکترا در لایه ارشد تربیت شوند. زمانی که فردی در مقطع ارشد تربیت می شود، باید در لایه پایین تر برای سه کارشناسی ارشد، حدود ۱۲ نفر کارشناس تربیت شوند، بعد از آن برای هر کارشناس باید چند تکنسین تربیت شود. یعنی هرم شغلی صحیح در کشور باید وجود داشته باشد."

بقیه در صفحه ۷

شروع سال تحصیلی با مشکلات بیشتر

دانشجویان و دانش آموزان کشور، سال تحصیلی ۹۹-۹۸ را در حالی آغاز می کنند که علاوه بر مشکلات صنفی و سیاسی که همواره سرپرستان و مسوولان پاسدار صفت آموزشگاهها برای آنها به وجود می آوردند، با مشکل بزرگ دیگری یعنی هزینه های سرسام آور تحصیل روبرو هستند. هزینه های از قبیل ثبت نام، خوابگاه، کتب درسی، رفت و آمد، خورد و خوراک، لباس، نوشت افزار و... که قیمت آنها هر روزه اضافه می شود و آه از نهاد سرپرستان خانواده در می آورد.

همه ساله در پایان تابستان، دانش آموزان با سرور و سربلندی از موفقیت و قبولی در دروس سال گذشته همچنین شادی و نشاط از شروع سال تحصیلی جدید و در کنار آن، خرید وسایل تحصیلی، کتابهای درسی جدید و لباس نو در پوست خود نمی گنجند، اما چند سالی است که در رژیم جنایتکار و فاسد جمهوری اسلامی آنان با تجربه تلخی روبرو می شوند؛ با به پایان رسیدن تابستان گرم، یاس و سرخوردگی از نداشتن اقلامی بسیار ساده مانند کیف، کفش و لباسی برازنده در چهره ی آنان نمایان می گردد. دردناکتر از آن بر والدینی می گذرد که در خرید این اجناس ناتوانند و با چهره ای عبوس و متاثر از ناتوانی در تهیه، کاری جز ریختن درد و رنج این مصیبت در درون خود را ندارند؛ کارگران و کارمندان شرافتمندی که اگر شانس به آنان روی کرده باشد مبلغ بخور و نمیری به عنوان دستمزد دریافت می کنند که البته تنها کفاف سیر کردن شکم خانواده را می دهد. حال در این میان هستند افرادی که حقوق خود را یا با تاخیر چند ماهه دریافت می کنند و یا مانند چندین هزار معترضی هستند که برای گرفتن حقوق عقب افتاده از این ارگان به آن ارگان دولتی شکایت می برند.

از اواخر سال ۱۳۹۶ و اوایل ۱۳۹۷ به علت سخت تر شدن تحریمهای ایالات متحده آمریکا در حوضه فروش نفت، ارزهای خارجی سیر صعودی جهش واری را در پیش گرفت که نتیجه مستقیم دخالتهای رژیم ایران در کشورهای منطقه و کوشش در جهت دستیابی به بمب اتمی بود. اما این تحریمها همانطور که سخنگویان ایالات متحده و کشورهای اروپایی بارها گفته اند، شامل دارو، تجهیزات پزشکی و مواد غذایی و نیز انواع مختلف کاغذ نمی شود. رژیم فاسد و دزد جمهوری اسلامی اما به جای صرف بودجه کشور در امور پزشکی و غذایی و دیگر اقلام مورد نیاز، با در تنگنا قرار دادن مردم در داخل و هزینه کردن بودجه کشور در جهت منافع افرادی خاص سعی در برانگیختن حس انسان دوستانه کشورهای همسو و مقصر جلوه دادن آمریکا در داخل را دارد.

در ماههای گذشته قیمت کاغذ نیز به مانند دیگر اقلام مورد نیاز مصرفی سیر صعودی در پیش گرفته است. این افزایش قیمت اما برای دانشجویان و دانش آموزان که قشر مایه مصرف کننده به شمار می روند، غیرقابل پرداخت است. بنا به گزارشات منابع حکومتی، قیمت کاغذ در اوایل امسال تا ۲۰ درصد افزایش داشته است. در این میان دلایان (آقازاده ها) سودجویی هستند که از رانت‌های حکومتی استفاده کرده و با ارز دولتی کاغذ را وارد و انبار می کنند و در نهایت بخش اعظمی از آن را با قیمت ارز آزاد به فروش می رسانند.

میرباقری، رییس اتحادیه صنف فروشندگان کاغذ و مقوا می گوید: "علت گرانی اخیر، کمبود عرضه کاغذ است و چندین ماه است که اتحادیه از توزیع کاغذ و فروش آن در بازار کنار گذاشته شده و وزارت ارشاد وظیفه توزیع کاغذ در سطح بازار را بر عهده دارد؛ کاغذی که با ارز

دانشگاه در ماهی که گذشت (شهریور ۹۸)

بقیه از صفحه ۶

علیرضا حاتم زاده با اشاره به اینکه حداقل ۷۰ درصد مشاغل موجود در بازار کار نیاز به تحصیلات دانشگاهی ندارند گفت: "در برنامه درسی دانشگاه ها نگاه به شغل نیست."

سکوت وزارت علوم درباره داوطلبان بدون کنکور

رییس اتحادیه دانشگاههای غیر انتفاعی گفت: "هفته سوم شهریور دانشگاههای غیر انتفاعی فعالیت خود را شروع می کنند، این در حالی است که وزارت علوم و سازمان سنجش درباره معرفی کسانی که بدون کنکور می خواهند وارد دانشگاه شوند، هیچگونه اطلاع رسانی نکرده اند و تکلیف دانشگاهها برای پذیرش دانشجوی مشخص نیست."

علی آهون منش در ادامه با اشاره به مشخص نبودن وضعیت داوطلبانی که براساس سوابق تحصیلی قصد ورود به دانشگاه را دارند، گفت: "یکی از مهم ترین دغدغه های دانشگاهها عدم اطلاع از وضعیت ۸۵ درصد از داوطلبان است که از طریق سوابق تحصیلی تقاضای ورود به دانشگاه دارند که در این رابطه تا کنون وزارت علوم و سازمان سنجش هیچ گونه اقدامی انجام نداده اند."

اعتراض دانشجویان پرستاری دانشگاه آزاد یزد به افزایش ۴۰ درصدی شهریه



افزایش ۴۰ درصدی شهریه دانشجویان پرستاری ورودی سال ۹۵ دانشگاه آزاد یزد و نبود مربی و آموزش لازم در دوره کارورزی موجب اعتراض دانشجویان دانشگاه آزاد شد.

یکی از دانشجویان ورودی ۹۵ پرستاری دانشگاه آزاد یزد گفت: "شهریه دانشجویان پرستاری ورودی ۹۵ در ترمهای گذشته به ازای هر واحد عملی ۴۸۳ هزار تومان بود، این شهریه اکنون ۷ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان شده."

وی با بیان اینکه این شهریه بسیار سنگین است و دانشجویان توان پرداخت آن را ندارند تاکید کرد: "در دوره کارآموزی دانشجویان بدون مربی و آموزش لازم به صورت رایگان در بیمارستانها کار می کنند. دریافت این مقدار از شهریه با وجود فعالیت رایگان دانشجویان در بیمارستانها و نبود مربی جهت آموزش بی مورد است. این در حالی است که دانشجویان دانشگاههای سراسری به مدت گذراندن کارآموزی خود حقوق دریافت می کنند و از آموزشهای لازم هم برخوردارند."

وی افزود: "دانشگاه آزاد یزد در پاسخ به اعتراضات دانشجویان سخن از عدم نیاز دانشگاه به دانشجو می زند و از ما درخواست می کند که اگر اعتراضی داریم، پرونده خود را دریافت کنیم و از دانشگاه خارج شویم."

افزایش شهریه برای کمک به دانشجویان است!

باقر لاریجانی، معاون آموزشی وزارت بهداشت، در نشست خبری اظهار کرد: "شهریه دانشجویان رشته های پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی نسبت به قیمت تمام شده این رشته ها بالا نیست."

وی افزود: "شهریه دانشگاه آزاد اسلامی توسط هیات امنای این دانشگاه تعیین می شود. ما نیز در هیات امنای این دانشگاه حضور داریم. مسوولان دانشگاه آزاد اسلامی به دنبال افزایش شهریه نیستند، بلکه می خواهند به دانشجویان کمک کنند."

دستگیری دو دانشجو در پی تجمع اعتراضی دانشجویان



عده ای از دانشجویان دانشکده هنر و معماری طی روزهای چهارشنبه و پنجشنبه، ۶ و ۷ شهریور، در خیابان فلسطین تهران نسبت به انتقال دانشگاه به سوهانک تجمع اعتراضی کرده و از جمله شعار می دادند: "ولایتی، استعفا استعفا"، "زدی از دانشجو - خجالت خجالت".

در این رابطه یکی از دانشجویان معترض گفت: "رفت و آمد به مجتمع سوهانک برای من و کسانی که از کرج و حومه تهران هستند، ۴ تا ۵ ساعت زمان می برد و این وقتی است که تلف می شود. کجای دنیا اینگونه عمل می کنند؟"

در این حرکت اعتراضی نیروهای سرکوبگر وزارت اطلاعات دو تن از دانشجویان به نامهای، علی غلامی و دانیال جعفری، از دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد، را بازداشت و به نقطه نامعلومی منتقل کردند.

افزایش ۲۳ درصدی بهای غذای دانشجویی در سال تحصیلی جدید

ردیف	عنوان	مبلغ مصوب (پرس کامل)	مبلغ مصوب (نیم پرس)
1	غذای کم هزینه (ناهار - شام)	12.000	5.500
2	غذای متوسط هزینه (ناهار-شام)	17.000	7.500
3	غذای پرهزینه (ناهار-شام)	20.000	9.000
4	مخچال	9.000	
5	دانشجویان شامل به تحصیل در سنوات غیرمجاز	39.100-55.200	
6	دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی غیردولتی غیرانتفاعی	39.100-55.200	

رییس سازمان امور دانشجویان از تعیین تکلیف قیمت غذای دانشجویی در سال تحصیلی جدید خبر داد. مجتبی صدیقی گفت: "متوسط قیمت غذای دانشجویی در سال ۹۷ حدود ۱۳۰۰ تومان بود که در سال ۹۸ به ۱۶۰۰ تومان افزایش یافت."

وی افزود: "با توجه به تورم بسیار زیاد طبیعتا بنای ما بر این بود که حداقل افزایش را داشته باشیم."

وزارت اطلاعات مانع تحصیل دانشجوی رتبه ۱۰ کنکور دکتری شد



سپه مرتضایی، دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه تهران، که در جریان اعتراضهای دی ماه ۹۶ بازداشت شد و به ۶ سال حبس تعزیری محکوم شده بود، با وجود کسب رتبه ۱۰ کنکور دکتری علوم سیاسی، با اسم رمز "نقض در پرونده" دانشجوی ستاره دار شده است.

وزارت اطلاعات نقش مستقیم در محرومیت تحصیلی خانم مرتضایی داشته است، زیرا که حراست دانشگاه تهران خواستار عدم پذیرش این دانشجو و فعال صنفی در دانشگاه شده است.

سپه مرتضایی هنگام بازداشت سمت دبیری شورای صنفی دانشکده حقوق و علوم سیاسی و دبیری شورای صنفی مرکزی دانشجویان دانشگاه تهران را برعهده داشت.

روسای ۴ دانشگاه کشور منصوب شدند

با حکم منصور غلامی، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری از اداره کل روابط عمومی وزارت علوم، در جلسه کمیته تعیین روسای دانشگاه های شورای عالی انقلاب فرهنگی، با موافقت اعضا، سیدمهدی ابطحی برای ریاست دانشگاه صنعتی اصفهان، حمیدرضا رضانی آشتیانی برای ریاست دانشگاه صنعتی اراک، منصور زراء نژاد برای ریاست دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر و همچنین کوروش نوذری برای مسولیت ریاست دانشگاه مازندران انتخاب شدند.

انتصاب مفسد مالی به عضویت هیات امنای دانشگاه علوم پزشکی



سعید نمکی، وزیر بهداشت، در حکمی اعضای هیات امنای دانشگاه علوم پزشکی تهران را تغییر داد و در ابلاغی باقر لاریجانی، پیروز حناچی، محمدرضا ظفرقندی، علی جعفریان، سیدحمید پورمحمدی و محمدعلی محقق را جایگزین محمدباقر قالیباف، بقیه در صفحه ۸

دانشگاه در ماهی که گذشت (شهریور ۹۸)

بقیه از صفحه ۷

حجت الاسلام محمد محمدیان، محمد فروزنده، محمدرضا مخبر دزفولی و رسول دیناروند در هیات امنای دانشگاه علوم پزشکی تهران کرد. اما در بین این اسامی نام سید حمید پورمحمدی گل سفیدی بیش از همه مورد توجه قرار گرفته است. وی پیش از این به عنوان قائم مقام بانک مرکزی فعالیت داشت. پس از انتشار خبر فساد ۳ هزار میلیاردی و جریان خاوری نام وی نیز مطرح شد و در ردیف بازداشتیهای این فساد مالی قرار گرفت. عیسی جعفری، نماینده سابق کبودآهنگ در مجلس شورای اسلامی، معتقد است که پورمحمدی حتی مدرک دکترا نیز ندارد و به خلاف خود را دکترا معرفی کرده است.

وزارت علوم: نظارتی بر خوابگاههای خودگردان نداریم

ناصر مطیعی، رییس صندوق رفاه دانشجویان وزارت علوم، گفت: "۹۹ درصد دانشجویان وزارت علوم در خوابگاههای خودگردان ساکن هستند، اما به دلیل محدودیت امکانات، امکان نظارت کافی بر این نوع خوابگاه ها را نداریم."

وی افزود: "دانشجو تنها یک بیستم زندگی خود را در این مراکز صرف می کند؛ بنابراین این خانواده ها هستند که باید به آسیبهای اجتماعی و زندگی فرزندان خود نظارت داشته باشند."

سالانه دانشجویان بسیاری پشت در خوابگاههای دانشجویی می ماندند، از طرفی هزینه های ساخت خوابگاه به قدری بالا است که آموزش عالی نمی تواند قدمی برای ساخت خوابگاه و برطرف ساختن این کمبود بردارد. از همین رو صندوق رفاه دانشجویان برای رفع این مشکل "خوابگاههای خودگردان" را پیشنهاد می کند. این سراها از سازمان امور دانشجویان مجوز دارند و در صورت تکمیل شدن ظرفیت خوابگاههای دانشگاه، دانشجویان به خوابگاههای خودگردان معرفی می شوند. معرفی شدن خوابگاههای خودگردان از سوی دانشگاه به نوعی اعتباربخشی و رسمیت دادن به آنهاست و انتظار می رود دانشجویان در این خوابگاهها با توجه به اینکه شهریه آن را پرداخت می کنند، از شرایط مطلوب رفاهی و ایمنی برخوردار باشند. طی سالهای اخیر چندین دانشجو در اثر گاز گرفتگی و برق گرفتگی و ... جان خود را از دست داده اند.

کمپین دانشجویان علیه افزایش ۲۲ درصدی شهریه دانشگاه آزاد

بر اساس اعلام دانشگاه آزاد، شهریه دانشجویان این دانشگاه برای سال جاری بین ۱۵ تا ۲۲ درصد افزایش یافته و این میزان افزایش برای دانشجویان رشته های علوم پزشکی ۲۲ درصد اعلام شده است. در واقع متوسط افزایش شهریه برای دانشجویان غیر پزشکی ۱۵ درصد است.

در پی این افزایش، بیش از ۲۲۰۰ نفر از دانشجویان رشته های علوم پزشکی دانشگاه آزاد برای سال جاری، با امضای نامه ای خطاب به علی اکبر ولایتی، رییس هیات امنای دانشگاه آزاد، و تشکیل کمپین "نه به افزایش شهریه علوم پزشکی"، نسبت به افزایش بی رویه شهریه این رشته ها اعتراض کردند.

نباید به بازرسی آژانس اتمی از برخی دانشگاهها پرداخته شود



یکی از روسای دانشگاههای کشور با اشاره به اینکه موضوع بازرسی آژانس بین المللی انرژی اتمی از برخی دانشگاهها فوق محرمانه بوده است، گفت: "هرگونه اظهاراتی درباره این موضوع، یک عمل اشتباه بوده است."

وی همچنین در پاسخ به این سوال که یکی از مسولان گفته برخی مواد را از دانشگاهها خارج کردیم و سپس اجازه بازرسی به بازرسان آژانس اتمی داده شده است، گفت: "این موضوع صحت ندارد و نباید به آن پرداخته شود."

این رییس دانشگاه خاطرنشان کرد: "دانشگاههای شریف، علم و صنعت و شهید بهشتی در زمینه هسته ای گرفتار شده اند و مشکلاتی برای آنان از سوی آژانس انرژی اتمی ایجاد شده است."

پیشتر بهروز کمالوندی، سخنگوی سازمان انرژی اتمی گفته بود: "بنا به ملاحظات اگر از موادی در دانشگاه استفاده می شد، آن مواد را خارج می کردیم و آژانس آزمایش لازم را انجام می داد. تلاش ما بر این بود تا تمامی بازرسیهای آژانس از دانشگاهها برطرف شود."

(منابع: پایگاه خبری خبر دارو، فارس، تسنیم، خبرگزاری دانشجو، آنا، دانشجو آنلاین، مهر، ایسنا)

برخیز چه گوارا!

م. وحیدی (م. صبح)

برخیز چه گوارا!

آنک

در سرزمین من!

میان لجه خون

و پریشانی دشتی

که ریشه در خاکستر

سوزان دارد

و در بادهای شرقی بنویس

آزادی!

سیاهترین شب

طلوع کرده است

و طلبها

ابتدال حیات را

می کوبند

برخیز چه گوارا!

اینک

با دهان صاعقه و باروت

و بر قلعه عنکبوتین شب

فرود آی!

واژه ها می موبند

لحظه ها می تپند

و ساقه نازک عشق

در پنجه گذشته و حال

می شکند

در گردش ثانیه ها

صلیبم را

به دوش می کشم

و استاده بر شانه های رنج تاریخ

صورتکهای وقیح دلگکان را

از چهره ها می زدایم

برخیز چه گوارا!

فردا

شباهت توست

با سپیده هایی رقصان

در گرداگرد طلوع

و قلبهایی

که میراث تو را

در باور خیابانها

تکثیر می کنند

و با سرود و ساز و آینه و گل

به پیشواز تو می آیند



چالشهای معلمان (شهریور ۹۸)

فرنگیس بایقره

رفع کمبود معلم با نیروی پیمانی و مدارس

خصوصی

معاون پرورشی و فرهنگی وزارت آموزش و پرورش گفت: "کمبود نیروی انسانی کمی و کیفی از مهم ترین چالشهای حوزه پرورشی و فرهنگی است."

علیرضا کاظمی برای جبران این کمبود افزود: "در بخش تامین نیروی انسانی کیفی از همکاران می خواهیم تا فضا را باز کرده و نیروی انسانی کارآموز و معلمان خلاق در بخشهای مختلف را به صورت غیر موظف برای تدریس جذب کنند."

کاظمی تاکید کرد: "رشد آسیبهای اجتماعی دو برابر رشد جمعیت بوده و اگر این آسیبها را به عنوان فعال نیروی انسانی کنترل نکنیم، آسیب جدی به حجم دانش آموزان وارد می شود."

پیشتر سید جواد حسینی، سرپرست وزارت آموزش و پرورش، نیز با اشاره به کمبود چهار هزار معلم، وجود مدارس خصوصی را "یکی از شیوه های تحقق عدالت آموزشی" خوانده بود. وی مدعی شده بود: "وقتی از مدارس خصوصی صحبت می کنیم، به معنای واگذاری آموزش و پرورش به بخش خصوصی نیست، زیرا این وزارتخانه یک نهاد حاکمیتی است و قابل واگذاری به بخش خصوصی نیست."

فعال صنفی معلمان با تودیع قرار آزاد شد

هوشنگ کوشکی، فعال صنفی معلمان در شهر معمولان استان لرستان، روز شنبه ۲ شهریور با تودیع قرار وثیقه و تا پایان مراحل دادرسی از زندان خرم آباد آزاد شد. وی در تاریخ ۲۴ تیرماه توسط نیروهای امنیتی در حوزه تصحیح اوراق بازداشت شده بود.

از دلایل بازداشت وی اطلاع دقیقی در دست نیست، این فعال صنفی معلمان به تازگی با انتشار ویدیویی در صفحه شخصی خود از بیانیه ای مبنی بر اصلاح قانون اساسی و تشکیل انتخابات آزاد در ارتباط با نوع حکومت که به امضای ۱۴ تن از کنشگران مدنی کشور رسیده، اعلام حمایت کرده بود.

اداره آموزش و پرورش حقوق ماهیانه آقای کوشکی را قطع کرده و تلاش خانواده وی برای پیگیری این مساله تاکنون به جایی نرسیده است. مسوولان در پاسخ به آنان گفته اند معلمی که راهی زندان می شود، استحقاق دریافت حقوق را ندارد. این در حالی است که وی تفهیم اتهام نشده و با قرار بازداشت موقت در بند بوده است.

معلمان پیمانی مقابل مجلس تجمع کردند

همزمان با برگزاری جلسه علنی مجلس جهت رای اعتماد به دو وزیر پیشنهادی روحانی برای دو وزارتخانه آموزش و پرورش و میراث فرهنگی، حدود ۲۰۰ تن از معلمان طرح "خرید خدمات آموزشی" شاغل در استانهای مختلف کشور یکشنبه ۱۰ شهریور مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کرده و خواستار تعیین تکلیف وضعیت استخدامی و بهبود معیشت خود شدند. این معلمان در سال ۹۳ در قالب طرح خرید خدمات آموزشی کار در آموزش و پرورش را آغاز کرده اند و اکنون با داشتن شش سال سابقه کار در آموزش و پرورش هنوز بلا تکلیف هستند. برخی از این معلمان یکسال است حقوق نگرفته اند و حق بیمه شان نیز پرداخت نشده است.

بقیه در صفحه ۱۰

"بیمه فرمایشی نمی خواهیم نمی خواهیم"، "تا حق خود بگیریم - از پا نمی نشینیم"، "معیشت، منزلت، سلامت - حق مسلم ماست"، "دشمن ما همین جاست - الکی میگو آمریکاست" در دست داشتند.



تجمع اعتراضی فرهنگیان بازنشسته در

تهران

جمعی از فرهنگیان بازنشسته تهران، روز سه شنبه ۵ شهریور، برای دومین روز متوالی در اعتراض به تبعیض و پایین بودن سطح دستمزدها و زندانی کردن معلمان در مقابل نهاد ریاست جمهوری رژیم در ساختمان کوثر تجمع کردند.

تجمع کنندگان تراکتهای در دست داشتند که روی آنها این نوشته ها به چشم می خورد: خواهان بیمه کارآمد و جامع هستیم/ حقوق ما برای آب و برق هم کم است/ منزلت، معیشت، بیمه کارآمد، بهداشت و درمان حق مسلم ما بازنشستگان است.

با پایان مرخصی؛ محمود بهشتی لنگرودی به

زندان اوین بازگشت



عصر روز یکشنبه ۳ شهریور محمود بهشتی لنگرودی با پایان دوره مرخصی به زندان اوین بازگشت.

این معلم زندانی در چهارمین سال از محکومیت پنج ساله خود به سر می برد و با گذشت نزدیک به یکسال از ارسال درخواست آزادی مشروط به دادستانی، تاکنون پاسخی به وی داده نشده است. این در حالی است که امتیاز آزادی مشروط به محکومانی که یک سوم از دوران حبس خود را گذرانده باشد، تعلق می گیرد. این فعال صنفی معلمان در سال ۸۹ به اتهام "اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی" به پنج سال حبس تعزیری محکوم شد. او در سال ۹۴ نیز بازداشت شد و دوباره به پنج سال دیگر حبس محکوم شد. پس از تجمیع این احکام توسط شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر استان تهران، حکم آقای بهشتی لنگرودی به ۵ سال حبس قابل اجرا تبدیل شد.

واقعیهایی از وضعیت مدارس در مناطق

محروم



یک آخوند حکومتی می گوید: "ماتسافانه آموزش و پرورش توجهی به دوره ابتدایی ندارد و هم اکنون برخی از این مدارس سرویس بهداشتی و برق ندارند." اسماعیل آذری نژاد به خبرگزاری وابسته به سپاه قدس گفت: "به روستاهایی در مناطق محروم می روم و امروز به روستایی رفتم که دانش آموزان کلاس چهارم و پنجم سواد خواندن و عبارت خوانی نداشتند، چون معلم آموزش کافی ندیده تا عبارت خوانی آموزش دهد چه برسد به پرورش فکر و خلاقیت. بخشی از معلمان مناطق محروم توانایی لازم را ندارند."

وی گفت: "در ساخت مدارس به دبیرستان امکانات می دهند اما به مدارس ابتدایی که می رسد می گویند بچه هستند و توجه کافی ندارند. حتی برخی مدارس سرویس بهداشتی ندارند. چرا خیلی از مدارس ابتدایی برق ندارند؟ آموزش و پرورش باید به دوره ابتدایی توجه جدی داشته باشد و نگوید اینها بچه هستند حالا سرویس بهداشتی هم نبود، به کوه و دشت می روند."

تجمع نیروهای قراردادی آموزش و پرورش

روز یکشنبه ۳ شهریور جمعی از نیروهای قراردادی آموزش و پرورش، در اعتراض به بی توجهی به مطالبات شان در مقابل ساختمان مجلس شورای اسلامی تجمع کردند.

یکی از معترضان گفت: "ما قراردادیهای آموزش و پرورش چندین سال است که وارد آموزش و پرورش شده ایم، اما استخدام نشده ایم."

وی ادامه داد: "امروز از سراسر ایران نیروهای قراردادی حضور دارند. خواسته ما این است که تبدیل وضعیت شویم و حقوق و مزایایی مانند باقی معلمان داشته باشیم."

وی همچنین گفت: "تجمع کنندگان امروز پیش از این در مقابل اداره های آموزش و پرورش استان شان تجمع کرده و درخواست خود را مطرح کردند، اما به نتیجه نرسیدند."

تجمع خیابانی معلمان شاغل و بازنشسته در

اصفهان

روز دوشنبه ۴ شهریور گروهی از معلمان شاغل و بازنشسته اصفهان برای اعتراض به رسیدگی نشدن به مطالبات شان در میدان انقلاب این شهر دست به تجمع زدند.

معترضان حاضر در این تجمع شعارنوشته هایی از جمله "نه دزدی نه دلت - این است شعار ملت"، "تامین بیمه کارآمد"، "افزایش حقوق معلم به بالای خط فقر"،

چالشهای معلمان (شهریور ۹۸)

بقیه از صفحه ۹



این دومین تجمع معلمان خرید خدمت در تابستان امسال مقابل مجلس است. سوم تیر نیز تجمعی با شرکت معلمان خرید خدمت استانهای مختلف مقابل مجلس برگزار شد، اما به گفته معلمان، وعده های مسوولان در حد حرف باقی مانده است.

طرح به کارگیری معلمان خرید خدمات آموزشی یکی از طرحهای بیرون سپاری آموزشی است و سال ۹۳ برای جبران کمبود معلم در مدارس به ویژه در مناطق محروم و دور افتاده اجرا شد. این معلمان حقوق اندکی می گیرند و برخی با ۵۰۰ هزار تومان حقوق ماهانه در مناطق مرزی کار می کنند. معلمان خرید خدمت از بیمه مناسب بی بهره اند و در ایام تابستان و تعطیلات حقوق نمی گیرند.

گروه های مختلف معلمان ایران، شاغل، حق التدریسی و خرید خدمات، از اردیبهشت ۹۷ تاکنون با تحصن و برگزاری تجمعات در شهرهای سراسر ایران، دولت را به رعایت نکردن "اصل ۳۰ قانون اساسی" و نظام آموزش رایگان و لذا خصوصی سازی و کالایی سازی آموزش و پرورش کرده اند.

حاجی میرزایی وزیر آموزش و پرورش شد

نمایندگان مجلس شورای اسلامی صلاحیت محسن حاجی میرزایی، وزیر پیشنهادی دولت برای تصدی وزارت آموزش و پرورش، را بررسی کرده و در نهایت با ۲۰۰ رای موافق، ۴۸ رای مخالف و ۷ رای ممتنع از مجموع ۲۵۵ نماینده به او رای اعتماد دادند.

تجمع معلمان حق التدریسی در تهران

روز سه شنبه ۱۲ شهریور، همزمان با برگزاری جلسه علنی مجلس، عده ای از معلمان حق التدریسی وزارت آموزش و پرورش، در اعتراض به وضعیت استخدامی و بلا تکلیفی در این حوزه، مقابل ساختمان مجلس شورای اسلامی دست به تجمع زدند. معترضان پلاکاردهایی با عنوان "۳۰ هزار حق التدریسی" و "استخدام حق من است" و... را در دست داشتند.

معلمان حق التدریسی اصفهان از شش ماه

پیش حقوق نگرفته اند

معاون اداره کل آموزش و پرورش اصفهان از پرداخت نشدن حقوق شش ماهه معلمان حق التدریسی این استان خبر داد.

غلامحسن سخایی افزود: "سال گذشته حدود پنج هزار نیروی بازنشسته را به کار گرفتیم که حقوق آنها از دی سال گذشته تاکنون پرداخت نشده است. برای آغاز سال تحصیلی جدید و اول مهر حدود ۱۵ هزار و

۶۰۰ نفر کسر نیرو داریم. ممکن است با این وضعیت بتوانیم اول



مهر را راه اندازی کنیم، اما با مشکل جدی پرداخت نشدن حقوق حق التدریسیها مواجه ایم." وی در پایان هشدار داد: "در صورتی که حقوق این افراد در شهریور هم پرداخت نشود، در مهر با مشکلات جدی مواجه خواهیم شد و باید مسائل را در شورای تامین بررسی کنیم."

احضار محبوبه فرحزادی، فعال صنفی معلمان، به دادرسی اوین



محبوبه فرحزادی، معلم بازنشسته و فعال صنفی معلمان، طی ابلاغیه ای به بازپرسی دادرسی اوین احضار شد. در این ابلاغیه از وی خواسته شده که صبح روز شنبه ۱۶ شهریور در این دادرسی حاضر شود. از جزئیات پرونده و دلیل احضار محبوبه فرحزادی اطلاع دقیقی در دست نیست.

بیش از صد معلم و کارگر خواستار اعاده دادرسی و برگزاری دادگاه علنی برای کارگران و معلمان زندانی شدند.

بیش از یکصد نفر از فعالان کارگری و صنفی معلمان خواستار اعاده دادرسی و برگزاری دادگاه علنی برای تمامی بازداشتیان و زندانیهای کارگری، صنفی معلمان، دانشجویی زنان و فعالین مدنی شدند. متن این درخواست و امضا کنندگان این نامه به شرح زیر است: ملت شریف ایران!

احکام غیر قابل باور بازداشتیان هفت تبه، جامعه در شوک فرو رفته از احکام فعالین زنان را برآشفته تر کرد. اما با موج شور آفرین اعتراضات گسترده به این احکام، ساعتی نگذشته اخباری در فضای مجازی منتشر شد مبنی بر دستور رییس قوه قضاییه جهت اعاده دادرسی منصفانه زیر نظر رییس دادگستری تهران.

با توجه به این امر و بدون هیچ پیش فرضی، ما معلمان و کارگران درخصوص احکام سنگین صادر شده در این مدت خواهان رسیدگی مجدد و علنی و اعلام نتیجه به پیشگاه ملت هستیم. بدین منظور خواهان رسیدگی به مطالبات زیر می باشیم:

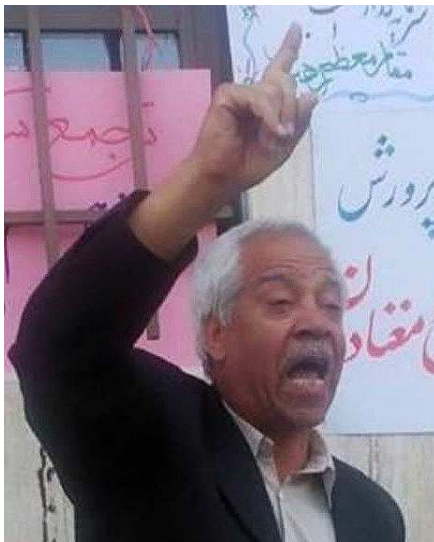
۱- دستور اعاده دادرسی پرونده معلمان زندانی صادر شود

۲- دستور اعاده دادرسی پرونده فعالین زنان، فعالین مدنی، وکلای زندانی، دانشجویان، کارگران و دیگر فعالین را صادر کنید

۳- جهت تنویر افکار عمومی و جهت رفع هرگونه شبهه، اتهام "امنیتی" را از پرونده های فوق زدوده و دستور دهید دادگاه ها به صورت علنی با حضور هیات منصفه برگزار شود

۴- تمامی بازداشت شدگان فوق الذکر تا زمان رسیدگی پرونده ها در دادگاه علنی آزاد شوند خوش بود گر محک تجربه آید به میان تا سیه روی شود هر که در او غش باشد

پیام هاشم خواستار به مردم ایران: در زندان بذر آزادی می کاریم



خانم صدیقه مالکی فرد، همسر هاشم خواستار نماینده معلمان، صبح روز پنجشنبه ۲۱ شهریور پس از یکماه با همسرش در زندان ملاقات کرد.

در این ملاقات، هاشم خواستار در پیامی به مردم ایران تاکید کرد که بر سر مواضع بر حقش ایستاده و از زندان به عنوان یک سلاح برای به دست آوردن آزادی استفاده می کند.

صدیقه مالکی فرد خلاصه گفتگوش با این معلم زندانی را اینگونه بازگو کرد: "آقای خواستار گفت: "ملت قهرمان ایران! من سر مواضع به حقم هستم. تمام نوشته ها، مقاله ها و مصاحبه هایم را قبول دارم. از دهم اردیبهشت ۹۷ که اطلاعات موبایل، لپ تاپ و تبلت مرا برده، تلفن خانه ام را قطع کرده اند و شماره موبایلهای اعضای خانواده ام را مسدود کرده اند، من هیچ کانال، گروه، فیسبوک و... ندارم. اگر کسانی از طرف من یا به نام من کانال، گروه یا... زده اند، مسوولیت با خودشان است."

"ملت قهرمان ایران! من در این مدت از عقایدم برنگشته ام و همچنان بر مواضع به حقم تاکید دارم، حتی اگر سالها در زندان باشم. روزی که گالیله از محکمه بیرون آمد، یکی از شاگردانش گفت بدبخت ملتی که قهرمان ندارند. ولی گالیله گفت، بدبخت ملتی که به دنبال قهرمان می گردد. من امیدوارم شما هر یک به تنهایی یک قهرمان باشید."

"ملت قهرمان ایران! انسانها گاهی با توپ و تفنگ برای محقق شدن آزادی علیه ظلم و ظالم می جنگند، گاهی با قلمی، گاهی با قدمی، اما من اکنون زندان را اسلحه خود قرار داده ام. ما زندان می رویم و در زندان بذر آزادی می کاریم."

چالش های معلمان (شهریور ۹۸)

بقیه از صفحه ۱۰

وزیر آموزش و پرورش: با کمبود صد هزار معلم مواجه هستیم

محسن حاجی میرزایی، وزیر آموزش و پرورش درباره وضعیت کمبود معلمان در کشور اظهار کرد: "در حال حاضر با کمبود حدود صد هزار معلم در کل کشور مواجه هستیم که پیش بینی شده این کمبود از طریق به کارگیری معلمان حق التدریس، آموزش یاران و پیش دبستانیها و همچنین خروجیهای دانشگاه فرهنگیان تامین شود. امیدواریم در ابتدای مهر کلاسی بدون معلم نباشد"

محاكمة مخفیانه زهرا محمدی، فعال مدنی و مدرس زبان کردی



زهرا (زارا) محمدی، مدرس زبان و ادبیات کردی، روز دوم خرداد ۹۸ بازداشت شد و همچنان بعد از گذشت بیش از چهار ماه، بدون تفهیم اتهام در کانون اصلاح و تربیت شهر سنندج، در بازداشت موقت به سر می برد. او هنگامی که همراه دو تن دیگر از اعضای انجمن نوژین به نامهای ادریس منبری و ریووار منبری در منزل پدرش مشغول صرف ناهار بودند، با یورش چند فرد لباس شخصی به خانه و بدون رایبه هیچگونه حکمی بازداشت شدند.

مطالبه گری نیست؛ چرا که تعداد محدود پرونده های معلمان صنفی و زندان افکندن چند تن از بهترین معلمان تلاشگر در سالهای ۹۳ و ۹۴، اینک به بالغ بر پنجاه پرونده مختومه و باز رسیده است."

معلمان یادآور شده اند: "کنشگران صنفی با این پرونده سازیها و اتهامات دروغین از مطالبه گری، حق طلبی و عدالت خواهی دست نمی کشند؛ ولو نهادهای امنیتی و قضایی، حراستها و هیاتهای رسیدگی به تخلفات اداری با اهرم فشار و پرونده سازی برایشان مشکل بتراشند. کنشگران صنفی و فرهنگیان نه تنها یاران دربند خود را رها نکرده، بلکه از آنان درس شجاعت و فداکاری در راستای بهبود وضعیت معیشتی معلمان و بهسازی ساختار نظام آموزشی می گیرند."

ادریس و ریووار منبری پس از گذشت چهار روز از بازداشت در تاریخ پنجم خرداد با قرار وثیقه آزاد شدند، اما زهرا محمدی، همچنان بعد از گذشت ۱۲۰ روز بدون تفهیم اتهام و بدون حق برخورداری از وکیل، در بازداشت موقت به سر می برد. او تحت فشار برای اعترافات اجباری قرار گرفته و مخفیانه و بدون اطلاع خانواده و وکیلش به دادگاه برده شده و به محاکمه کشیده می شود.

تشکل معلمان سرکوب فعالان صنفی و فرهنگی را محکوم کرد



تجمع اعتراضی معلمان مدارس خارج از کشور

معلمان مدارس خارج از کشور روز یکشنبه ۲۴ شهریور، برای دومین روز متوالی، برای اعتراض به عدم پرداخت مطالبات برای باری دیگر دست به تجمع مقابل وزارت آموزش و پرورش زدند. معلمان تجمع کنندگان با برافراشتن پلاکارد و دست نوشته ها و سردادن شعارهایی به عدم پرداخت مطالبات شان پس از ۱۴ اعتراض شان را به نمایش گذاشتند. پیش از این معلمان خارج از کشور در روز دوشنبه ۲ اردیبهشت ۹۸، مقابل وزارت آموزش و پرورش تجمع اعتراضی برپا کرده کردند.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران در روز دوشنبه ۲۵ شهریور در بیانیه ای سرکوب فعالان صنفی، فرهنگی و مدنی را محکوم کرد. در این بیانیه گفته می شود: "صدور حکم زندان و شلاق برای فعالان صنفی که یادآور احکام قرون وسطایی است، نشان از اوج سرکوب است. قوه قضاییه به جای اینکه در برخورد با فاسدان و دزدان جدی باشد، اراده



کرده است تا هر صدای منتقد و مستقل عدالت خواه را در نطفه خفه کند." این تشکل تاکید کرده خواهان آزادی بی قید و شرط تمام معلمان زندانی است و نسبت به عواقب پرونده سازی علیه فعالان صنفی هشدار جدی داده است: "نهادهای امنیتی باید بدانند که تهدید و زندان و ارباب و پرونده سازی برای کنشگران صنفی راه خاموش کردن



(منابع: تسنیم، حقوق معلم و کارگر، مهر، هرانا، ایرنا، رادیو زمانه، ایسنا، کانال صنفی معلمان ایران، ایران کارگر)

زهرا محمدی، ۲۹ ساله و اهل سنندج است. او مدرس زبان و ادبیات کردی برای کودکان، فعال مدنی و عضو هیات مدیره انجمن نوژین از زمان تاسیس این انجمن در سال ۱۳۹۰ تاکنون است. او همچنین دانش آموخته جغرافیای سیاسی در مقطع کارشناسی ارشد است و پیشتر به دلیل فعالیتهايش چندین بار توسط نهادهای امنیتی احضار، بازجویی و تهدید شده بود.

«آن عاشقان شرزه که باشب نزیستند...»

م. وحیدی

درختان بلند غول آسا. کسی تو محوطه نیست. سمت راست مسیرمان را با حلی و موکت، دیوار کشیده اند و آن طرفش پیدا نیست. کنجکاو می شوم. به دنبال شکافی، اهسته، قدم برمی دارم و وسط راه آن را می یابم. خم می شوم و نگاه می کنم. چند خود رو سبک سواری و ساختمانهای مسکونی چند طبقه به چشم می خورد که متعلق به کارکنان، بازرجویان و شکنجه گران زندان است.

محیط بوی رطوبت و نم می دهد. کلاغی از جای نامعلومی قارقار می کند. مسیر را ادامه میدهم و در انتها به محل سرویس و دستشوییها می رسم. پلکانی به سمت بالا با حدود هجده پله. بوی توالت تو فضا پیچیده است. به دری گشوده شده می رسم و محوطه ای کوچک و پاسداری که ما را به اتاق انتظار هدایت می کند. پنجره های اتاق را با مقوا و موکت پوشانده اند. نور کم است. رو نیمکتهای رنگ و رو رفته می نشینیم. کسی صحبتی نمی کند. موزیکهای کف زمین چرک مرده و کثیف و از لای درزها آنها بوی نم، بوی چرک و خون سالیان به مشام می رسد. نیم ساعت بعد صدایمان می کنند.

از دری آهنی - شیشه ای وارد سالن بزرگ ملاقات می شویم. سمت راست، دیواری شیشه ای کشیده اند و سالن به دو نیم تقسیم شده است. زندانیان از آن سو برایمان دست تکان می دهند و متقابلاً برای شان دست تکان می دهیم و حین حرکت، احوالپرسی می کنیم. همه زیر سی سال هستند. پشت سر هر کدام شان یک پاسدار ایستاده است. وسط سالن «خوی» را می بینم و پاسدار گردن کلفتی که پشت سرش ایستاده و مراقب حرکات من است. گوشی تلفن را برمی داریم. حین صحبت متوجه می شوم چندتا ازدندانهایش شکسته و کلمات را جویده جویده ادا می کند.

بهش می گویم: «در اخبار آمده بود که به زندانیان عفو داده اند... آیا شامل حال تو هم می شه؟». پوزخند می زند و می گوید: «ممکنه!». در حالی که انگشتش را مثل چاقو زیر گلویش می کشد می گوید: «دیشب حدود هشتاد نفر را عفو کردند!» دلم فرو می ریزد. زبانم بند می آید. نمی دانم چه باید بگویم.

یکهوا از ته سالن صدای چیغ و فریاد زنی بلند می شود. برمی گردم نگاه می کنم. زن به صورتش چنگ می زند و چادر از سرش افتاده است. دو خانم از چپ و راست او را می گیرند و مانع می شوند. حاج داود به همراه چند پاسدار با شتاب از سالن خارج می شوند. آقای یا تاسف می گوید: «پسرش را اعدام کرده اند».

خانم پایه سن گذاشته ای در کنار من می گوید: «آن دفعه هم که اومده بودیم ملاقات همین بساط بود... خب اگه اعدام می کنیدی پس چرا ملاقاتی می دهید؟!».

صدای تلفن قطع می شود. وقت ملاقات تمام است. از سالن خارج می شویم. ذهنم معشوش و بهم ریخته است. متوجه نمی شوم چگونه به درب خروجی می رسم. بیرون آسمان لاجوردی است و سایه ابرها برجاده، هاشور زده است. مینی بوس منتظرمان است. سوار می شویم و راه می افتیم. دفترشعرم را باز می کنم و می خوانم: «آن عاشقان شرزه که باشب نزیستند...».

دل هستم. اعتماد ندارم بهشان. پس از جنگی درونی مقداری پول رو پیشخوان می گذارم و بعد از ثبت در دفتر، برمی گردم پیش ادمها.

کتابچه شعرم را درمی آورم و خودم را سرگرم می کنم. مرد جوانی وسط محوطه در حال گفتگو باخانم میانسالی است که روسری و مانتوی مشکی دارد. جوان، تمیز و مرتب است و بیشتر بادستهاش حرف می زند: «نه خیر... پسرخاله منه... طرفدار مجاهدین است ... تنها آدم درست و حسابی تو محله مان بود که گرفتنتش...».

و به پیروزی که رونیمکت نشسته و از درد می نالد، اشاره می کند: «اون مادرشه... تو دنیا همین یک پسر را داره... باباشون پارسال مرد ... کسی دیگر را ندارن... همسرش هم تو درگیرهای خیابانی شهید شد... حالا من مادرش را آورده ام بره ملاقات پسرش... تنهایی نمی تونست بیاد... گفتیم امروز به کار خیری کرده باشیم».

نسیم خنکی می وزد و بوی درختان چنار را می آورد. پاسداری «گروه» ما را صدا می زند. حدود بیست نفر هستیم که می رویم داخل ساختمان.

تو راهرو، قفسی آویخته شده، با دو مرغ عشق درون آن که بال به میله های نازک قفس می کوبند. به اتافی می رویم و بازرسی بدنی می شویم. خوب همه جای آدم را می گردند و دست می کشند.

سپس از ته راهرو به محوطه پارکینگ برمی گردیم و سوار مینی بوسی می شویم. راننده اش پاسداری میانسال است؛ با چپیه ای به دورگردن و سری نیمه طاس و هیکلی درشت. تیپ شعبون بی مخ. لحظاتی بعد، مینی بوس حرکت می کند. همه درسکوت هستیم. واردخیابان می شویم و اتوبان ما را می بلعد.

از چهار راه رد می شویم. چراغ قرمزکار نمی کند. می پیچیم تو سرازیری اوین که خیابانی است طویل و دراز و انتهایش به زندان ختم می شود. بالای تیرچراغ برق، لک لک جوانی لانه دارد و کنجکاو نگاه مان می کند.



صدای شهر شنیده نمی شود.

از جلو خانه های مردم عبور می کنیم و جلو درب بزرگ زندان پیاده می شویم. به اطراف نگاه می کنم. ساکت است و پرند پرنمی زند. تنها چند تک درخت خزان زده از دور پیداست و بقیه اش کوه است و دره و تپه زار.

نگهبان بالای درب زندان از تو کیوسک ما را نگاه می کند. از در کوچکی وارد زندان می شویم. اتافی است با چند پاسدار جوان. یکی شان کارت شماره داری می دهد و با سنجاق قفلی روسینه مان نصب می کنیم و واردحیاط زندان می شویم. حیاط وسیع و گسترده است. با باغچه های بزرگ و چمنزار های سبز و زرد شده و

صبح زود از خانه می ززم بیرون. پاییز است. سوز می آید. یقه فرنیچم را بالا می دهم تا پس گردنم ازسوز در امان باشد. آسمان یکسره ابری است.

در ایستگاه شرکت واحد آویزان اتوبوسی می شوم و خودم را به زور جا می دهم تو. تا «اوین» باید سه کورس ماشین سوارشوم. داخل جا نیست و ادمها کیپ تا کیپ نشسته و ازقناریها آویزانند. شیشه های اتوبوس بسته است و بوی عرق تن و گازوییل و ادکلن باهم قاطی شده و حال آدم را بهم می زند.

خودم را با دیدن تابلوی مغازه های تو پیاده رو سرگرم می کنم. نزدیک «شهر بازی» اتوبوس می ایستد. با دست و پا زدن، از لابلای ادمها مثل پرنده ای که درب قفس را به رویش باز کرده اند، از درب خارج و به بیرون می جهم و بال بال می ززم. دورتر، وارد محوطه پارکینگ مانند بزرگی می شوم که دست «سپاه» است. در گوشه و کنارش چند ماشین لندکروز پارک شده است.

دم درب می ایستم و مشخصاتم را می دهم. یارو از تو کیوسک شماره ای می دهد و به سمت خانواده هایی که درانتهای پارکینگ جلو ساختمان یک طبقه جمع شده اند می روم. میان مردان و زنان چادری و ماتو پوش و چند بچه خردسال.

صندلیها و نیمکتها پر است و عده ای سرپا ایستاده اند. گوشه ای می ایستم و منتظر می مانم. پیرزنی کنارم لب نیمکت نشسته و زانوهایش را ماساژ می دهد. چین و چروکهای صورتش حکایت از رنجی عمیق دارد. دلم می سوزد. به گوشه آسمان نگاه می کنم که روشن است و افق گسترده است.

مردسالمندی با پشتی خمیده و ته ریشی سفید، می آید کنارم می ایستد. احساس می کنم دنبال هم صحبت می گردد. بی مقدمه می گوید: «چه کسی از شما در زندانه؟» می گویم: «برادرم... برادرم در زندانه.» سکوت می کند. بعد می گوید: «چقدر بهش حبس داده اند؟» می گویم: «پنج سال... ولی هر بار که می خواد آزاد شه... دو باره تجدید می کن!» پوزخند می زند و می گوید: «منم دخترم زندانه... معلم است... جرمش این بوده که کتابهای صمد بهرنگی را به دانش آموزانش می داده می خوندن... مسخره نیست؟!»

و بدون آنکه منتظر شود من چیزی بگویم، با بغضی فروخورده ادامه می دهد: «من نمی دونم دوتا قصه و داستان چه خطری برای این مملکت داره که به خاطر آن عمر و زندگی یک جوان را این طوری می گیرن و از هستی ساقطش می کنن؟ چرا نمی رن اختلاس گران و جنایتکاران را بگیرن... زوروشون به دخترمن رسیده؟».

دستهاش می لرزیدند. سیگاری از جیب کشش درمی آورد آتش می زند و ادامه می دهد: «پسرم را پارسال اعدام کردن. دبیر بود. فدایی خلق بود. هرچی در می آورد خرج دانش آموزای بی سرپرست و خانواده هاشون می کرد. زمستانها که می شد لباسهای گرمش را می داد به ادمهای نیازمند و خودش با لباس کم همیشه مریض بود.»

دلم می گیرد. به گنجشکهایی که لابلای درختان شلوغ کرده اند نگاه می کنم.

پاسداری کوتاه قد و خپله، با لباسی نامرتب، لب باغچه ایستاده و با شلنگ بلندی بوته های گل را آب می دهد. دلم می خواهد با همان شلنگی که در دستش است، دارش بززم. راه می افتم کمی قدم می ززم. پرنده ای گیج، باسرعت از رو سرم می گذرد.

جلو اتافی که پنجره اش میله های آهنی دارد می ایستم. می خواهم کمی پول نقد برای زندانی بدهم. دو

جنبش رنگین کمان بیشماران (شهریور ۹۸) گردآوری و تنظیم: پویا رضوانی

*روز یکشنبه ۳ شهریور، کارگران کارخانه رینگ سازی مشهد به عنوان یکی از شرکتهای اصلی تامین قطعه خودروسازان، اعتصاب و تجمع کردند. به گزارش منتشر شده در شبکه های اجتماعی، کارخانه رینگ سازی مشهد که سنگ بنایش توسط برادران خیامی گذاشته شده، این روزها با شکایت کارگران برای روند خصوصی سازی

رو به رو شده است. کارگران اعلام کردند که در جریان خصوصی سازی به مطالبات آنها توجه نشده است.

*روز دوشنبه ۴ شهریور، شماری از بازنشستگان کشوری برای اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات شان مقابل ساختمان وزارت کار دست به تجمع زدند. به گزارش ایلنا، برخورداری از بیمه جامع و کامل و فراگیر پیش از درمان، حین درمان و پس از درمان که با توجه به اصلاحیه ماده ۱۳ قانون مدیریت خدمات کشوری لازم الاجرا است، تبدیل صندوق بازنشستگی به سازمان بازنشستگی و اجرای کامل ماده ۶۴ قانون مدیریت خدمات کشوری و تبصره آن مبنی بر تعیین حقوق کارمندان و بازنشستگان و مستمری بگیران بر اساس شاخص خرید زندگی سالانه و به رسمیت شناخته شدن تشکل مستقل، از جمله خواسته های معترضان حاضر در این تجمع بود.

*روز دوشنبه ۴ شهریور، کارگران کارخانه آلومینیوم کاوه خوزستان زیرمجموعه شرکت گسترش صنایع معدنی و فلزی کاوه پارس (هلدینگ صنایع معدنی بنیاد مستضعفان) واقع در مسجد سلیمان، برای اعتراض به اخراج جمعی از همکاران شان دست به اعتصاب زدند. به گزارش شوشان، به دلیل اخراج نیرو های آزمونی و جذب نیرو های فامیلی در شرکت آلو منیوم مسجد سلیمان، باقی مانده کارگران اعتصاب کردند.

*روز سه شنبه ۵ شهریور، بازنشستگان مخابرات استان آذربایجان شرقی برای اعتراض به اجرا نکردن کامل دستور العمل ها و مقررات استخدامی و پرداخت نشدن مطالبات خود، مقابل اداره مرکزی مخابرات این استان تجمع کردند. به گزارش ایلنا، تجمع کنندگان گفتند: تعداد بازنشستگان مخابرات آذربایجان شرقی حدود ۵۰۰ نفر است.

*روز سه شنبه ۵ شهریور، کارگران پتروشیمی فارابی برای اعتراض به اخراج همکاران شان، عدم ایجاد نظام هماهنگ پرداختها و اجرانشدن طرح طبقه بندی مشاغل دست از کارکشیدند و در این واحد تولیدی تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران معترض گفتند: مدیران شرکت به وعده های خود و همچنین تصمیمات اتخاذ شده در سال گذشته با محوریت سازمان منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی مبنی بر ایجاد نظام هماهنگ پرداختها و همچنین اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، عمل نکرده اند.

*روز سه شنبه ۵ شهریور، اعضای تعاونی مسکن کارگران برق تهران برای اعتراض نسبت به عدم تحویل زمینهای خریداری شده در فاز ۵ هشتگرد، مقابل وزارت کار در تهران تجمع کردند. به گزارش ایلنا، معترضان گفتند: شهرداری هشتگرد بدون توجه به نقشه های قدیمی که نحوه تقسیم زمینهای خریداری شده در فاز ۵ هشتگرد را معین می کند قصد دارد در منطقه ای واقع در اطراف زمینها که در حاشیه یک روخانه تعریف شده است، ۳۸ قطعه زمین را به ۱۹۷۰ نفر اختصاص دهد.

طبیعت غیرقانونی بود و محتوای مارکسیستی ارائه می کرد.»

موضوع نابودی طبیعت، بحران آب، خالی شدن روستاها، حاشیه نشینی، خصوصی سازی، بیکاری، حقوقهای معوقه و ... از جمله موردی است که موجب اعتراض شده و در ماه شهریور ۱۳۹۸، شاهد ۱۷۹ حرکت اعتراضی از جانب نیروهای کار به قرار زیر بودیم. حرکتی اعتراضی معلمان، دانشجویان و پرستاران هم جداگانه منتشر می شود.

*روز شنبه ۲ شهریور، شماری از معلولان در اعتراض به عدم اجرای قوانین مربوط به معلولان مقابل ساختمان نهاد ریاست جمهوری در تهران تجمع کردند. به گزارش فارس، معترضان شعارهایی از جمله، «قانون معلولان اجرا باید گردد، درد ما بی شماره دولت خیر نداره را سر دادند».

*روز شنبه ۲ شهریور، تعدادی از پرسنل حق الزحمه ای صدا و سیمای استان مرکزی، در اعتراض به وضعیت شغلی نامناسب خود، مقابل ساختمان سازمان صدا و سیمای اراک دست به تجمع زدند. به گزارش ایلنا، معترضان دلایل تجمع خود را قرارداد کاری نامشخص، نداشتن بیمه و دستمزد و مزایای کمتر از مصوب وزارت کار، عنوان کردند.

*به گزارش ایلنا، روز یکشنبه ۳ شهریور، اعضای تعاونی مسکن ایثار کارکنان وزارت جهاد کشاورزی با مراجعه به حوزه ریاست معاونت اجرایی قوه قضائیه از مسئولان این نهاد قضایی خواستار تسریع در رسیدگی به پرونده این تعاونی شدند.

*روز یکشنبه ۳ شهریور، شماری از اهالی رضوانشهر از توابع شهرستان اشکذر در استان یزد، برای اعتراض به نبود نهاد شهرداری در این شهر، مقابل ساختمان استانداری یزد دست به تجمع زدند. به گزارش ایرنا، آنها با اشاره به اینکه بارها توسط مسئولان استان قول راه اندازی شهرداری به آنها داده شده، رسیدگی عملی به این درخواست را مطالبه کردند. رضوانشهر، هشت هزار نفر جمعیت دارد.

*روز یکشنبه ۳ شهریور، جمعی از خریداران خودروهای ثبت نامی از شرکت صنعت خودرو آذربایجان (آدویکو) در اعتراض به گرانی قیمت های اعلام شده، عدم تحویل خودرو و نسبت به برآورده نشدن مطالبات شان، مقابل ساختمان وزارت صنعت معدن و تجارت در تهران تجمع کردند. به گزارش رکنا، این خریداران، رسیدگی وزیر صنعت به وضعیت شرکت آذربایجان خودرو را خواستار شدند. آنها همچنین در نوشته هایی خواستار رسیدگی قوه قضائیه به موضوع عدم تحویل خودرو به خریداران این شرکت شدند.

*روز یکشنبه ۳ شهریور، جمعی از بازنشستگان شرکت بهره برداری مترو تهران برای اعتراض به عدم پرداخت مطالبات شان و وعده های پوچ مسئولان، مقابل شورای ایالتی شهر تجمع کردند. به گزارش منتشر شده در شبکه های اجتماعی، یکی از تجمع کنندگان گفت: پس از ۳۰ سال زحمت بازنشسته شده ایم اما حق سنوات ما را هنوز پرداخت نکرده اند.

سایه شوم بحران بی آبی همچنان بخشهای وسیعی از کشور را دربر گرفته است. همزمان تخریب محیط زیست از طریق عملکرد عوامل حکومت ادامه دارد. طی دو سال ۱۳۹۶ بحران آب در بیش از ۳۵۰ شهر زندگی روزمره مردم را با دشواریهای طاقت فرسا روبرو کرد. در سال جاری و با وجود بارانهای سیل آسای بهاری، بحران کم آبی کم و بیش ادامه داشت. بنا به گزارشهایی که در روز دوشنبه ۱۸ شهریور در شبکه های اجتماعی منتشر شد؛ اهالی روستاهای دشتک و زرآبی در بخش رحیم آباد شهرستان رودسر، از نعمت آب شرب و آب برای دامها و مزارع خود محروم هستند. به همین دلیل بسیاری از اهالی این دو روستا برای ادامه زندگی ناچار به ترک روستا و خانه کاشانه خود و مهاجرت به شهرهای مجاور شده اند. در خبری دیگر، به گفته فرماندار «ریگان» دستکم ۵۰ روستای این شهرستان به دلیل شن گرفتگی خالی از سکنه شده است. ریگان محروم ترین شهرستان استان کرمان است و هر سال طوفانهای شن میلیاردها تومان خسارت به زیر ساختهای آن وارد می کند و تقریباً در تمام هفته های سال درگیر مشکل ریزگردها است. ریگان ۳۰۰ روستا را در خود جای داده که از مجموع این روستاها هم اکنون ۱۵۰ روستا در مجاور کانون های شنی هستند و عملاً در محاصره شن های روان قرار دارند.

مسئولیت اصلی تخریب محیط زیست به عهده رژیم



است و کارشناسان مستقل دلایل زیادی برای اثبات این امر ارائه داده اند.

روز یکشنبه ۱۰ شهریور، رئیس اداره حفاظت محیط زیست بندر انزلی به خبرگزاری حکومتی مهر اعلام کرد که «۱۰ هکتار از نيزارهای تالاب بين المللی انزلی دچار آتش سوزی شد.» وی عوامل این آتش سوزی را «افراد سودجو» معرفی کرد که «برای استفاده از اراضی ملی تالابی و تغییر کاربری» آن دست به چنین اقدامی می زنند.

این کارگزار حکومت افراد سود جو را معرفی نکرد و نگفت که با پشتیبانی چه قدرتی این افراد می توانند «اراضی ملی» را غارت و چپاول کنند. اما روشن است که این گونه اقدامات یا به طور مستقیم از طریق اعمال نفوذ کارگزاران حکومت صورت می گیرد و یا به وسیله افراد پیرامون رژیم که به رانت قدرت دسترسی دارند.

در این میان حرفهای عیسی کلانتری، رئیس سازمان حفاظت محیط زیست پیرامون «مدارس طبیعت» که همه آنها را تعطیل کرده اند، نشان می دهد که حکومت قبل از آن که به فکر نجات طبیعت و محیط زیست باشد، به بقای قدرتش که بر سلسله ای از تبعیضها متکی است، می اندیشد. این کارگزار رژیم ولایت فقیه در برنامه دستخط اعلام کرد که: «مدارس

جنبش رنگین کمان پیشماران (شهریور ۹۸)

بقیه از صفحه ۱۳

کوچک و بزرگ را تامین می‌کرد به دلیل سوختن تلمبه خانه از مدار خارج شد و باعث افت فشار آب در شبکه شد.

*روز چهارشنبه ۶ شهریور، کارگران بازنشسته کارخانه کاشی نیلو مقابل استانداری اصفهان تجمع کردند. به گزارش منتشر شده در شبکه های اجتماعی، کاشی نیلو که متعلق به شرکت سرمایه گذاری تامین اجتماعی بود در سال ۹۱ به بخش خصوصی واگذار شد و به علت

بویراحمند) برای پنجمین روز متوالی برگزار شد. به گزارش ایلنا، اعتراض پنج روزه کارگران شهرداری این شهر و سازمانهای وابسته برای مشخص شدن وضعیت مطالبات معوقه خود است. مجموع کارگران شهرداری سی سخت تحت مسئولیت مستقیم شهرداری در سطح شهر مشغول کارند. شهرداری نیمی از حقوق اسفند ماه و عیدی سال ۹۷ و دستمزد ماههای فروردین، اردیبهشت، خرداد، تیر و مرداد ماه سال جاری کارگران را پرداخت نکرده است.

روز یکشنبه ۱۰ شهریور برای نهمین روز، کارگران شهرداری سی سخت به اعتصاب شان ادامه دادند و از جمع آوری زباله ها از سطح شهر خودداری کردند.

*روز یکشنبه ۱۰ شهریور، کارگران فاز ۱۲ پارس جنوبی برای اعتراض به عدم پرداخت مطالبات شان دست از کار کشیده و در محوطه پالایشگاه واقع در شهرستان کنگان اجتماع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران معترض فاز ۱۲ پارس جنوبی گفتند: عیدی و سنوات سالهای ۹۶ و ۹۷ (معادل ۴ ماه حقوق) و همچنین حق کمپ ما از سوی پیمانکار قبلی پرداخت نشده است.

*بامداد روز دوشنبه ۱۱ شهریور، اهالی خشمگین روستای بارانگرد، از توابع بخش مرکزی شهرستان باغملک در استان خوزستان، برای اعتراض به کمبود آب با تجمع در جاده باغملک - ایذه مانع تردد وسایل نقلیه در محور اصلی اهواز به اصفهان شدند. به گزارش ایلنا، به دنبال وساطت مسئولان و وعده تامین موقت آب روستا از چاههای اطراف تا اجرایی شدن طرح آب رسانی به این روستا تا پایان سال جاری، اهالی معترض روستای بارانگرد به تجمع شان خاتمه دادند و تردد وسایل نقلیه به روال عادی برگشت.

*روز شنبه ۲ شهریور، کارگران کارخانه قند فسا برای اعتراض به عدم پرداخت مطالبات مزدی چندین ماهه خود، مقابل ورودی این کارخانه، تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران پیش از این نیز از عدم امنیت شغلی شان از زمان واگذاری کارخانه به بخش خصوصی سخن گفته بودند. کارگران این کارخانه اغلب با ۲۰ سال کار، سن و سالی بالای ۵۰ دارند و اگر کارخانه تعطیل شود هیچ راه درآمد دیگری نخواهند داشت.

روز پنجشنبه ۷ شهریور، برای ششمین بار در سال جاری، کارگران کارخانه قند فسا دست به تجمع مقابل فرمانداری ویژه شهرستان فسا زدند.

به گزارش ایلنا، روز دوشنبه ۱۱ شهریور، کارگران معترض کارخانه قند فسا در اعتراض به پرداخت نشدن دستمزدهای، خرداد، تیر و مرداد در تجمع خود درخواست پرداخت حقوقهای چند ماه گذشته خود را داشتند.

*روز دوشنبه ۱۱ شهریور، کارگران شهرداری شاهین شهر (شرکت شبنم شهر) برای اعتراض به عدم پایبندی شرکت پیمانکار به تعهداتش، از جمله کاهش حقوق، شرایط کاری سخت، اخراج از کار و ... دست به تجمع زدند. به گزارش ایسنا، نماینده کارگران شرکت شبنم شهر با ۲۰ سال سابقه کار در حوزه نظافت شهری به وضعیت موجود در سطح شهر اشاره کرد و گفت: در طول ۱۶ سال سابقه کار با شرکت مدیریت پسماند هیچ زمانی شهر را با این بوی نامطبوع و وضعیت نابسامان بهداشتی به یاد ندارم.

*روز سه شنبه ۱۲ شهریور، شماری از کارکنان شاغل در دفاتر سهام عدالت به دلیل نامشخص بودن وضعیت شغلی و مطالبات معوقه خود تجمع صنفی برپا کردند. به گزارش ایلنا، این گروه از کارگران که از استانها و شهرستانهای مختلف برای پیگیری وضعیت شغلی خود بقیه در صفحه ۱۵

نبرد خلق شماره ۴۱۶ - اول مهر ۱۳۹۸



نبرد خلق شماره ۴۱۶ - اول مهر ۱۳۹۸

*روز سه شنبه ۵ شهریور، بازنشستگان شرکت مخابرات استان فارس برای اعتراض به اعدم اجرای کامل دستورالعملها و مقررات استخدامی و پرداخت نشدن مطالبات خود دست به تجمع مقابل شرکت مخابرات این استان واقع در خیابان قصردشت شیراز زدند. به گزارش راستین آنلاین، تجمع کنندگان دلیل حضور خود در این تجمع را احقاق حقوق و عمل نکردن شرکت مخابرات به تعهداتش پس از واگذاری عنوان کردند.

روز چهارشنبه ۶ شهریور، بازنشستگان شرکت مخابرات استان فارس برای دومین روز متوالی، مقابل شرکت مخابرات این استان دست به تجمع زدند.

*تجمع کارگران شرکت جنگل سفارود که از روز شنبه ۲۶ مرداد آغاز شد، در روز شنبه ۲ شهریور ادامه یافت. به گزارش منتشر شده در شبکه های اجتماعی، مهم ترین خواسته کارگران معترض بازگشت به کار و پرداخت معوقات مزدی ۶ تا ۸ ماهه است که تا این لحظه محقق نشده است. شرکت سفارود در محدوده شهرستان رضوانشهر و در مجاورت شرکت چوب و کاغذ ایران (چوکا) در استان گیلان واقع شده و زیر نظر سازمان اتکا فعالیت می‌کند. این شرکت تاکنون چندین بار از پرداخت حقوق کارگران خود ناتوان شده و بارها کارگران به این موضوع اعتراض کرده‌اند.

*روز چهارشنبه ۶ شهریور، تجمع کارگران شهرداری سی سخت (مرکز شهرستان دنا در استان کهگیلویه و

*روز چهارشنبه ۶ شهریور، معترضان به نحوه برگزاری آزمون سردفتری اسناد رسمی و اعلام نتایج آن، مقابل بیدادستانی تهران تجمع کردند. به گزارش ایسنا، آزمون سردفتری اسناد رسمی تیرماه سال ۹۷ پس از وقفه ای ۱۱ ساله برگزار شد ولی همزمان با اعلام نتایج، موج گسترده اعتراض به نحوه برگزاری و اعلام نتایج به راه افتاد.

*روز چهارشنبه ۶ شهریور، اهالی شهر میداوود، شهرستان باغملک در اعتراض به بحران آب شرب و قطعیهای آب طی چند روز، مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند. به گزارش صدا و سیما، رژیم، فرماندار باغملک گفت: در چند روز گذشته چاه تیغ؛ یکی از سه چاهی که آب شرب شهر میداوود و بیش از ۱۲ روستای

*روز چهارشنبه ۶ شهریور، معترضان به نحوه برگزاری آزمون سردفتری اسناد رسمی و اعلام نتایج آن، مقابل بیدادستانی تهران تجمع کردند. به گزارش ایسنا، آزمون سردفتری اسناد رسمی تیرماه سال ۹۷ پس از وقفه ای ۱۱ ساله برگزار شد ولی همزمان با اعلام نتایج، موج گسترده اعتراض به نحوه برگزاری و اعلام نتایج به راه افتاد.

*روز چهارشنبه ۶ شهریور، اهالی شهر میداوود، شهرستان باغملک در اعتراض به بحران آب شرب و قطعیهای آب طی چند روز، مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند. به گزارش صدا و سیما، رژیم، فرماندار باغملک گفت: در چند روز گذشته چاه تیغ؛ یکی از سه چاهی که آب شرب شهر میداوود و بیش از ۱۲ روستای

جنبش رنگین کمان بیشماران (شهریور ۹۸)

بقیه از صفحه ۱۴

تهران شده اند، گفتند: پس از ۱۳ سال فعالیت در ۳۵۳ دفاتر شرکتهای تعاونی سهام عدالت در اقصی نقاط کشور، هنوز وضعیت شغلی ما مشخص نیست. در عین حال مطالبات مزدی ما از سال ۹۷ و مطالبات بیمه ای ما از سال ۹۴ به تاخیر افتاده است.

*به گزارش ایرنا، روز چهارشنبه ۱۳ شهریور، عده ای از فعالان صنفی بخش صنایع مزاحم، نسبت به برآورده نشدن مطالبات خود، در مقابل ساختمان فرمانداری شهرستان ری، اقدام به برگزاری تجمع اعتراضی کردند.

*به گزارش ایلنا، روز سه شنبه ۱۲ شهریور، کارگران شهرداری شاهین شهر، در اعتراض عدم تغییر وضعیت استخدامی از پیمانی به رسمی و وضعیت معیشتی خود، در مقابل ساختمان شهرداری این شهر دست به تجمع زدند. کارگران معترض با اشاره به اینکه به صورت پیمانی در یک شرکت پیمانکاری به کار خدماتی مشغول هستید، گفتند: «می خواهیم وضعیت استخدامی ما به قرارداد مستقیم تبدیل شود».

*روز پنجشنبه ۱۴ شهریور، اهالی شهر زازران و روستای جلال آباد در اعتراض به تصادفات چندین باره و بی توجهی چندین ساله مسئولان اجرایی نسبت به مشکلات، جاده ورودی شهرستان فلاورجان از سمت شهرستان خمینی شهر به شهرزاداران را مسدود کردند. به گزارش نیوز فلاورجان، تصادفات متعدد در ۶ ماه گذشته که منجر به کشته شدن ۳ نفر از اهالی شهر زازران گردیده موجب اعتراض مردم این شهر شده و معترضان اقدام به بستن این جاده کردند که با حضور نیروی انتظامی و امنیتی این جاده دوباره بازگشایی شده است.

*روز چهارشنبه ۱۳ شهریور، اهالی روستای چاهک در بخش مرکزی گناوه برای جلوگیری از تخریب طبیعت و محیط زیست با اجرای طرح تولید و تکثیر لارو میگو در منطقه بکر و منحصراً به فرد این روستای ساحلی دست به تجمع زدند.

به گزارش ایرنا، معترضان با تجمع در محل اجرای این طرح از واگذاری اراضی در محدوده این روستا با نام ملی جهت اجرای طرح تولید و تکثیر لارو میگو اعتراض و خواستار تجدید نظر مسئولان در این زمینه شدند. زمین واگذار شده برای اجرای طرح تولید و تکثیر لارو میگو



از زمین این روستای ساحلی است که سالانه پذیرای گردشگران متعدد داخلی و خارجی است.

روز جمعه ۱۵ شهریور، اهالی روستای چاهک گناوه در ادامه اعتراض به تخریب محیط زیست برای دومین بار در محل اجرای طرح تولید و تکثیر لارو میگو زنجیره انسانی تشکیل دادند.

*روز جمعه ۱۵ شهریور، اهالی خشمگین دهستان پشتکوه چهار دانگه ساری با حضور چشمگیر زنان برای جمع آوری محل دیپوی زباله (گویچاله) بازم دست به تجمع زدند.

به گزارش بلاغ، این ماجرا در اعتراض به بیش از ۱۲ سال دیپوی زباله مرکز استان در این منطقه بر می گردد، اما وعده های نافرجام مسئولان به مردم این منطقه، آنها را کلافه کرده است و آتش خشم آنها با حضور فرماندار و معاونش هم فروکش پیدا نکرد و آنها تنها یک خواسته دارند و آن هم پایان دیپوی زباله در چهاردانگه است.

*روز سه شنبه ۱۶ شهریور، جمعی از مهندسان برای اعتراض به تعلل وزارت راه و شهرسازی در صدور پروانه اشتغال به کار شرکتهای حقوقی دست به تجمع مقابل ساختمان این وزارتخانه زدند. به گزارش ایلنا، یکی از حاضران در تجمع گفت: متأسفانه چند ماه است معاونت پیشین ساختمان و مسکن وزارت راه و شهرسازی اختیار امضاء پروانه های اشتغال شرکتهای مهندسی حقوقی را از اداره کل استانها سلب و آن را به دفتر توسعه مهندسی ساختمان در وزارت راه و شهر سازی واگذار کرده است.

*روز سه شنبه ۱۶ شهریور، اهالی منطقه خیرآباد برای اعتراض به جابجایی محل احداث درمانگاه مقابل فرمانداری گچساران تجمع کردند. به گزارش کنا، ماجرا از آنجا آغاز می شود که مصوب شد که یک درمانگاه جامع سلامت در منطقه خیرآباد گچساران احداث شود و این در مانگاه طوری احداث شود که همه اهالی روستاهای خیرآباد (پادوک، وحدت آباد، ده ناصر، مردان معصوم، ده جلیل) از نظر بعد مسافت و... به آن دسترسی آسان داشته باشند که در ادامه مقرر و مصوب گردید که این درمانگاه در روستای ده ناصر احداث شود، چون همه اهالی روستاهای منطقه خیرآباد به آن دسترسی آسان داشتند و به قولی این روستا حد فاصل روستاهای منطقه خیرآباد است. اما بعد از مدتی (به گفته اهالی روستاهای منطقه خیرآباد) براساس مسائل قوم گرایی و نفوذ افراد مسئول، مکان احداث درمانگاه به یکی از روستاها (ده جلیل که روستا و زادگاه پخشدار مرکزی گچساران است) که منتهالیه منطقه خیرآباد قرار دارد منتقل شده است که این موضوع باعث اعتراض شدید اهالی منطقه خیرآباد شد.

*روز پنجشنبه ۱۴ شهریور، کارگران کنتورسازی قزوین در اعتراض به عدم دریافت مطالبات مزدی خود، برای پنجمین روز متوالی مقابل دانشگاه بین المللی خمینی در قزوین دست به تجمع زدند. به گزارش ایلنا، کارگران خواستار پیگیری مجددانه مسئولان استان قزوین در خصوص تحقق مطالبات خود اعم از حقوق معوقه و سنوات شدند.

شرکت کنتورسازی قدیمی ترین شرکت سازنده کنتورهای برق در کشور است و کارگران این شرکت به دلیل مدیریت نادرست این مجموعه با مشکل مواجه شده اند.

روز سه شنبه ۱۶ شهریور برای ششمین روز متوالی، کارگران کارخانه کنتورسازی به اعتراض شان به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی مقابل استانداری قزوین تجمع کردند.

*روز سه شنبه ۱۲ شهریور، کارگران شرکت آذراب اراک در اعتراض به موقوفات مزدی و بلاتکلیفی شرکت در میدان شهدای (باغ ملی) این شهر جمع شدند. به گزارش ایلنا، کارگران شرکت آذراب اراک دستمزد ماههای تیر و مرداد را دریافت نکرده و بخشی از دستمزد خرداد را نیز طلب دارند.

روز چهارشنبه ۱۳ شهریور، کارگران واحد تولیدی، صنعتی آذراب اراک، برای دومین روز متوالی، دست به

تجمع زده و در میدان مرکزی این شهر راهپیمایی کردند.

روز شنبه ۱۶ شهریور، اعتراض کارگران آذراب به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی با تجمع در کارخانه و راهپیمایی در سطح شهر اراک ادامه پیدا کرد.

*روز شنبه ۲۳ شهریور، اهالی بندر شیرینو بزرگترین روستای استان بوشهر برای اعتراض به عدم راه اندازی دبیرستان دخترانه و پسرانه دست به تجمع مقابل فرمانداری کنگان زدند. به گزارش ایران کارگر، تجمع کنندگان گفتند: دانش آموزان این روستا سالیان متمادی است در انتظار احداث دبیرستان پسرانه و دخترانه هستند و فقدان دبیرستان مشکلاتی برای ادامه تحصیل آنها ایجاد کرده است.

*روز یکشنبه ۲۴ شهریور، برای دومین روز متوالی، کارگران شرکت حمل و نقل خلیج فارس در اعتراض به تبدیل وضعیت از دائمی به پیمانی مقابل دفتر مدیریت واقع در میدان نماز شهر اسلامشهر تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران تجمع کننده گفتند: حدود ۱۵۰ کارگر شرکت حمل و نقل جاده خلیج فارس هستیم که از ابتدای ماه جاری، مدیریت بخش خصوصی که اخیراً این شرکت را خریداری کرده است، بدون اطلاع ما کارگران قرار است وضعیت استخدامی مان را از حالت قرارداد مستقیم به پیمانکاری تغییر دهد که در نتیجه این اتفاق امنیت شغلی ما در معرض تهدید قرار می گیرد.

*روز پنجشنبه ۱۴ شهریور، کارگران رسمی شرکت نیشکر هفت تپه که تعداد آنان بیشتر از ۴۰۰ نفر است، دست از کار کشیدند. علت اعتراض کارگران عدم پرداخت دستمزد تیر ماه است. به گزارش سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، این کارگران بعد از تجمع روبروی دفتر مدیریت بعد از گذشت چند ساعت، اقدام به رفتن به داخل دفتر مالی کرده و در پی این اقدام کارگران با مسئول مالی شرکت درگیر شدند.

در این ارتباط آقای اسد بیگی، از طریق عوامل خود، به کارگران گفته بود که تا بعد از عاشورا از پرداخت دستمزد تیر ماه خبری نیست.

روز شنبه ۱۶ شهریور برای دومین روز، کارگران رسمی کشت و صنعت هفت تپه مقابل ساختمان مدیریت این مجتمع تجمع کردند.

کارگران نیشکر هفت تپه روز پنجشنبه ۲۱ شهریور در چهارمین روز تجمع خود خواستار منحل شدن شورای کارگری به دلیل همدمستی با اسدبیگی مدیر عامل شرکت شدند.

روز شنبه ۲۳ شهریور، برای ششمین روز متوالی، کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه به اعتصاب و تجمع شان برای انحلال شورای اسلامی کار ادامه دادند.

*روز دوشنبه ۲۵ شهریور، برای چهارمین روز متوالی، اهالی خشمگین روستای گویچاله مازندران با تجمع در جاده مانع ازدفن زباله در این منطقه شدند. به گزارش ایسنا، مشکل زباله و دفن نامناسب به حدی بغرنج و فراتر از حد رفته که در طی ۱۴ سال بیش از یک میلیارد کیلوگرم زباله در منطقه گویچاله تخلیه شده است.

*روز دوشنبه ۲۵ شهریور، کارگران شهرداری سی سخت در استان کهگیلویه برای اعتراض به عدم پرداخت ۶ ماه حقوق و ماهها حق بیمه دست به تجمع زدند. به گزارش ایلنا، کارگران شهرداری سی سخت گفتند: دستکم بابت ۶ ماه مطالبات مزدی سال جاری طلبکاریم و باتوجه به مخارج سنگین تحصیلی فرزندان دانش آموزان و دانشجویان از شهرداری می خواهیم بخشی از این طلب مزدی را پرداخت کند.

جنبش رنگین کمان بیشماران (شهریور ۹۸)

بقیه از صفحه ۱۵

*روز دوشنبه ۲۵ شهریور، کارگران معدن آق دربند برای اعتراض به عدم پرداخت ۱۰ ماه حقوق و وضعیت ایمنی مقابل فرمانداری سرخس در استان خراسان رضوی اجتماع کردند. به گزارش ایلنا، سال ۹۶ در جلسه ای مقرر شد از محل فروش ملکی در مشهد معوقات و بیمه کارگران پرداخت و بخشی از درآمد در بخش تهیه تجهیزات و افزایش ایمنی هزینه شود که از آن تاریخ تاکنون اقدامی صورت نگرفته است.

*روز دوشنبه ۲۵ شهریور، کارگران شهرداری لیکک برای اعتراض به عدم پرداخت ۵ ماه حقوق و حق بیمه و نبی از عیدی دست به تجمع مقابل فرمانداری شهرستان بهمئی در استان کهگیلویه و بویراحمد زدند. به گزارش صبح زاگرس، کارگران تجمع کننده گفتند: ۵ ماه است که هیچگونه حقوقی دریافت نکرده اند و حتی نیمی از مبلغ عیدی سال گذشته خود را هم طلبکارند.

*روز سه شنبه ۲۶ شهریور، گروهی از ساکنان منطقه خیرآباد شهرستان گچساران، در اعتراض به محرومیت و عدم ساخت مرکز سلامت در این منطقه بار دیگر مقابل فرمانداری گچساران تجمع کردند. به گزارش فانوس زاگرس، یکی از معتمدان منطقه خیرآباد گچساران در خصوص تجمع اعتراض آمیز اهالی این منطقه گفت: این موضوع در زمان رحیمی، فرماندار سابق و بخشدار فعلی گچساران کلید خورده است و قرار شد که یک مرکز سلامت در منطقه خیرآباد (حدفاصل روستای پادوک تا روستای اشکفت شیری) کارشناسی و احداث شود. اما متأسفانه مسئولان با استفاده از اهرم فشار و بده بستانهای خودشان با رده های بالاتر و ارائه آمار غلط جمعیتی و دیگر موارد به مسئولان بالا دستی، آنها را متقاعد کردند که این مرکز سلامت در روستای ده جلیل احداث شود.

*روز چهارشنبه ۲۷ شهریور، کارگران کنتورسازی قزوین در اعتراض به عدم دریافت ۲۴ ماه مطالبات مزدی خود، برای بیست و دومین روز متوالی در مقابل ساختمان استانداری قزوین، دست به تجمع زدند. به گزارش ایلنا، نماینده کارگران گفت: از سال ۸۷ که شرکت خصوصی شد، مشکلات شروع شده؛ از آن تاریخ تا امروز، از ۹۰۰ نفر رسیده ایم به ۱۸۰ نفر؛ تعدادی بازنشسته شدند، تعدادی هم با خاتمه قرارداد هرسال بیکار شدند؛ حتی اوضاع تولید هم نامرتب است. نماینده کارگران با بیان اینکه نه حقوق می دهند نه بیمه را به موقع رد می کنند؛ ادامه می دهد؛ یک ماه است آواره ایم؛ یا جلوی استانداری هستیم یا مقابل فرمانداری البرز یا دفتر امام جمعه.

*جنبش اعتراضی کارگران هپکو

روز شنبه ۲ شهریور، کارگران شرکت هپکو در اراک، برای اعتراض به بلاتکلیفی وضعیت شرکت و معوقات مزدی خود، مقابل ساختمان این شرکت تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران شاغل در شرکت تولید تجهیزات سنگین هپکو گفتند: «به علت پایین آمدن تولید در سال ۹۸ و کم کاری سهامدار و مدیریت که سازمان خصوصی سازی انتخاب کرده نگران امنیت شغلی خود هستیم.»

روز یکشنبه ۳ شهریورماه، کارگران معترض این شرکت با تجمع در مرکز شهر اراک خواستار رسیدگی مسئولان به مشکلات و مطالبات صنفی خود شدند.

روز دوشنبه ۴ شهریور، کارگران شرکت هپکو اراک، برای سومین روز متوالی مقابل ساختمان استانداری مرکزی، دست به تجمع زدند.

بامداد سه شنبه ۵ شهریور، کارگران کارخانه هپکو در مسیر راه آهن شمال جنوب در اراک دست به تجمع زدند.

روز چهارشنبه ۶ شهریور، تجمع کارگران کارخانه هپکو اراک در پنجمین روز متوالی، این بار مقابل بیدادگستری اراک برگزار شد.

بعد از ظهر روز شنبه ۱۶ شهریور برای باری دیگر، کارگران کارخانه هپکو برای اعتراض به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی دست به تجمع در این واحد تولیدی در اراک زدند.

کارگران کارخانه هپکو با برافراشتن پلاکارد خطاب به حسن روحانی اعلام کردند:

«ما کارگران هپکو با صدای بلند فریاد می زنیم، خواسته اصلی ما تعیین تکلیف سهامداری و مالکیتی شرکت هپکو بعد از ۵ سال بلاتکلیفی می باشد، نه انتصاب یک مدیر جدید»

به گزارش فارس، ظهر روز یکشنبه ۲۴ شهریور، کارگران هپکو اراک برای اعتراض به عدم تعیین تکلیف نهایی با سهامدار عمده شرکت، دست به تجمع در کارخانه زدند.

روز دوشنبه ۲۵ شهریور، کارگران خشمگین کارخانه هپکو اراک در دومین روز از دور جدید اعتراض شان با تجمع زیر پل بختیاری مسیر ریل راه آهن شمال - جنوب را مسدود کردند. بر اساس گزارشهای منتشر شده در شبکه های اجتماعی درگیری کارگران هپکو، ۳۰ تا ۴۰ نفر از کارگران بازداشت شدند و ۱۵ نفر نیز مجروح شدند. به گفته شاهدان عینی امروز گروه ضربت نیروی انتظامی برای سرکوب کارگران گسیل شده بودن که با شدت کارگران را ضرب و شتم کردند. کارگران هپکو شعار می دادند: «زیر بارستم نمی کنیم



زندگی جان فدا می کنیم در ره آزاده گی، وای براین وضع وای براین وضع.»

روز سه شنبه ۲۶ شهریور، کارگران هپکو با وجودی که نیروهای گارد ضد شورش در مقابل آنها صف کشیده و آنها را تهدید می کردند، برای سومین روز متوالی دست به اعتراض زدند و در مقابل این شرکت تجمع کردند.

*روز شنبه ۳۰ شهریور، در آستانه بازگشایی مدارس برای چندمین بار، کارگران سد چمشیر برای اعتراض به عدم پرداخت ۱۱ ماه حقوق دست به تجمع مقابل فرمانداری گچساران زدند. به گزارش فارس، پدران دانش آموزان برای گرفتن حق پایمال شده خود تاکنون نتوانستند حتی دفتری برای فرزندان خود تهیه کنند و با شرمندگی روزها را سپری می کنند. یکی از کارگران گفت: ۱۱ ماه است که حقوق دریافت نکرده ام، بچه شیرخواره و محصل در خانه دارم و حالا که با آغاز سال تحصیلی تاکنون نتوانسته ام لوازم تحصیل برای فرزندم خریداری کنم.

*بامداد روز شنبه ۳۰ شهریور، کارگران شهرداری سی سخت در استان کهگیلویه و بویراحمد در اعتراض به ۶ ماه معوقات مزدی خود، مقابل ساختمان شهرداری تجمع کردند. به گزارش ایلنا، کارگران گفتند: در شرایط فعلی که در آستانه سال تحصیلی قرار داریم، نگران تامین مخارج مربوط به شروع سال تحصیلی فرزندان خود هستیم.

*بامداد روز شنبه ۳۰ شهریور، کارگران و تهیدستان ایلام برای اعتراض به قطع شدن یارانه شان مقابل فرمانداری ایلام تجمع کردند. به گزارش تی نیوز، خیرالله کراوند فرماندار ایلام با حضور در تجمع گفت: این موضوع به مسئولان مربوطه منعکس شده و چگونگی پیگیری موضوع نیز به اطلاع مردم رسیده است.

*روز یکشنبه ۳۱ شهریور، همزمان با جلسه رسمی و علنی شورای فرمایشی شهر بجنورد، کارگران کشتارگاه بجنورد در ادامه اعتراض به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی دست به تجمع در محوطه شورای شهر زدند. به گزارش عصر اترک، تجمع کنندگان گفتند: ۳۰ نفر سلاح و نیروهای خدماتی و فنی این کشتارگاه، تسویه بیمه اردیبهشت ماه ۹۸ و تسویه سه ماه از حقوق پرداخت نشده امسال خود را طلب دارند.

*بامداد یکشنبه ۳۱ شهریور، کارگران بخش نظافت شهری شهرداری رشت در اعتراض به عدم پرداخت حقوق شان بر مبنای سال گذشته و عدم پرداخت حقوق ماههای مرداد و شهریور دست از کار کشیده و تجمع کردند. به گزارش رشت ۲۰، علیرضا حاجی پور رئیس سازمان مدیریت پسماند شهرداری رشت، در خصوص تجمع پاکبانان شهرداری رشت، گفت: تمامی مطالبات عقب افتاده کارگران تا پایان تیرماه پرداخت شده، اما هنوز بحث پرداخت ماهه التفاوت حقوق است که با توجه به افزایش مبالغ سال جاری، مجوز پرداخت آن با نامه نگاری صورت گرفته با سازمان بازرسی اخذ شده است.

کارگران بخش نظافت شهری شهرداری رشت یکشنبه شب نیز دست به تجمع زدند.

*روز یکشنبه ۳۱ شهریور، کارگران هلدینگ خلیج فارس بار دیگر در دفتر معاون پشتیبانی و سرمایه گذاری این شرکت در اعتراض به چگونگی پرداخت مزایا خود تجمع کردند. به گزارش ایران کارگر، کارگران همچنین به پرداخت پاداشی تحت عنوان (معیشت) که بین عده خاصی از کارکنان توزیع می شود اعتراض کردند به گفته کارگران معترض این شیوه پرداخت به خاطر ایجاد تفرقه بین کارکنان و سودجوی بیشتر کارفرما است.

*روز یکشنبه ۳۱ شهریور، تجمع اهالی منطقه پشتکوه چهار دانگه ساری برای جلوگیری از دفن زباله در منطقه وارد سومین هفته شد. به گزارش بلاغ، بخشدار چهاردانگه در خصوص آخرین وضعیت تجمع اعتراض آمیز اهالی منطقه پشتکوه چهاردانگه در ساری اظهار کرد: این تجمع همچنان با حضور تعدادی از اهالی منطقه ادامه دارد.

جنبش رنگین کمان بی شماران (شهریور ۹۸)

بقیه از صفحه ۱۶

*روز یکشنبه ۳۱ شهریور، اهالی سه روستای سورگ آباد، جمشاهی و میان شهر از توابع شهرستان جنوبی قلعه گنج در استان کرمان برای اعتراض به وضعیت آب شرب ناسالم دست به تجمع مقابل استانداری زدند. به گزارش ایرنا، یکی از تجمع کنندگان گفت: وضع آب ۱۳، ۱۴ سال است که آلوده است. چندین فرماندار و بخشدار و رئیس اداره آب و فاضلاب عوض شد و هر کدام وعده آب شرب سالم از روستاهای مجاور دادند؛ نفر بعد وعده تصفیه خانه، نفر بعد دستگاه تصفیه آب و... همین طور وعده ها دادند، اما هیچ اقدامی نمی کنند و در این سالها چندین نفر از مردم این روستاها به دلیل حمل آب از دیگر روستاها و یا از قلعه گنج، در تصادف جاده کشته شدند.

*بامداد یکشنبه ۳۱ شهریور، کارگران سایت بینالود کارخانه رینگ سازی مشهد در اعتراض به کاهش حقوق، نداشتن امنیت شغلی و اخراج همکاران معترض به اعتصاب کردند. به گزارش خبرگزاری دانشجو، پس از واگذاری این شرکت به بخش خصوصی، وضعیت کارگران این سایت از روزمرد به قراردادی (پیمانی) تغییر کرد. اما با این وجود باز هم به شیوه روزمرد با کارگران رفتار می شد. به این معنا که هر روزی که در کارخانه کار بود به کارگران اعلام می شد تا در محل کار خود حاضر شوند. اعتصاب امروز کارگران منجر به اخراج ۶ نفر از کارگران شده است.

سایت شهر بینالود (استان خراسان رضوی) شرکت رینگ سازی مشهد دارای سه خط تولید شامل خط مونتاژ کامل رام پژو ۴۰۵، ۳۵ درصد بدنه پژو ۴۰۵ و مونتاژ رینگ و لاستیک ۴۰۵ است که بنا به گفته یک منبع آگاه سودآوری روزانه این سه خط تولید در سال ۹۶ روزانه به ترتیب ۱۸ میلیون تومان، ۲۴ میلیون تومان و ۱۵ میلیون تومان بوده است. دارای سه خط تولید شامل خط مونتاژ کامل رام پژو ۴۰۵، ۳۵ درصد بدنه پژو ۴۰۵ و مونتاژ رینگ و لاستیک ۴۰۵ است که بنا به گفته یک منبع آگاه سودآوری روزانه این سه خط تولید در سال ۹۶ روزانه به ترتیب ۱۸ میلیون تومان، ۲۴ میلیون تومان و ۱۵ میلیون تومان بوده است.

*روز یکشنبه ۳۱ شهریور، کارگران سد شورجیه سرخس در استان خراسان رضوی در اعتراض به عدم پرداخت ۶ ماه حقوق و مطالبات دیگر اقدام به اعتصاب کردند. به گزارش صبح توس، یکی از کارگران سد شورجیه سرخس گفت: کارگران سد شورجیه سرخس روز از اسفند ماه سال ۹۷ و ۶ ماه هم از سال جاری معوقه حقوق و سنوات دارند. وی با تاکید بر اینکه کارگران این سد امنیت شغلی هم ندارند، افزود: هر زمان اعتراضی نسبت به پرداخت حقوق و سنوات داریم، مدیران سد حرف از اخراج می زنند.

اخبار کوتاه بر اساس گزارشهای منتشر شده در شبکه های اجتماعی

شنبه ۲ شهریور: تجمع غارت شدگان مجتمع تجاری آدینه رشت مقابل مصلی این شهر
یکشنبه ۳ شهریور: مراسم گرامیداشت اولین سالگرد جانباختن شریف باجور و سایر جانباختگان مدافع عدالت و زیست محیطی در مریوان با حضور شمار زیادی از مردم مریوان و اطراف و سایر شهرهای کردستان برگزار شد. / تجمع صاحبان زمینهای خریداری شده از اداره اوقاف تبریز مقابل ساختمان استانداری آذربایجان شرقی. / کارکنان شرکت رامیکو برای دومین روز متوالی مقابل فرمانداری و استانداری خوزستان تجمع کردند.

دوشنبه ۴ شهریور: تجمع کارگران پاکبان شهرداری کاشان مقابل ساختمان شهرداری. / تجمع سپرده گذاران غارت شده موسسه کاسپین مقابل ساختمان بیدادستانی تهران

سه شنبه ۵ شهریور: اعتصاب رانندگان تریلی در شهرهای سرخس، مشهد، نیشابور و...

چهارشنبه ۶ شهریور: تجمع غارت شدگان شرکت رامک خودرو مقابل ساختمان بیدادگاه کبیری. / تجمع شاکیان پرونده طلای شادی مقابل بیدادستانی تهران. / تجمع کارکنان شرکت مخابرات اصفهان مقابل ساختمان این شرکت

شنبه ۹ شهریور: تجمع خانواده های محمد سلیمی چگینی و فرزاد ارزانی کارگران جان باخته حادثه انفجار میدان نفتی رگ سفید برای اعتراض به عدم پرداخت مطالبات وعده داده شده به آنها مقابل وزارت نفت. / نیروهای شرکتی و قراردادی اینبارگر به نمایندگی از همکاران شان در وزارت آموزش و پرورش، اراضی کشور، دانشگاههای علوم پزشکی، وزارت بهداشت و... برای اعتراض به عدم تبدیل وضعیت مقابل مجلس اجتماع کردند. / تجمع اهالی شهرستان ایوان مقابل استانداری ایلام، برای اعتراض به واگذار معدن سياهکل به بخش خصوصی. این اقدام نه تنها طبیعت بکر منطقه را دستخوش تغییرات و دگرگونی منفی کرده، بلکه تنها راه ارتباطی ساکنان منطقه سیاحتی و کشاورزی نیز بلعیده شده و غیر قابل استفاده است.

یکشنبه ۱۰ شهریور: تجمع اعتراضی غارت شدگان شرکت خودروسازی آدویکو مقابل ساختمان وزارت صنعت و معدن در تهران. / تجمع خریداران خودروهای ثبت نامی از شرکت صنعت خودرو آذربایجان (آدویکو) مقابل ساختمان وزارت صنعت معدن و تجارت

دوشنبه ۱۱ شهریور: تجمع غارت شدگان موسسه کاسپین مقابل ساختمان قوه قضاییه در تهران. / تجمع اعتراضی اهالی شهرک ثامن الائمه فردوسیه شهرستان شهریار به دلیل مشکلات چند ساله فاضلاب و عدم رسیدگی به آن. / تجمع کارگران شهرداری اردستان در اعتراض به معوقات مزدی، برای چندمین بار مقابل ساختمان این شهرداری. / تجمع اهالی شهرک ثامن الائمه فردوسیه شهرستان شهریار به دلیل مشکلات چند ساله فاضلاب این شهرک و عدم رسیدگی به آن.
سه شنبه ۱۲ شهریور: با فراخوان قبلی شماری از اهالی تهران در مقابل دفتر بورس اوراق بهادار تجمع کردند. / شهروندان تبریز در اعتراض به ادامه رفتار وحشیانه با سگهای ولگرد، مانع اجرای طرح زنده گیری سگهای از سوی ماموران شهرداری شدند. / تجمع اعتراضی سهامداران بازار پایه در اعتراض به وضعیت بازار پایه و ضررهای سنگین، برای دومین روز مقابل دفتر بورس اوراق بهادار در تهران.

چهارشنبه ۱۳ شهریور: سپرده گذاران سایت طلای ثامن، در اعتراض به برآورده نشدن مطالبات خود مقابل ساختمان قوه فاسد قضاییه در تهران، اقدام به برگزاری تجمع کردند. / گروهی از ناشنویان در اعتراض به محرومیت از حقوق شهروندی و برخوردار نبودن از موقعیتهای برابر اجتماعی، در میدان خمینی تهران، دست به تجمع زدند. / تجمع مردم منطقه کوزه گری شیراز در اعتراض به ۸ برابر گران شدن قبض برق در داخل اداره برق منطقه کوزه گری. / کارگران شهرداری کوات عبدالله و مهاباد در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات مزدی خود اقدام به تخلیه فاضلاب جلوی شهرداری کردند.

پنجشنبه ۱۴ شهریور: تجمع اعتراضی غارت شدگان پالایشگاه صدرا نفت پارسیمان مقابل استانداری اصفهان. / تجمع غارت شدگان مجتمع تجاری آدینه مقابل ساختمان استانداری رشت.

شنبه ۱۶ شهریور: تجمع کشاورزان استان کرمانشاه در اعتراض به قیمت تعیین شده برای گوجه فرنگی در مقابل ساختمان استانداری کرمانشاه. / تجمع مردم زازران در اعتراض به وضعیت جاده زازران به خمینی

شهر تجمع کردند. زازران، شهری از توابع فلاورجان می باشد در غرب اصفهان از یک طرف به جاده نجف آباد اصفهان و از طرف دیگر به شهرهای قهدریجان و فلاورجان ارتباط دارد.

یکشنبه ۱۷ شهریور: تجمع اهالی سه روستای یزد (حسین آباد ریسمانی، عسکریه و مدرسی)، در اعتراض به بالاتر کیفی ۴ ساله برای باز شدن دهنه دوم پل ارتباطی این روستاها، مقابل ساختمان استانداری یزد.

دوشنبه ۱۸ شهریور: تجمع غارت شدگان تعاونی مسکن فرهنگیان در اعتراض به تعیین تکلیف نشدن پروژه مسکونی بعثت پس از ۱۸ سال. / گروهی از صیادان به همراهی مردم چابهار در اعتراض به ممانعت یک ماهه ماموران سرکوبگر از ورود سوخت توسط قایقها به اسکله رمین در چابهار تجمع کردند. / تجمع و تشکیلات زنجیره انسانی مردم شهرستان یتکانات شهرستان مرند در اعتراض به احداث معدن مس قالا داغی و تخریب محیط زیست.

سه شنبه ۱۹ شهریور: تجمع جمعی از جوانان الوند در استان قزوین برای اعتراض به بی نتیجه ماندن پرونده های مفسدان از جمله ویژه خواری هفت - سنگان، ویژه خواری قدیانی و پرونده تغییر کاربری زمینهای کشاورزی شلویری و همچنین پرونده تخلفات مدیر عامل سابق شرکت صنعتی البرز، تعطیلی تنها بیمارستان شهر الوند و دیگر مطالبات کارگری الوند در میدان لاله این شهر

چهارشنبه ۲۰ شهریور: اعتصاب و تجمع کارگران مناطق ۴، ۵ و ۶ شهرداری اهواز برای اعتراض به عدم پرداخت ۵ ماه حقوق مقابل ساختمان شهرداری.

شنبه ۲۳ شهریور: تجمع شهروندان ارومیه در اعتراض به تصمیم فروش زمینهای شان از طرف شهرداری.

دوشنبه ۲۵ شهریور: تجمع پرسنل شرکت الومینیوم اراک مقابل ساختمان اداری این شرکت در اعتراض به عدم پرداخت حقوق معوقه. / تجمع اهالی عنافچه مقابل فرمانداری شهرستان بلوی. آنها خواستار تعمیر پل شناور روی رودخانه کارون شدند و یادآوری کردند که تعمیر نکردن پل برای دانش آموزان ۳۷ روستا خطرناک است. / تجمع اعتراضی اهالی شهرک امیریه در ارومیه مقابل شهرداری و اداره آب و فاضلاب استان آذربایجان غربی. آنان به وضعیت نابسامان محله و وعده هایی که مسئولان عمل نکردند اعتراض کردند.

سه شنبه ۲۶ شهریور: تجمع اعتراضی جمعی از غارت شدگان موسسه کاسپین و ثامن الحجج و آرمان وحدت در تهران به خاطر برآورده نشدن مطالبات خود در مقابل حوزه ریاست قوه فاسد قضاییه.

چهارشنبه ۲۷ شهریور: اعتراض گسترده کامیونداران سراوان یا بستن راه معدن شن و ماسه. / تجمع کشاورزان مشگین شهر در اعتراض به عدم فروش محصولات شان و بی توجهی کارگزاران حکومت، در میدان تره بار این شهر.

پنجشنبه ۲۸ شهریور: تجمع اعتراضی غارت شدگان موسسه پدیده شانندیز در مشهد. / تجمع مردم گلشهر در اعتراض به احداث پالایشگاه GTL. / مقابل سازمان محیط زیست تهران. / تجمع کسبه داموند در اعتراض به افزایش فروشگاههای زنجیره ای مقابل مقابل فرمانداری این شهرستان.

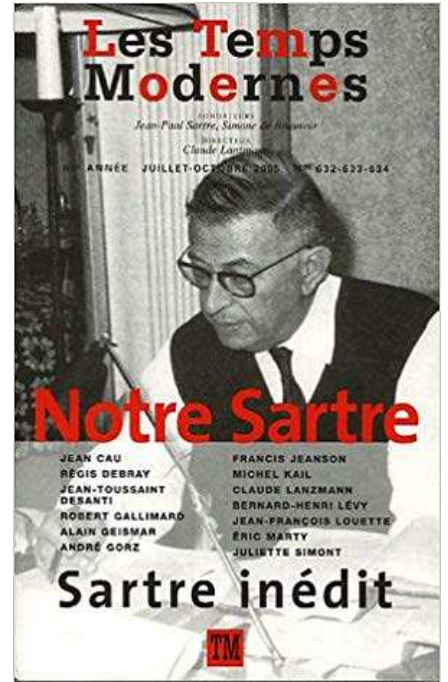
شنبه ۳۰ شهریور: تجمع و اعتصاب عمده فروشان یا ساز علاالدین. / تجمع معلولان جنگ برای اعراض به قطع شدن هزینه درمانی و قبول نکردن و پذیرفته نشدن در بیمارستانها. / تجمع غارت شدگان موسسه کاسپین در پارس آباد مغان. / تجمع بازنشستگان استان تهران برای اعتراض به عدم پرداخت به موقع حقوق دست به تجمع مقابل صندوق بازنشستگی واقع در میدان فاطمی تهران.

رویدادهای هنری ماه (شهریور ۹۸)

فتح الله کیانیها

ادبیات

خاموشی مهمترین نشریه روشنفکری فرانسه



ماه گذشته ماه درد آور و پر رنجی برای علاقمندان نشریه (روزگاران نو - Les Temps modernes) بود، چرا که در ۶ دسامبر ۲۰۱۹ نامه

ای برای همه مشترکان مجله "له تامپ مدرن" فرستاده شد که در آن نوشته شده بود، در پی درگذشت "کلود لانژمن"، نویسنده، فیلمساز و روشنفکر فرانسوی، در ۵ ژوئیه همان سال، انتشارات "گالیمار" تصمیم گرفته تا به انتشار این مجله پایان دهد.

این نشریه با این جمله ژان پل سارتر قدم به جهان هنر نهاد که می گفت: "همه نویسندگانی که ریشه بورژوازی دارند، یک قرن است که وسوسه بی مسولیتی را تجربه کرده اند. این دیگر سنتی ادبی شده است."

اکنون و پس از گذشت هفت دهه، علاقمندان این نشریه صاحب نام دیگر آن را نخواهند دید و مجبورند که با خاطرات شیرین گذشته دلمشغول شوند.

اعضای هیات تحریریه "له تامپ مدرن" در یادداشتی که در روزنامه لوموند منتشر کردند، از پایان انتشار این نشریه خبر دادند؛ نشریه ای که به نوشته آنان فقط یک مجله در میان مجلات دیگر نبود، بلکه بر پایه روشنفکری فرانسه بنا شده بود و تاریخ این روشنفکری را به ویژه در قرن بیستم روایت می کرد. همچنین آنان تأکید کردند که وضعیت کنونی جهان از چندین جنبه شبیه وضعیت دنیا پیش از جنگ جهانی اول است: یک دوره طولانی از رفاه در غرب به همراه افزایش نابرابریها و گسترش اقدامات نظامی از طریق استعمار که در نهایت منجر به "فوران مرگ" در سالهای ۱۹۱۴ تا ۱۹۱۸ شد.

به نوشته این نویسندگان، اروپا پس از این جنگ وارد یک دوره تاریک سی ساله شد که خشونت در آن به اوج رسیده بود و "له تان مدرن" در پایان این دوره متولد شد، با یک هدف روشن: تلاش برای به دست آوردن یک درک جهانی از جهان.

مارگرت اتوود و ادامه داستان

رمان تازه "مارگرت اتوود" با عنوان "وصایا" که دنباله ای است بر رمان پرفروش "سرگذشت ندیمه"، روز سه شنبه ۱۹ شهریور با حضور جمعیتی کم سابقه که از نیمه شب منتظر بازگشایی کتابفروشی "واتراستونز" در لندن بودند، رونمایی شد.



داستان رمان "وصایا" (The Testaments) ۱۵ سال پس از آخرین صحنه از رمان "سرگذشت ندیمه" آغاز می شود که اولین بار در سال ۱۹۸۵ منتشر شد و در سال ۱۹۹۰ دستمایه ساخت یک فیلم سینمایی قرار گرفت، در سال ۲۰۰۰ یک اپرا بر اساس آن اجرا شد و دو سال پیش، وقتی سریالی تلویزیونی بر پایه آن ساخته شد، دوباره بر سر زبانها افتاد.

مارگرت اتوود که سه سال وقت صرف نگارش رمان "وصایا" کرده، اثر تازه اش را تلاش برای یافتن پاسخ به پرسشهایی معرفی کرده که طی ۳۵ سال خوانندگانش با او در میان گذاشته اند. ضمن آن که به گفته خودش، در این زمان طولانی جامعه دچار تغییرات بسیار شده و همه کشورها، از جمله آمریکا، نسبت به سه دهه قبل تحت فشارهای بیشتری قرار گرفته اند.

اشاره خانم اتوود احتمالاً عقبردهای اجتماعی و سیاسی گسترده ای است که به خصوص در عرصه زنان رخ داده است و جلوه ای از آن را، تحت تاثیر رمان "سرگذشت ندیمه" می توان در لباسهای سرخ و کلاه های سفیدی دید که به نمادی از مبارزات فمینیستی تبدیل شده است. به طور خاص در آمریکا، این نوع پوشش به نمادی از کارزار معروف به #MeToo و نیز اعتراض به برخی سیاستهای دونالد ترامپ در مسائل زنان، نژادی و مهاجرتی بدل شده است. مارگرت اتوود، شاعر، داستان نویس، منتقد ادبی، فعال سیاسی و فمینیست سرشناس کانادایی، آبان سال جاری ۸۰ ساله می شود.

حمایت ایزابل آئنده از طومار اعتراض به حکم

زندان سه نویسنده ایرانی

کمپین "اعتراض به حکم زندان سه نویسنده" در صفحه طومار (پتیشن) خود خیر داد که ایزابل آئنده، نویسنده سرشناس شیلیایی، از سه نویسنده ایرانی (رضا خندان مهابادی، بکتاش آبتین و کیوان باژن) حمایت کرده و خواسته است نامش در طومار اعتراض به حکم زندان سه نویسنده قرار گیرد. نویسنده کتابهای "داستانهای اوا لونا"، "خانه ارواح"، "از عشق و شیاطین" و... در یادداشت خود نوشته است: "دوستان عزیز! واقعا" از سرکوب و سانسور در کشورتان متاسفم. خواهش می کنم نام مرا در طومار برای آزادی رضا خندان، بکتاش آبتین و کیوان باژن قرار دهید. از اینکه من را مطلع می کنید و در جریان می گذارید سپاسگزارم." ایزابل آئنده

سینما

جشنواره سینمایی زنان هرات برنده خود را

برگزید



پنجمین جشنواره فیلم زنان هرات در کابل بعد از چهار روز به کار خود پایان داد و فیلم "در جستجوی فریده" به کارگردانی آزاده موسوی و کورش عطایی را به عنوان بهترین مستند این جشنواره سینمایی معرفی کرد. رویا سادات، کارگردان جشنواره فیلم زنان هرات، گفت: "هدف از برگزاری این جشنواره، پشتیبانی از زنان و فیلمسازی است که زندگی زنان را به تصویر می کشند."

از میان ۲۰۰ فیلمی که به دبیرخانه این جشنواره ارسال شده بود، ۴۷ فیلم در رقابتها شرکت داشتند. این فیلمها در کابل، جلال آباد، بامیان و هرات روی پرده سینما رفت. "آرمانشهر" و "خانه فیلم رویا" اعلام کرده بودند که با برگزاری این جشنواره می خواهند این پیام را بدهند که اینگونه برنامه های فرهنگی "در این روزهای تاریک و مبهم افغانستان" نویدی است برای ایستادگی در برابر نابرابریها.

"نامزد بی نقص"



نام فیلمی است از "هیفا المنصور"، اولین کارگردان زن در سینمای عربستان، که با این کار تازه اش دوباره پای بر خاک میهن نهاده تا روایتگر مشکلات، محدودیتها و درد و رنج زنان کشورش باشد. المنصور با اولین فیلمش "وجدا"، ساخته شده در کشوری که حتی تالار سینما نداشت، توجه جهانی را برانگیخت تا آنجا که راهش به هالیوود باز شد. دومین فیلم او، "مری شلی" که با ستارگان سینما و در فضایی متفاوت خلق شده بود، با موفقیت روبرو نشد، اما اینک فیلم جدید او توانست در جشنواره ونیز راه پیدا کرده و مورد تشویق واقع شود.

هنرهای نمایشی

اورفه در جهنم، اجرایی جسورانه از اپرایی سیاسی/اجتماعی



اپرایی "اورفه در جهنم" هجو به ای است قرن نوزدهمی از یک اسطوره یونان باستان. اما "بری کوزکی"، کارگردان استرالیایی، با ارایه یک بازخوانی گستاخ و جسورانه از این اثر در جشنواره سالزبورگ، حال و هوای موفقیت نخست آن را احیا کرده است.

از سوی دیگر، امسال دویست مین سالگرد تولد "ژاک افنباخ"، آهنگساز آلمانی و نویسنده این اپرا است. افنباخ یکی از بنیانگذاران "اپرت" (یا اپرایی کوچک) و از تاثیرگذارترین آهنگسازان موسیقی مردم پسند سده نوزدهم است.

"جوئل پریه تو"، بازیگر نقش اورفه در این اثر، می گوید: "این اپرا از زمان خودش خیلی جلوتر بود، مسائلی نظیر آزادی جنسی و تقدس ازدواج را به سخره می گیرد. صحنه اول دعوی یک عاشق و معشوق آلمانی است که حالا ازدواج شان خراب شده و از هم متفرند." اورید زیبا که در ابتدای اسطوره یونانی می مرد، در نمایشی که افنباخ نوشته است، رها می شود و تلاش می کند سرنوشت خود و معشوقه هایش را به دست بگیرد.

"کاترین لویک"، بازیگر نقش "اورید"، درباره شخصیت زن این اپرا می گوید: "این شخصیت آزادی مقاومت ناپذیری دارد. می بینیم که مبارزه برای حقوق زنان همین امروز در دنیا ادامه دارد، اما تصور کنید یک قرن و نیم پیش این حرفها چقدر جدید بوده." موسیقی و تئاتر در اجرای این اپرا به قوت در هم تنیده شده اند. کاترین همچنین بزرگترین چالش کارش در ایفای این نقش را تحرک بدنی بالا روی صحنه به همراه موسیقی و آوازخوانی بر می شمارد. جوئل، بازیگر مرد نقش اورفه، نیز معتقد است اجرای نقش در این کمده چندان آسان نیست: "این نوع کمده کمی آدمی را اذیت می کند، البته گهگاه خیلی ظریف است." او همزمان تصدیق می کند: "این نمایشی است که از اول تا آخرش پلک نمی زبند، چون می خواهید یک لحظه اش را هم از دست ندهید."

موسیقی

موسیقی در بیکار علیه جنگل زدایی

پیانو و موسیقیدان بلندآوازه ترک "فاضل سای"، کنسرت ویژه ای در فضای باز برای هزاران تماشاچی برگزار کرد؛ این بار در میان درختزاری در حوالی جنگل و نزدیکی معدن طلای "چاناک قلعه". او فریاد اعتراض به جنگل زدایی را با صدای ساز به گوش جهانیان رساند.

چاناک قلعه (چنانک قلعه) یک قطب گردشگری با اماکن فرهنگی بسیار و ساحلی دلفریب است. شهر باستانی "تروی" نیز در این استان قرار دارد.

بقیه در صفحه ۲۰



طرح مزبور که از سوی آژانس امنیت ملی ایالات متحده آمریکا باید اجرا می شد، آنقدر غیرعادی بود تا یک نفر را چنان نگران کند که خطر حبس طولانی مدت را به جان بخرد و آن را افشا کند. آن شخص کسی نبود جز "کاترین گان".

کاترین گان که "کیرا نایتلی" نقش او را به طرز ماهرانه در فیلم "اسرار رسمی" بازی کرده، مترجم "ستاد کل ارتباطات" (معادل انگلیسی آژانس امنیت ملی ایالات متحده آمریکا) بود. می توان گفت که فیلم "اسرار رسمی" درامی سر راست و پرتعلیق در مورد این شخصیت است.

جشنواره فیلم حقوق بشر



در جشنواره فیلم حقوق بشر (۱۸ تا ۲۵ سپتامبر) در برلین فیلمهایی به نمایش درآمدند که به نقض حقوق بشر می پرداختند. فیلمها همچنین درباره انسانهایی هستند که از خود شجاعت و قهرمانی نشان می دهند؛ انسانهایی با ترسها، شادیها و امیدهایشان.

برخی از فیلمهای به نمایش در آمده عبارتند از: "برای سما"، "دادستان"، "داعش، فردا. ارواح گمشده ی موصل"، "این کنگوست"، "آنچه والا می خواهد"، "نویا"، "باقی مانده ها پس از اودیسه"، "بابا و سردار جنگ"، "مقاومت" و "نفرین ثروت" که هر کدام به نوعی مسایل و مشکلات بر سر راه حقوق بشر در سراسر جهان و راهکارهای بغرنج رسیدن به آن را مورد ارزیابی قرار داده اند.

برای مثال، در فیلم "مقاومت"، "بریتا شونینگ"، فیلمساز آلمانی، سه زن جوان را به تصویر می کشد که در محافل مختلف فعال هستند: زنی چپ گرا که در همستگی با پناهجویان در آتن زندگی می کند، زنی طرفدار راست گرایان افراطی در وین و زنی مسلمان و ادیب که در برلین علیه تبعیض مبارزه می کند.

فیلم افتتاحیه جشنواره "سما" بود که در باره نامه پرمهر مادری به دخترش است. این فیلم شرح داستان یک زن جوان سوری است که ازدواج کرده و دخترش سما را در حلب، در منطقه ای جنگی، به دنیا آورده است.

فیلم "برای سما" تا کنون برنده چند جایزه مهم شده است، از جمله به عنوان بهترین فیلم مستند در جشنواره فیلم کن ۲۰۱۹.

رویدادهای هنری ماه (شهریور ۹۸)

بقیه از صفحه ۱۸

فیلم هرچند داستان به نسبت ساده و سطحی دارد، اما در عمل به یکی از نادر تلاشها جهت روایت یک موقعیت بغرنج در یک جامعه پیچیده بدل می شود که در آن حتی یک بیمار مرد مایل نیست که یک پزشک زن به او نزدیک شود.

با این حال، فیلم لحظه های جذابی از یک مبارزه زنانه را به تصویر می کشد که در انتها به نظر می رسد محتوم به شکست است، اما نومیدانه و از سر استیصال نیست. با آن که شخصیت اصلی فیلم، مریم، از سوی جامعه طرد و تمسخر می شود، اما او از پا نمی نشیند و با خواندن آواز در یک مراسم عروسی، اعتراضش را به سنتهای بسته و محدود کننده ای که آواز خواندن زن را حرام می داند، به نمایش می گذارد.

طرح شکایت نمایندگان مجلس از "هالیوود"



یک عضو کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس از تدوین "طرح شکایت از سینما هالیوود" با امضای ۱۸۰ تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی خبر داد.

محمدعلی پورمختار گفت: "بر اساس این طرح دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است در دادگاههای بین المللی ضمن شکایت از صنعت سینما و تلویزیون آمریکا (هالیوود) به دلیل توهین به ملت و تاریخ ایران در تولیدات سینمایی، موضوع را تا حصول نتیجه پیگیری نماید."

این مقام مجلس شورای اسلامی توضیح داد: "هالیوود یک موسسه رسمی سینمای است که راستای اهداف کلی آمریکا در حرکت است، می تواند در دادگاههای آمریکا و حتی دادگاههای کشورهای که این فیلمها پخش می شود مورد بررسی قرار بگیرد."

وی افزود: "آمریکا از طریق مسائل تبلیغاتی، فرهنگی و هنری اقدام به ترور شخصیت ایرانیان، تاریخ و حتی تمدن مردم کشورمان می کند. در این راستا فیلمهای متفاوتی از جمله فیلم ۳۰۰ که به شدت ایرانی، فرهنگ ایرانی و اعتقاد مردم ایران را زیر سوال برده است، این اقدام آمریکا بر خلاف منشور حقوق بین المللی و بشر است."

یک افشاگر دیگر بر پرده سینما

"اسرار رسمی" که در نیویورک و لس آنجلس به اکران درآمده، بهترین فیلمی است که تا به امروز در مورد چگونگی آغاز جنگ عراق ساخته شده است. فیلم به طرز شگفت آوری منطبق بر حقیقت است، و به همین خاطر، به همان میزان الهام بخش، نوید دهنده، و خشم برانگیز است.

این فیلم طرح جاسوسی آمریکا از تمامی اعضای شورای امنیت و نیز از کشورهای خارج از شورا در سازمان ملل و افشای این طرح را به تصویر کشیده است.

وارونه جلوه دادن شورش دختر آبی

زینت میرهاشمی

رویدادهای هنری ماه (شهریور ۹۸)

بقیه از صفحه ۱۹



کنسرت به منظور حمایت از شهروندان و کنشگرانی برگزار شد که از اواخر ماه ژوئیه کارزار اعتراضی علیه قطع درختان به راه انداخته اند. این کمپین هزاران عضو دارد و فعالان آن شکوه می کنند که برای استخراج طلا در ارتفاعات "ایدا"، درختان بیشتری نسبت به طرح پیش بینی شده قطع شده.

هنرمند ترک از طریق توئیتر همگان را به حضور در این کنسرت دعوت کرده بود تا به جلوگیری از "قتل عام طبیعت" کمک کنند. او بعد از پایان اجرا گفت: "باید از گیاهان و جانوران حفاظت کرد تا چیزی هم برای نسلهای بعدی باقی بماند. ما باید برای حیات بکوشیم." سای قطعه ای را نواخت که ویژه این روز ساخته بود.

"رولینگ استونز" بر سنگهای سرد مریخ



این هم خبر جالبی است از ناسا که در ابتکاری تازه، یکی از سنگهای یخزده مریخ را "رولینگ استونز" نامگذاری کرد.

به گزارش سی ان ان، این خبر را "رابرت داوونی جونور"، بازیگر سرشناس، پیش از کنسرت گروه رولینگ استونز در "پاسادینا" کالیفرنیا اعلام کرد. "میک جگر"، خواننده این گروه، به جمعیت گفت: "ناسا چیزی را به ما داد که همواره آرزوی ما را داشتیم: سنگی به نام خودمان روی مریخ! باورم نمی شود! دلم می خواهد آن را به زمین بیاورم و روی طاقچه بالای شومینه قرار دهم."

در بیست و ششم ماه نوامبر سال ۲۰۱۸ وقتی که مریخ نورد "این سایت" بر سطح مریخ نشست، سنگی را حدود ۱ متر آن طرف تر غلتاند و به این ترتیب آن سنگ را به معنای واقعی به یک سنگ غلتان، یا "رولینگ استون"، تبدیل کرد. ناسا می گوید این نام رسمی نیست، چرا که اسامی رسمی و علمی مکانها و اشیا منظومه شمسی توسط اتحادیه بین المللی اخترشناسی تعیین می شود.

با این حال، نام رولینگ استونز بر نقشه های استفاده شده توسط دانشمندان ناسا ثبت شده است.

(منابع: رادیو زمانه صدای آمریکا، کانون نویسندگان ایران در تبعید، دویچه وله، یورو نیوز، خانه ملت، رادیو فردا، بی سی)

همه اینها انگشت اتهام را به سمت رژیم به عنوان مسؤل قتل این نوجوان نشانه گرفته است. رژیم مانند همیشه وقتی در برابر بی آبرویی خود کم می آورد، ماجرا را وارونه جلوه می دهد و پای دشمن را به میان می کشد. تیر اول کیهان شریعتمداری، بلندگوی ولی فقیه در روز شنبه ۲۳ شهریور، ۹ روز بعد از جان باختن سحر در بیمارستان، پیام تهدید همراه با خشونت

رویاهای جوانی و پرداخت بهایی چنین سنگین یعنی از دست دادن جان شیرین، برای خواسته ای انسانی از طرف سحر خدایاری، چنان شوک خشمگینانه ای به وجود آورد که تبدیل به موج تنفر جهانی از تبعیض و بی عدالتی پیرامون زنان در ایران شد. خودکشی در ایران به دلیل آسیبهای اجتماعی، از جمله فقر، ناامیدی، تحمیل فشارهای وارد شده از طرف پدر و



و سرکوب کسانی که به هر شکلی به خواست و علت مرگ دختر آبی توجه کردند، است. کیهان می نویسد: «سحر خدایاری را همانهایی کشته اند که برایش اشک تمساح می ریزند... پیشگیری از تکرار رخدادهای مشابه برخورد قاطع با ستون پنجم و پادوهای دشمن است.» البته این شیوه یادآوری شهادت زنده یاد آقا سلطانی است که در دروغگویی نوع شهادت وی رسوا شد. سخنگوی قوه قضائیه رژیم بی شرمه می گوید که سحر خدایاری در بازجوییها به اشتباه خود اعتراف کرده بود. این مرحومه در مراجع قضایی به هیچ عنوان محکومیت کیفری نداشته است»

خشم دختر آبی از میان شعله های آتش مرزها را در نوردید و تبدیل به خشمی جهانی شد. خشمی علیه وضع موجود، علیه ستمگری رژیم مردسالار ولایت فقیه، علیه تبعیض و بی عدالتی. اعتراض سحر خدایاری، در بدن سوخته وی نه تنها پایان نیافت بلکه سحر به چهره ای جهانی تبدیل شد. سحر نماد اعتراض به یک خواسته ساده انسانی، خواستی که زنان در تمام کشورها از جمله در افغانستان و عراق برخوردارند. بر این منظر، رژیم هر میزان تلاش کند نمی تواند تاثیر اقدام اعتراضی سحر خدایاری و تنفر جهانی نسبت به دیکتاتوری دینی را تغییر دهد.

فراسوی خیر ... یکشنبه ۲۴ شهریور

یا همسر و ... بیداد می کند. داده های آماری آنقدر فاجعه بار است که ارگانهای حکومتی هم از آن به عنوان سونامی خودکشی در ایران صحبت می کنند. اما خودسوزی از نوع سحر خدایاری خودکشی از نوع اعتراض و برای رهایی از رفتن به زندانی جهنمی و نداشتن امیدی به دستگاه حکومت برای شنیده شدن صدایش بود.

خودسوزی دردناک سحر، برای رژیم مرتجع مردسالار چالشی ایجاد کرد که تبدیل به یک بگو مگو در میان سرنشینان کشتی حکومت شده است. مجلس نشینانی که در شکل گیری و قوام و تداوم همه قوانین مردسالارانه موجود نقش داشته و همچنان نقش دارند در رابطه با مرگ سحر ژست اعتراضی به خود گرفتند. این بگومگوها نمایشی در برابر خشم و تنفر مردمی نسبت به کل حاکمیت است که تلاش می کنند خشم مردمی را مهار کنند تا شعبده بازی دیگری به نام انتخابات را با وعده عوامفریبانه برون رفت از جهنم موجود رقم بزنند.

از موضع گیریها تا برگزاری برنامه های توضیحی در صدا و سیمای حکومتی با موضوع «پرونده سحر خدایاری»، از فشار به پدر داغدار سحر برای بی اهمیت جلوه دادن اقدام اعتراضی دخترش و «روانی» معرفی کردن او تا شرکت برخی از پایوران حکومت در مراسم ترحیم وی، از تکذیب دادگاهی شدن و بریدن ۶ ماه حبس برای وی تا «روان پریش» نشان دادن او، هیچ صورت مساله را تغییر نداده است.

دختر جوانی برای یک خواست ساده که امنیت رژیم را هم به خطر نمی اندازد، مجبور به خودسوزی می شود.

زنان در مسیر رهایی (شهریور ۹۸)

اسد طاهری

آزادی شود. موضوع مرگ "دختر آبی" در شبکه های اجتماعی بازتابی وسیع داشته است.



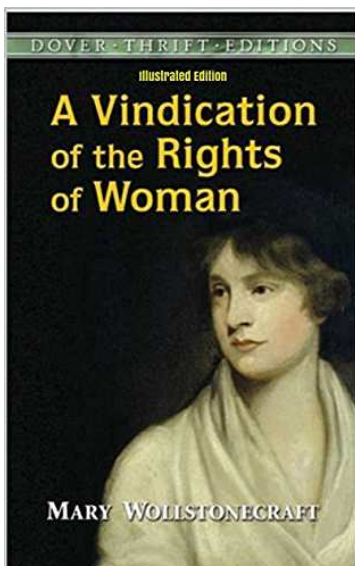
او دختری ۲۹ ساله و عاشق فوتبال بود که جان خود را به علت قوانین زن ستیزانه حاکم از دست داد. سحر خدایاری در اثر خودسوزی ۹۰ درصدی روز دوشنبه ۱۸ شهریور در بیمارستان درگذشت.

او به اتهام تلاش برای ورود غیرقانونی به استادیوم فوتبال در اسفندماه سال گذشته توسط مأموران انتظامی دستگیر اما مدتی بعد با پرداخت وثیقه آزاد شد. سپس به او گفته شد که به شش ماه زندان محکوم شده است. سایت "خبرآنلاین" پیش از آن خبر از "ممنوع الملاقات" بودن این دختر داده بود.

سحر روز ۱۱ شهریور در برابر دادگاه انقلاب خود را به آتش کشید.

فعالان حقوق بشر از واکنش توأم با تأخیر فیفا نسبت به منع ورود زنان به میادین ورزشی انتقاد کرده اند. آنها به ماده چهار قوانین فیفا مبنی بر مخالفت با تبعیض علیه زنان اشاره می کنند و خواستار مجازات ناقضان حقوق زنان از سوی فیفا و نهادهای بین المللی هستند.

نخستین فمینیست انگلستان



"مری ولستون کرافت" را "نخستین فمینیست انگلستان" خوانده اند. او حداقل یک قرن از زمان خود جلوتر بود، هر چند که نقش او در احقاق حقوق زنان تا ۱۹۶۰ در سطح وسیع به رسمیت شناخته نشده بود.

او در سال ۱۷۹۲ افکارش را در کتابی به نام "احقاق حقوق زنان" نوشت و چند سال بعد در سال ۱۷۹۷، در ۳۸ سالگی، پس از به دنیا آوردن دخترش درگذشت.

بقیه در صفحه ۲۲

رشته علوم سیاسی و دیپلماسی از دانشگاه فارغ التحصیل شد و به وزارت خارجه سودان پیوست. در این هنگام کار برای اسما در زمینه دیپلماتیک یک تابوشکنی بود، به ویژه برای زنان آن دوره جامعه سودان که هنوز از محدودیتهای اجتماعی فراوانی رنج می بردند تا آنجا که برخی از خانواده های سنت گرا اجازه تحصیلات عالی را به زن نمی دادند. بنابراین فارغ التحصیل شدن و کار دیپلماسی انتخاب کردن در اولویت بندی خانواده ها نبود و انتخاب این روش از سوی اسما در آن زمان شبیه یک ریسک و شاید یک ماجراجویی بزرگ بود.

اسما در دهه ۱۹۸۰ در سفارت سودان در نروژ خدمت می کرد و در دستگاه دیپلماسی کشورش درجه سفیر داشت، اما با قدرت گیری "عمر البشیر" اسلامگرا، از وزارت خارجه اخراج شد.

برگزاری نماز جماعت به امامت دو زن در پاریس



برای نخستین بار در فرانسه، روز شنبه ۷ سپتامبر/۱۶ شهریور دو زن که حدود ۱۰ سال پیش به اسلام گرویده اند، به عنوان امام جماعت (پیش نماز) در پاریس نماز برپا کردند.

"ایفا جنادین" و "آن صوفی مونسونای" دو زنی بودند که در یک اتاق اجاره ای پیشاپیش حدود ۶۰ زن و مرد که در کنار هم قرار داشتند ایستادند و نماز را اقامه کردند. در مراسم نماز آنها پوشیدن حجاب برای زنان هم اجباری نیست. بنا به دلایل امنیتی محل دقیق این مکان پنهان مانده است.

آن صوفی در گزارشی که روزنامه "لوپاریزین" منتشر کرد، به مخالفتها در این زمینه اشاره می کند اما می گوید که تشویقها به نسبت تهدیدها بیشتر بوده است.

جنادین مدرس رشته تاریخ است و مونسونای موسیقی آموزش می دهد. هر دو زن، حدود یک دهه پیش به اسلام گرویده اند و در سال ۲۰۱۸ موسسه ای را با نام "صدای اسلام روشنفکر" تاسیس کردند.

جنادین درباره هدف از این کار می گوید که باید تقاضا برای این شکل از اسلام سنجیده شود که به عقیده این زن می تواند "ایمان را با عقل و اندیشه انتقادی" آشتی دهد. او به روزنامه لوپاریزین می گوید: "ما برای ایجاد یک اسلام فرانسوی که سازگار با دستاوردهای مدرنیته است تلاش می کنیم."

این دو زن پس از این مرحله امیدوارند بتوانند یک اجازه دائمی را در این زمینه به دست آورند. آنها علاقمندند نام مسجد خود را سیمبرغ بگذارند.

هوادار فوتبال در اعتراض به حکم زندان خود

را به آتش کشید

سحر خدایاری یک هفته پس از خودسوزی در بیمارستان مطهری درگذشت؛ دختری عاشق فوتبال که تلاش کرده بود با لباس مبدل مردانه وارد استادیوم

گزینه "باکره" از فرم ازدواج در بنگلادش حذف شد



بر اساس رای دادگاه عالی بنگلادش از این پس زنان مجبور نیستند در فرم ثبت ازدواج "باکره بودن" را مشخص کنند.

دادگاه عالی بنگلادش رای داده که واژه ای معادل "ازدواج نکرده" جایگزین واژه باکره شود. در این فرم دو گزینه دیگر یعنی "بیوه" و "مطلقه" همچنان باقی مانده است. فعالان حقوق زنان استدلال می کنند که واژه "باکره" به نوعی تحقیر و توهین به زنان است. این گروه از رای دادگاه استقبال کردند.

از سوی دیگر، دادگاه اعلام کرد که از این پس داماد هم باید وضعیت تاهل خود را در فرم مشخص کند. فعالان حقوق زنان، قانون ازدواج در کشور بنگلادش که دارای اکثریت جمعیت آن مسلمان هستند را محدود کننده و تبعیض آمیز می دانند.

دختران بسیاری در این کشور در سنین خیلی پایین، مجبور به پذیرش ازدواجهای از پیش تعیین شده می شوند.

وکالی که از پنج سال پیش این درخواست را مطرح و در دادگاه آن را دنبال می کردند، استدلال می کنند که این واژه در فرم ازدواج باعث تحقیر زنان و نقض حریم خصوصی آنهاست.

برای نخستین بار یک زن وزیر خارجه سودان شد



نخست وزیر سودان از تشکیل نخستین دولت پس از برکناری حکومت اسلام گرای عمر البشیر خبر داد. در بین وزرای اعلام شده از سوی "عبدالله حمدوک"، نام "اسماء عبدالله" به عنوان وزیر امور خارجه به چشم می خورد. خانم اسما عبدالله نخستین زنی است که در سودان به این سمت می رسد. او همچنین دومین زن عرب است که به سمت وزیر خارجه منصوب می شود. غیر از او دو وزیر زن دیگر نیز در کابینه جدید معرفی شده اند.

وبگاه "النیلین" که به مسائل برجسته در سودان می پردازد، در باره این زن سودانی نوشت: "اسماء محمد عبدالله در اواخر دهه چهل میلادی در یکی از محله های قدیمی خارطوم متولد شد. او در سال ۱۹۷۱ در

زنان در مسیر رهایی

بقیه از صفحه ۲۱

مری ولستون کرافت معتقد بود توانایی استدلال در زنان و مردان یکسان است و هر دو باید حق آموزش داشته باشند؛ نظری که هم برای مردان هم برای زنان آن روزگار عجیب و غیرعادی بود. بهبود حقوق زنان در کشورهای غربی هنوز پدیده نویی است. واژه های فمینیست و فمینیسم، در دهه ۱۸۹۰ ساخته شدند. زنان حق بسیار مهم رای را در آمریکا در ۱۹۲۰، در بریتانیا در ۱۹۲۸ (تمام زنان)، در فرانسه ۱۹۴۴ و در سوئیس در ۱۹۷۱ به دست آوردند.

مثل همه کسانی که منطق و معیار زمان خود را به چالش می کشند، مری ولستون کرافت هم بهای سنگینی پرداخت. او مدام آماج توهینهای زن ستیزانه بود، برای مثال، "هوراس واپول"، یکی از شخصیتهای پر قدرت آن زمان، او را "کفتار زبردانی پوش" خوانده بود. این توهینها بعد از مرگ مری ولستون کرافت شدت پیدا کرد و چهره او تا دهه ها و حتی قرنهای بعد به طور مخدوش به تصویر کشیده شد.

اکثریت پذیرفته شدگان کنکور دختر هستند

مشاور عالی سازمان سنجش آموزش کشور گفت: از تعداد ۱۹۱ هزار و ۲۱۵ پذیرفته نهایی در کنکور سراسری ۹۸ دختران بیش از ۵۴ درصد قبولیها را تشکیل می دهند.

آزمون سراسری سال ۹۸ روزهای ۱۳ و ۱۴ تیرماه امسال با رقابت یک میلیون و ۱۱۹ هزار و ۴۱۱ داوطلب برگزار شد که از این تعداد ۸۳۲ هزار و ۲۸۹ داوطلب مجاز به انتخاب رشته شدند که ۴۵۳ هزار و ۳۲۷ نفر انتخاب رشته کردند و از این تعداد ۱۹۱ هزار و ۲۱۵ نفر به عنوان پذیرفته شده نهایی عصر روز شنبه ۲۳ شهریور ماه معرفی شدند.

حسین توکلی اظهار داشت: "از تعداد ۱۹۱ هزار و ۲۱۵ نفر پذیرفته شده نهایی در رشته های با آزمون کنکور ۹۸ تعداد ۱۰۴ هزار و ۱۲۳ نفر زن و ۸۷ هزار و ۹۲ نفر مرد هستند. به عبارت دیگر، ۵۴.۴۵ درصد پذیرفته شدگان را زنان و ۴۵.۵۵ درصد را مردان تشکیل می دهند."

وی افزود: "در میان گروههای آزمایشی، ریاضی و فنی دارای بیشترین میزان قبولی است و ۵۹ هزار و ۶۱۷ نفر پذیرفته شدند که از این تعداد ۲۱ هزار و ۷۵۷ نفر زن و ۳۷ هزار و ۸۶۰ نفر مرد هستند."

به گفته توکلی، در گروه علوم تجربی ۶۴ هزار و ۸۷۰ نفر پذیرفته شدند که از این تعداد ۳۸ هزار و ۶۴۴ نفر زن و ۲۶ هزار و ۲۲۶ نفر مرد هستند.

او همچنین خاطر نشان کرد: "در گروه علوم انسانی ۵۷ هزار و ۶۹۷ نفر پذیرفته شدند که از این تعداد ۳۷ هزار و ۳۸۹ نفر زن و ۲۰ هزار و ۳۰۸ نفر مرد هستند. در گروه آزمایشی هنر نیز چهار هزار و ۴۷۷ نفر قبول شدند که سه هزار و ۴۴۴ نفر زن و سه هزار و سه نفر مرد هستند." توکلی گفت: "در گروه آزمایشی زبانهای خارجی چهار هزار و ۵۵۴ نفر پذیرفته شدند که دو هزار و ۸۵۹ نفر زن و هزار و ۶۹۵ نفر مرد هستند."

عقب نشینی مقامات پاکستانی از حکم

استفاده اجباری از روینده

مقامات پاکستانی در ایالت "خیبر پختونخوا"، در شمال غرب این کشور، که حکم استفاده اجباری از روینده و پوشش کامل برای دانش آموزان دختر وضع کرده بودند، از آن عقب نشستند.

بنا به این حکم، دانش آموزان دختر در مدارس مجبور بودند از پوشش کامل و روینده استفاده کنند. مقامات دلیل وضع این حکم را "حوادث غیراخلاقی" عنوان کردند.

اعتراض به حکم اجبار استفاده از روینده در شبکه های اجتماعی باعث عقب نشینی مسوولان دولتی شد. معترضان از دولت خواسته اند به جای محدود کردن زنان، به برخورد با افرادی بپردازند که زنان را آزار و اذیت می کنند.

یکی از مسوولان آموزشی در ناحیه "حریرپور" گفته بود این تصمیم "ضروری بود تا از دانش آموزان دختر در برابر شمار رو به افزایش شکایتها از اذیت و آزار حمایت کند."

منتقدان در جواب می گویند این حکم به جای اینکه رفتار مردانی که زنان و دختران را آزار و اذیت می کنند هدف بگیرد، شیوه پوشش دختران و زنان را عمده می کند.

درگیری معترضان موافق سقط جنین با پلیس

اکوادور



خیابانهای "کیتو"، پایتخت اکوادور، روز سه شنبه ۱۷ سپتامبر/ ۲۶ شهریور صحنه درگیری میان پلیس و موافقان سقط جنین در این کشور بود.

این اعتراضات پس از آن آغاز شد که قانونگذاران اکوادور با امکان سقط جنین در وضعیتی که بارداری حاصل تجاوز جنسی باشد، مخالفت کردند.

سقط جنین در این کشور واقع در آمریکای جنوبی غیرقانونی است و تنها در دو حالت ممکن است: اگر زندگی زن باردار در خطر باشد یا بارداری نتیجه تجاوز به زنی باشد که دارای معلولیت ذهنی است.

حداقل سن ازدواج برای دختران در اندونزی

به ۱۹ سال افزایش یافت



پارلمان اندونزی، کشوری با بزرگترین اکثریت مسلمان جهان، حداقل سن ازدواج برای دختران را به ۱۹ سال افزایش داد. انتظار می رود این قانون جدید بتواند ازدواج کودکان در این کشور را مهار کند.

طبق بیانیه پارلمان اندونزی، نمایندگان به اتفاق آرا با اصلاح قانون فعلی ازدواج موافقت کردند. طبق قانون فعلی، حداقل سن ازدواج برای دختران ۱۶ سال و برای پسران ۱۹ سال است، در حالیکه والدین می توانند از دادگاه های مذهبی یا مقامهای محلی بخواهند اجازه ازدواج دختران کوچکتر را صادر کنند که در این موارد حداقل سن تعیین نشده است.

خبرنگار افغانستانی پس از تهدید به مرگ

مجبور به ترک کار شد

سریال دنباله دار تهدید و قتل خبرنگاران در افغانستان همچنان ادامه دارد. با افزایش تحرکات گروههای بنیادگرای اسلامی، به ویژه طالبان در این کشور، دایره فعالیت خبرنگاران و کارمندان رسانهها نیز تنگ تر می شود. در این میان بیشترین آسیب را زنان خبرنگار متحمل می شوند.

در ادامه این تهدیدها، این بار نازنین شفایی، خبرنگار شناخته شده و کارمند سابق نهاد رسانه ای "نی" یا "حمایت کننده رسانه های آزاد افغانستان"، به دلیل افزایش تهدیدها، دست از کار برداشته و خانه نشین شده است.

او نزدیک به ۹ سال به عنوان خبرنگار در رسانه های مختلف این کشور کار کرده است و سال گذشته نیز یکی از سه برنده جایزه "خبرنگار خلاق" افغانستان شده بود. شفایی می گوید: "تقریباً نزدیک به دو سال است که پیامهای زیادی از طریق شبکه های مجازی برای من ارسال می شود. در مسنجر فیس بوکم بارها برایم پیام آمده بود و تهدید شده بودم که "شما از یکطرف خانم هستید و از طرف دیگر خبرنگار؛ کار کردن یک خانم در جمع مردها حرام است و شما با کفار کار می کنید". من این پیامها را جدی نمی گرفتم و اهمیت نمی دادم."

نازنین ادامه می دهد اما پس از تهدید به قتل اعضای خانواده اش، او که آن زمان به عنوان سردبیر در یکی از آژانسهای خبری افغانستان فعالیت داشت، مجبور شد استعفا دهد. بیش از هشت ماه هیچ خبری از این زن شناخته شده و گزارشهای او در رسانه های افغانستان نبود.

او پس از یک دوره وقفه کارش را دوباره از سر گرفت، اما تهدیدها نیز دوباره آغاز شد. او می گوید: "این بار خیلی جدی تر از قبل تهدید می کردند. همین تهدیدها باعث شد که همکاری خود را با "نی" خیلی زود تمام کنم. فکر می کنم حالا که کارم را ترک کردم، مجبورم حتی کشورم را هم ترک کنم. هیچوقت علاقه ای به این کار نداشتم، اما به خاطر حفظ جان خودم و خانواده ام باید از اینجا بروم."

فیفا: زمان تغییر فرا رسیده

رییس فدراسیون جهانی فوتبال گفت امیدوار است که همزمان با نزدیک شدن مسابقات مقدماتی جام جهانی فوتبال، ایران به "وضعیت غیرقابل قبول" ممنوعیت ورود زنان به استادیومها پایان دهد.

"جوانی اینفانتینو" روز پنجشنبه ۲۸ شهریور در بیانیه ای گفت که اخیراً چند بار در مورد این موضوع با مسوولین فوتبال ایران تماس گرفته و هیات فیفا هم اکنون در ایران است.

آقای اینفانتینو افزود: "موضع ما کاملاً روشن و محکم است. در ایران زنان باید اجازه داشته باشند به استادیومها بروند."

رییس فیفا در بیانیه خود گفت: "ما درک می کنیم که برای اجرای صحیح و امن این مساله باید گامهایی برداشته شود و اقداماتی صورت بگیرد، ولی اکنون زمان تغییر فرا رسیده و فیفا همزمان با اولین مسابقه خانگی تیم ملی ایران در ماه اکتبر خواستار تغییرات مثبت است."

تیم ملی ایران در چارچوب مسابقات مقدماتی جام جهانی ۲۰۲۲ روز دهم اکتبر با تیم ملی کامبوج در استادیوم آزادی بازی خواهد کرد.

برخی از فعالین حقوق زنان فیفا را تحت فشار قرار داده و می گویند عالی ترین نهاد جهانی فوتبال به حد کافی به رژیم ایران فشار نمی آورد.

(منابع: بی بی سی، ایرنا، ایران وایر، دویچه وله، بهارنیوز، رادیو فردا، یورونیوز)

نگاهی به وضعیت بحرانی آب در ایران و جهان (بخش اول)

محمد کاشفی

بلکه شرایط محیط زیست، منابع آبی، گونه های گیاهی و جانوری تهدید کشور به حساب می آید.

*عبدالرحمن طوطیایی می گوید: اساسا آب متعلق به بخش کشاورزی است. ما آب را برای این می خواهیم که بخش کشاورزی در هر زمانی بتواند غذای یک جامعه را تولید کند. در این میان، بخش کشاورزی باید به خاطر از بین رفتن منابع آب شاکی باشد نه متهم. اینکه گفته می شود کشاورزی ۹۰ درصد آب قابل دسترس کشور را مصرف می کند، به دلیل این است که مدیریت منابع آب تقسیم درستی ندارد. مدیریت منابع آب باید از گذشته و در یک مدیریت آگاهانه، خطرات را پیش بینی می کرد.

فعالان محیط زیست قربانیان بازیهای امنیتی

اطلاعات سپاه

در یکمین سالگرد درگذشت شریف باجور، ققنوس جنگلهای زاگرس کردستان، جنگلهای قره داغ آذربایجان هم آتش گرفته و آتش سوزی در جنگلهای گچساران به ۹۰هکتار اراضی خسارات زده است. دولت رسمی کشور می گوید حریف کسانی که ۸ فعال محیط زیست را ۵۷۶ روز است در بازداشت موقت نگه داشته اند نمی شود و خواستار آن است که رسانه ها درباره آنان چیزی ننویسند. «کتایون رجبی»، خواهر «سام رجبی» که ساکن آلمان و یکی از معدود کسانی است که هنوز درباره وضعیت بردارش و دیگر بازداشت شدگان پرونده صحبت می کند، توضیح می دهد: نیلوفر و سپیده که در اعتراض به بازداشت موقت و غیرقانونی خود و با هدف رسیدن به خواسته های مشخصی از ۱۲ تا ۲۰ مرداد اعتصاب غذا کرده بودند، با وعده قبول برخی از خواسته های شان، به اعتصاب خود پایان دادند. به عنوان یک انسان پرسشگر می خواهم بدانم چرا طبیعت میهن ام به آتش حوادث سپرده شده است و فعالان محیط زیست دستگیر و زندانی می شوند؟ با هم سری بزیم به حوادث اتفاق افتاده در مورد فعالان این عرصه و پیگیری اتفاقات باشیم:



طاهر قدیریان از جمله فعالان محیط زیست زندانی در اوین است. مادر او در ملاقاتی که با وی داشت، خبر بیماری کبدی او را اعلام کرد و گفت پسر من می گوید: در این چهار دیواری بسیار کوچک هیچ آزادی ندارم و ۱۹ ماه است اینجا هستم و عصبهای چشمم کارایی اش را دارد از دست می دهد و دیگر تقریباً نمی توانم جایی را نگاه کنم، از بس جایی را ندیده ام. من الان ۱۹ ماه است شب و ماه و ستاره ها را ندیده ام.

لازم به ذکر است طاهر قدیریان به همراه چند فعال دیگر، ماهها است به اتهاماتی همچون «جاسوسی» در زندان به سر می برند.

(منابع: کتاب هیدرولوژی مهندسی منابع آب، مهر، ایرنا، سرمایه داری و تخریب محیط زیست_ نوشته جک بارنز، مستند مادرکشی، نگاهی آسیب شناسانه به وضعیت حکمرانی آب در ایران، کانال تلگرام آگاهی مردم)

عبدالرضا رحمانی فضلی، وزیر کشور رژیم سال گذشته گفته بود که اگر خشکسالی ادامه پیدا کند تا پنج سال دیگر "چهره ایران از همه نظر تغییر خواهد کرد و کشور در ۱۰ سال آینده با فاجعه ای بزرگ مواجه خواهد شد." تغییر نظام بارشها و عوامل طبیعی تاثیر گذار بر کاهش منابع آبی و بی برنامهگی در بخشهای مختلف آب کشور در چهار دهه گذشته دست به دست هم داده تا کشور را به سمت بحران کم آبی سوق دهند.

شاخصهای علمی متعددی در دنیا برای سنجش بحران آب وجود دارد که بر اساس معتبرترین آنها ایران در وضعیت بحران کم آبی قرار دارد و در آینده ای نه چندان دور این وضعیت بدتر نیز خواهد شد.

لذا با توجه به وضعیت یاد شده اگر همین موجودی آب کشور به طور علمی و با استانداردهای روز دنیا مدیریت نشود آخرین فرصتها نیز از دست خواهد رفت و روزی فرا می رسد که اگر همه نفت و گاز کشور را هم هزینه کنیم قادر به تامین حتی آب شرب نخواهیم شد. به علت خشکسالی های سنوات گذشته و تأثیرات سوء آن بر آبخوانها که باعث تخلیه حجم بزرگی از ذخایر منابع آب شده، باید گفت که میزان بارندگیهای یک ساله به هیچ وجه نمی تواند کاهش چندین ساله حجم آب آبخوانها را جبران نماید.

خطر بحران آبی که امروزه کشور را تهدید می کند بیشتر از مجموع خطرات بلایای طبیعی است که در کشور اتفاق می افتد و همه کارشناسان کشور بر وقوع بحران آبی کشور اتفاق نظر دارند و سالهاست که زنگ خطر را به صدا در آورده اند.

وزارت نیرو که مسئول تامین و توزیع آب کشور است در بخش توسعه منابع آب طی سالهای گذشته عادلانه عمل نکرده و در بسیاری موارد عملکردش جانبدارانه بوده است.

در ارتباط با محدودیت منابع آب باید گفت: در حال حاضر در داخل کشور، محدودیت منابع آب در سفره های آب زیر زمینی تجدد دارد و باید خودمان را به گونه ای تطبیق دهیم که بتوانیم میزان برداشت از سفره های آبی، به ویژه آنها که در شرایط بحرانی تر قرار دارند را مدیریت کنیم و هدر رفت منابع را به حداقل برسانیم. مطالعات ضعیف، انتخاب پیمانکاران ناتوان، نظارت ضعیف تر و طولانی شدن زمان اجرای پروژه ها در سالهای گذشته از مواردی است که باعث گردیده اهداف تعداد زیادی از پروژه های آب به طور کامل تحقق نیابد و موجب هدر رفت بخش زیادی از اعتبارات و زیانهای جبران ناپذیر به بخش کشاورزی و صنعت کشور شود. به دلایل پیش گفته، مدیریت آب در کشور در عمل دچار مشکلات اساسی است که در زیر فقط برای وارد شدن به این مقوله به چند نمونه بسنده شده است.

*تجمع اعتراضی اهالی روستاهای قلعه گنج در برابر استانداری کرمان در اعتراض به نداشتن آب شرب سالم و وعده و وعیدهای پوچ مسئولان که سالهاست اجرایی نشده است. تعداد زیادی از ساکنان روستاهای قلعه گنج کرمان به دلیل نبود آب شرب سالم به مناطق دیگر مهاجرت کرده اند و تعدادی هم دچار بیماریهای سخت کلیوی و گوارشی شده اند.

*معاون آبخیزداری اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری لرستان گفت: بیش از ۷۰۰ چشمه، سراب و قنات در این استان خشک شده که تنها اجرای عملیات آبخیزداری می تواند مشکل را برطرف کند.

*رئیس سازمان حفاظت محیط زیست گفت: امروز نه آمریکا و نه اسرائیل تهدیدی برای سرزمین ما نیستند

انسان از بدو پیدایش خود همواره برای زنده ماندن طبیعت را به سود خود تغییر دهد. برای کسب موفقیت در این تلاش هر فردی باید بر نیروی عده زیادی از مردم یا بر روی گروه و جامعه متکی باشد. هیچکس به تنهایی نمی تواند طبیعت بهتری برای زیست سامان دهد.

اگر تنوع زیستی از بین برود، ما هم از بین خواهیم رفت .

شعار اسمال سازمان ملل متحد مقابله با تغییرات آب و هوا است. جنگها و تولید انواع سلاحهای کشتار جمعی به ویژه سلاحهای شیمیایی از مهم ترین علل نابودی فضای سبز و منابع حیاتی جهان است .

روز جمعه ۲۰ سپتامبر ۲۰۱۹، با تلاش و فراخوان دختر ۱۶ ساله سوئدی، در دفاع از محیط زیست اکسیونهای در سوئد و کشورهای غربی سازماندهی شد. گرتا تونبری، دختر ۱۶ ساله سوئدی فعال محیط زیست در سخنانی در کنگره آمریکا در روز ۱۸ سپتامبر ۲۰۱۹، بر این تاکید کرد که سیاست مداران و دولت مردان جهان باید به دستاوردهای علمی در زمینه تغییرات اقلیمی و زیست محیطی توجه کنند. او گفت: به من گوش ندهید، به دانشمندان گوش بدهید و پشت دانش با هم متحد شوید .

مشکل جهانی آب

حجم آب در کره زمین ثابت و در مداری بسته به طور دائم در حال گردش است. تنها ۳ درصد از کل آبهای کره زمین برای مصارف انسانی مانند کشاورزی، صنعت و شرب مناسب و شیرین است. از این مقدار نیز سه چهارم در یخهای قطبی و خارج از دسترس انسان است. بنابر این درصد بسیار کمی از آب دنیا برای ما قابل استفاده است.

پیش بینی محققان دانشگاه کلرادو، حاکی است که ذخائر آب شیرین جهان هر سال کاهش می یابد و تا ۲۵سال دیگر نیمی از جمعیت جهان با مشکل کمبود آب شیرین مواجه خواهند بود. مطالعات نشان می دهد که اکنون یک سوم جمعیت دنیا در نقاطی زندگی می کنند که آب کافی ندارند. در نواحی روستایی وضع به مراتب وخیم تر است. تنها ۲۹درصد مردم به منابع آب دسترسی دارند و تعداد کسانی که از تاسیسات بهداشتی استفاده می کنند، حتی به ۱۳درصد هم نمی رسد.

مجمع عمومی سازمان ملل متحد یادآور می شود که نیمی از مردم جهان سوم حتی برای نوشیدن به آب پاکیزه دسترسی ندارند و باید بدانیم که سه چهارم بیماریهای انسانی به دلیل فقدان آب سالم است و بنابراین ۷۵ درصد مردم جهان سوم از داشتن آب بهداشتی محروم اند.

بر پایه تخمینهای سازمان بهداشت جهانی، ۸۰ درصد بیماریهایی که گریبان گیر انسان است، مستقیماً با آب در ارتباط هستند.

فاجعه بحران آب در ایران

نقشه های رسمی نشان می دهد که ایران تبدیل به کشوری خشک و کویری شده است. بی آبی و خشکسالی ایران ناشی از نبود مدیریت و تاراج آب به مناطق مرکزی ایران است.

در واقع خشکسالی ایران، از یک مشکل زیست محیطی به بحرانهایی اقتصادی، اجتماعی و امنیتی تبدیل شده و در سالهای پیش رو به دلیل چند دهه رهاشدگی، به پیچ خطرناک تنش اجتماعی و اکولوژیکی اش رسیده است.

۷ شعر از:

ولادیمیر مایاکوفسکی، توماس استرنز الیوت، محمود درویش، یانیس ریتسوس، خواتو کابرا ل دملونتو،
یانوش پلینسکی، شیر کو بی کس

برگردان: امید آدینه

به مرثیه خوانِ بادها و نام‌ها می

سپارد

و آرام می‌گیرد

یانوش پلینسکی

تقدیم به جانِ فدا ناصح مردوخ
- که صدایی نا سوز و استوار داشت -

مگر چه می‌خواهم از وطن؟
جز گهواره و گندم
و اندک خیالی خیس با طعمِ تردِ

کوهستانها

چه می‌خواهم من؟

جز تکه‌ای نان و آفتاب و آرامش
جز بارانی که آهسته و نرم می‌بارد
و آن پنجره:

که سمت بوسه و چراغ
گشوده می‌شود
و آینه وار...

مرا می‌طلبد

مگر من چه می‌خواهم از موطن‌ام؟

که همچون کوجه ای برفرازِ خاطره و ابر
یا چنان پرنده ای در قفس
از من دریغ‌اش می‌کنید!

و حسرتِ نور و لبخند و آواز را
بر شانه‌هایم می‌نشانید

و این گونه است:

که طاقها و دروازه‌ها می‌گیرند

اشکها می‌رویند

و کودکان و آوارگان، میانِ مسلخ و مرگ
پرسه می‌زنند

می‌روند مهتاب و رویا بی‌اوراند

چه می‌خواهم از وطن؟

شمایان که لهجه‌ی اهریمن دارید: بگویید:

خستگی‌های من

طلوع کدام راز دانه و فاجعه است

زخمها و رنجها و آندوه یاران

حوالی کدامین ستاره خواهد شکفت

آری

شمایان که فریادها و بغضها را

نجوایی مختصر می‌پندارید:

بگویید:

سهام من از موطن‌ام چیست!

آه ممنوع من... میهن تلخ

ای سرزمین حماسه‌های بی‌نام در نهایت دیوارهای
خاموش

تا میعاد در حوادث: بدرود

تا اوج مشعلها و ابدیت یک چهره

بدرود

شیرکو بی کس

به مناسبت قتل عام زندانیان سیاسی
(در تابستان سال ۱۳۶۷)

کسی میان این گورستان عاصی و آفسرده
خواب نیست!

زیرا هیچ رودخانه ای

بر بستر رودی دیگر

آرام نخواهد گرفت

اینجا شهیدان

با کفن و تابوت

به خاک نرفته‌اند

و تنها زمان مدفون است

رفیقان بذرهای همیشه ماندگار اند:

لمبیده در گهواره‌ی زمین،

و عربان در برابر آفتاب و باران و سایه‌های بی‌عبور
آری یاران

به وقت سنگر و ستاره

باز خواهند گشت

و با بال‌های تلخون‌شان

عشق و حماسه را

تکرار خواهند کرد ...

خواتو کابرا ل دملونتو

می‌بینی؟

وحشت و رویا

پدر و مادر هستند

و حیاط خانه‌مان

موطن‌ام را وسعت می‌دهد!

گوی قدم‌گاه‌اش

رویش اساطیر و انجمن ترانه‌های قدیمی

ست

می‌شنوی؟

من این چنین زیسته‌ام

-پوچ و بیهوده-

اینک چرا باید بمیرم

و نقطه چین پایان و پرواز

چگونه معمایی خواهد داشت

نگاه کن:

زمین در آغوش جهان خیانت می‌کند

و شبیه دلکی پیر مزاج

قهقهه می‌زند و

از خلوت قابهای بی‌فصول

از غیاب یک یقین ساده لذت می‌برد

گوش کن:

سراسر ارواح و اشیاء

و نیز خدایان و کلمات

افسون یا بطالت‌اند

زیرا آدمی!

عرصه تراش جاودانه‌هاست

خواب می‌بافد و

کابوس می‌ریسد

و این گونه:

خلسه‌های پیکر‌اش را

غم‌گین‌ام

چونان پیرزنی

که آخرین سربازی که از جنگ

بر می‌گردد

فرزند‌اش نیست

ولادیمیر مایاکوفسکی

و هرکسی

به نوبه‌ی خود

زندانی را تأیید می‌کند

و هرکسی

در زندان خود

به کلید می‌اندیشد

توماس استرنز الیوت

آی نگیانها

وقت ارغوان است

خسته نیستید از جستجوی عطر و نور

در سفره‌های ما

آی جمجمه‌های رسالت‌پیشه

هنگامه‌ی طنین نواز شهاست

خسته نیستید از توقیف بوسه و گل‌های سرخ

آخ...

نفرین تان باد ای جلدان متروک سرشت

محمود درویش

دهانی که می‌گوید دوست‌ات می‌دارم

چه شکلی دارد؟

دست‌هایی که طرح آغوش می‌سازند

به چه رنگ است؟

آری

هیچ چیز و هیچ کس یادمان نیست

فقط صدایی روشن در شبی زلال را

به خاطر می‌آوریم!

صدایی که می‌نواخت صلح

و می‌گفت آزادی...

یانیس ریتسوس

کارورزان سلامت (شهریور ۹۸)

امید برهانی

مستاجر بوده و دارای مشکلات متعدد معیشتی می باشد که بی نظمی بیمه ها در پرداخت تعهدات شان در این مساله تاثیر گذار است.

عزتی وجود شیفتهای اجباری را تایید کرد و گفت: "این موضوع در برخی از بیمارستانها به دلیل اینکه نیروهای موجود آنها کمتر از حد استاندارد است، رخ می دهد و بیمارستانها به ناچار برای پرستاران شیفت اجباری قرار می دهند. از طرفی بیمارستانها برای پرستاران زیر مجموعه دانشگاه علوم پزشکی تا ۱۷۵ ساعت و برای پرستاران شرکتی ۱۲۵ ساعت می توانند اضافه کاری قرار دهند."

وی مدعی شد: "البته برخی از پرستاران برای این اضافه کاری ها نیز تقاضا دارند و تعداد آنهايي که با اضافه کاری و شیفتهای فوق العاده موافق نیستند، اندک می باشد."

کمبود پرستار در بیمارستان گناوه بیداد می کند

بنابر گزارشهای رسیده از پرستاران بیمارستان گناوه، در بخشهای داخلی جراحی مردان و زنان قبلا در صورتی که تعداد بیماران از ۱۳ یا ۱۴ نفر فراتر می رفت، پرستار آنکال به عنوان نفر سوم فعال می شد تا نسبت پرستار به تخت بیش از حد کاهش نیابد، اما در حال حاضر به دلیل ریزش نیروهای پرستار، دیگر آنکالی پرستار سوم حذف شده و به هر تعداد بیمار که در بخش باشد یا پذیرش گردد، باید همان دو پرستار شیفت با آن تا پایان شیفت بگذرانند.

یکی از پرستاران می گوید: "در بخش ICU و در تمام شیفتهای هر پرستار باید سه بیمار بستری ICU را مراقبت کند. در حالی که اگر فردی در ICU کار کرده باشد و از شب تا صبح با بیمار DKA و استروک و ترومایی دست و پنجه نرم کرده باشد میدانند که یک پرستار و سه بیمار بخش ICU چقدر در حد خود نوبر است!"

دو مطالبه اصلی پرستاران

عضو نظام پرستاری تبریز با اشاره به مطالبات پرستاران گفت: "خواستار جامعه پرستاری اجرای تعرفه گذاری خدمات پرستاری است که حدود ۱۱ سال از تصویب آن در مجلس شورای اسلامی می گذرد، اما متاسفانه اراده ای از سوی وزارت بهداشت برای اجرای آن وجود نداشته است." به دلیل اجرا نشدن تعرفه رقیه ابراهیمی ادامه داد: "به دلیل اجرا نشدن تعرفه گذاری برای پرستاران، خدمات توسط پرستاران ارائه اما به نام پزشکان ثبت می شود و هزینه به جیب آنان ریخته می شود."

عضو نظام پرستاری تبریز خاطر نشان کرد: "اگر این قانون اجرایی شود، هم به نفع بیماران خواهد بود زیرا هزینه کمتری پرداخت می کنند و هم به نفع پرستاران است، زیرا هزینه خدماتی که ارائه می دهند به آنان پرداخت می شود و همچنین به نفع پزشکان نیز خواهد بود زیرا شرح وظایف آنان نیز مشخص می شود."

وی بازنشستگی پیش از موعد و عدم اجرای قانون مشاغل سخت و زیان آور را یکی دیگر از مطالبات جامعه پرستاری نامید و گفت: "با توجه به این که پرستاری جز مشاغل سخت و زیان آور محسوب می شود، اما متاسفانه این قانون برای آنان اعمال نمی شود و پرستاران پیگیر این موضوع نیز هستند."

بقیه در صفحه ۲۶

در هفته های گذشته، اعتراض جامعه پرستاری مشهد به فراموشکاری مجموعه مدیریتی وزارت بهداشت، به استانداری خراسان کشانده شد. پرستاران مشهدی می گویند دیگر از جلسات طولانی و کشدار و امروز و فردا کردن خسته شده اند.

فاطمه بحرینی (عضو هیات مدیره سازمان نظام پرستاری مشهد و رییس خانه پرستار استان خراسان رضوی) در این رابطه می گوید: "جامعه پرستاری مشهد حدود پنج سال قبل نارضایتی خویش را به نمایش گذاشت به امید اینکه فرجی حاصل شود و به خواسته های حداقلی خود دست یابد، اما افسوس و دریغ از یک اتفاق مثبت."

وی ادامه می دهد: "متاسفانه دانشگاه و وزارت متبوعه وقت، اقدام به خریدن زمان و به فراموشی سپردن مطالبات کردند. این فراموشکاریها در خاطره جمعی ما پرستاران ماند تا اینکه در دوازدهم مرداد ماه سال جاری، صدای تظلم خواهی خود را به گوش نهادی دیگر رساندیم: استانداری خراسان رضوی."

بحرینی تاکید کرد: "مطالبات به حق جامعه پرستاری بسیار شفاف و واضح است و فرصت برای اجرای قوانین نیز مشخص و محدود. لذا از هیات امنای دانشگاه علوم پزشکی مشهد خواستار هرچه سریعتر اجرا شدن قوانین بدون فوت وقت هستیم تا نارضایتی جامعه پرستاری بیش از این اوج نگیرد."

قوانین پرستاری شامل فوریتهای پزشکی نمی شود

عضو نظام پرستاری کاشان با اشاره به مشکلات پرسنل اورژانس ۱۱۵ و فوریتهای پزشکی گفت: "با توجه به این که فوریتهای پزشکی و اورژانس ۱۱۵ جز گروه پرستاری هستند، اما متاسفانه از برخی قوانین پرستاری برخوردار نبوده و این مهم باعث ایجاد نارضایتی در بین آنان شده است."

علی باغبانی افزود: "از جمله آنها دارای سهمیه در سازمان نظام پرستاری نیستند و نمی توانند در انتخابات این سازمان صنفی مشارکت داشته باشند. مشکل دیگر، جذب آنها در مراکز درمانی دولتی و خصوصی است. این پرسنل تنها برای اورژانس پیش بیمارستانی تربیت شده اند که ورود آنها به مراکز درمانی ممکن است خطرآفرین باشد."

کارانه پرستاران ۱۵ ماه است که پرداخت نشده

مدیر پرستاری دانشگاه علوم پزشکی مشهد گفت: "پس از تجمع پرستاران در مقابل استانداری خراسان رضوی، برخی از مشکلات آنها برطرف شد، اما در موضوعاتی نظیر پرداخت کارانه و شیفتهای آنها همچنان مسائلی وجود دارد."

محمد حسن عزتی تصریح کرد: "در حالی که اضافه کار پرستاران در پایان هر ماه باید به موقع پرداخت شود، اما اضافه کار مرداد ماه آنها باوجود گذشت ۶ روز از شهریور ماه هنوز پرداخت نشده است. از طرفی در موضوع پرداخت کارانه نیز حدود ۱۵ ماه است که مطالبات پرستاران پرداخت نشده و کارانه فروردین ماه سال گذشته آنها به تازگی پرداخت شده است، در حالی که اغلب پرستاران

پرستاران شرکتی امنیت شغلی ندارند

احسان فرهاد ملاشاهی، کارشناس پرستاری، با اشاره به مشکلات پرستاران شرکتی گفت: "پرستاری جزو مشاغل حاکمیتی است و پرستاران باید به شکل دائمی استخدام شوند، اما متاسفانه در حال حاضر آنها به واسطه شرکتیهای به استخدام درآمده که مشکلات متعددی را در برداشته است. وی برای مثال افزود: "دستمزد و مزایای پرستاران شرکتی بسیار پایین تر از پرستاران رسمی است و شرایط قراردادی این پرستاران نیز به گونه ای است که حق هیچ اعتراضی را نداشته و اگر بخواهند دست به اعتراض صنفی بزنند، به راحتی در معرض اخراج قرار می گیرند."

ملاشاهی ادامه داد: "اجرا نکردن طرح رتبه بندی، دستمزدهای پرستاران شرکتی را علیرغم دارا بودن مدارک دانشگاهی، بسیار پایین نگاه داشته است و کارانه آنها با اختلاف زمانی طولانی تر نسبت به سایر پرستاران پرداخت می شود."

وی گفت: "پرستاران شرکتی با توجه به مشکلات و موانع خدمتی با مشکل عدم امنیت شغلی نیز دست به گریبان بوده و شرکتها به راحتی می توانند قرارداد خود را با پرستاران فسخ کنند."

ضرب و شتم سوپروایزر بیمارستان

الیگودرز

رییس نظام پرستاری الیگودرز گفت: "طی یک ماه گذشته چندین مورد ضرب و شتم و خشونت علیه پرستاران اعلام شد و متاسفانه این بار نیز سوپروایزر بیمارستان الیگودرز که عضو نظام پرستاری الیگودرز نیز هست، مورد ضرب و شتم همراه بیمار قرار گرفت."

دکتر آرزو شهسواری توضیح داد: "دوشنبه شب چندین مصدوم تصادفی به بیمارستان الیگودرز اعزام می شوند و آقای کرمی نژاد، سوپروایزر بیمارستان، خدمات درمانی را به یکی از بیماران که ۳۲ سال سن داشته ارایه می دهد، اما متاسفانه بیمار به دلیل خون ریزی مغزی فوت می کند."

وی ادامه داد: "در ساعت ۶ صبح خبر فوت بیمار ۳۲ ساله به همراهان آنان داده شده و یکی از همراهان به دلیل شدت ناراحتی به کرمی نژاد حمله ور شده و به واسطه چند تن دیگر از همراهان، وی را مورد ضرب و شتم قرار می دهند."

وی یادآور شد: "این همراه با شکستن شیشه به سمت کرمی نژاد حمله ور شده و با وساطت سایر پرستاران و همراهان بیماران جدا شده و با شیشه خود را مضروب کرده و رییس بیمارستان، حراست و نظام پرستاری الیگودرز این موضوع را پیگیری خواهند کرد."

شهسواری افزود: "یکی دیگر از مشکلات پرستاران این است که نیروهای انتظامی به دید شخص به شخص به این گونه اتفاقات نمی نگرند و به دنبال رفع این گونه ماجراها با کدخداهایی هستند و ورود جدی به این ضرب و شتمها ندارند و بنابراین پرستاران هیچ گونه امنیت جانی و شغلی در محل کار خود ندارند و انگیزه ارائه خدمات را از دست می دهند."

"از امروز و فردا کردنها به ستوه آمده

ایم"

کارورزان سلامت (شهریور ۹۸)

بقیه از صفحه ۲۵

تصویر یک چشم انداز هولناک
در حکم زندان اسماعیل بخشی

منصور امان

شوش، بلکه به خطری سراسری تبدیل می کند که می تواند چنان جرقه به خرمن اعتراضات بیافتد و به حرکت های اعتراضی قشرهای گوناگون که پهنه گسترده ای از کشور را از شهر تا روستا پوشانده، کیفیت و توان تازه ای ببخشد. تشکل یابی صنفی و سازمان یافتگی مبارزاتی و اعتراضی بخشهای کوچک یا بزرگ جامعه، معنای دیگری جز فراهم آمدن پتانسیل حرکت های همه گیر و سراسری ندارد؛ امری که ارتباطات اینترنتی و شبکه های اجتماعی آن را به گونه چشمگیری ساده و همگانی کرده است. در همان حال که ماشین فریه سرکوبی می تواند صدای اعتراض جداگانه و مقطعی در یک

در احکام جنون آمیز دستگاه قهر قضایی حاکمیت علیه هفت کارگر و فعال کارگری آنچه که به سخن درآمد، حاصل جمع تدبیرها و راه حل های رژیم در مانده و در تنگنا برای رویارویی با بحران اقتصادی و برخورد با وخامت روزافزون شرایط معیشتی اکثریت جامعه است. با غل و زنجیر ۱۴ سال زندان برای اسماعیل بخشی، سخنگوی کارگران دلیر هفت تپه، ۱۹ سال برای سپیده قلیان و ۷۸ سال برای پنج کارگر و کوشنده کارگری، رژیم ولایت فقیه کمر به حذف مطالبات و اعتراضات همه گیری بسته که نه می تواند و نه منافعی اجازه برآوردن و پاسخ دادن به آنها را می دهد.



کارخانه، مدرسه، دانشگاه، بیمارستان و بازار را خاموش کند، اما در برابر حرکت های سراسری که رهبری می شوند و انرژی خرد متمرکز جمعی گامهاشان را به جنبش درمی آورد، سلاح "نظام" ناکارا و ظرفیت رویارویی آن محدود و به شدت فرسایش یابنده است. خیزشهای دی ماه ۹۶ اگرچه سازمان یافته نبود، اما ویژگی سراسری بودن آن به تنهایی برای آشکار ساختن و نمایش این واقعیت کافی بود.

با نگاه به این چشم انداز هولناک است که احکام رسوا علیه اسماعیل بخشی و شش کارگر و کوشنده کارگری نوشته و صادر می شود. پروسه تشکل یابی اقشار معترض جامعه آغاز شده و خرده فرمایشات "نظام" در مانده هیچ تغییری در آن نمی دهد. معلمان، کامیون داران و بازاربان بیشتر این واقعیت را به رخ حاکمیت کشیده اند. آقای خامنه ای و همدستانش همانگونه که نتوانسته اند صدای اعتراضات موجود را خاموش و مانع شکل گیری اعتراضات جدید شوند، به همین گونه هم نخواهند توانست سدی در برابر جوشش و برآمدن ضرورت مزبور در این آتشفشان شوند.

فراسوی خبر... چهارشنبه ۲۰ شهریور

آنچه که از چشم حاکمان ج.ا، کارگران هفت تپه و کوشندگان را سزاوار کوفتن چماق سنگین دستگاه قضایی - امنیتی بر جان و تن شان ساخته، فقط به چالش کشیدن شرایط تحمل ناپذیر و غیر انسانی حاضر نیست؛ جرم نابخشودنی و عذرناپذیر اسماعیل بخشی و همرنجان او در هفت تپه، پا گذاشتن به میدان به گونه متحد و یکصدا است. آنها شکایتها، اعتراضها و چاره چوپیمایشان را در یک ظرف ریخته اند و در برابر بیداد سازمان یافته، به طور متشکل سینه سپر کرده اند. آنان در برابر ستمکاری بی وقفه، ایستادگی پیوسته ای را به میدان آورده اند که از دل وحدت مبارزاتی در رای و عمل می جوشد.

"نظام" با لشکر کارفرمای فاسد و عواملش، دستگاه های اطلاعاتی، نیروهای پیاده نظام سرکوب، دادگاه ها و شلاق و دوربین شکنجه، در هفته تپه کارگران گرسنه ای را در برابر خود می یابد که پراکنده نیستند، پایان یک حرکت اعتراضی یا نیروی ضد شورش و چماق بدستان حکومتی متفرق شان نمی کند، طرحها و نقشه های حاکمیت را می خوانند و خود طرح و نقشه "نان، کار و اداره شورایی" را در آستین دارند.

این ویژگی، اسماعیل بخشی، کارگران شرکت کشت و صنعت هفت تپه و پشتیبانان آنها را نه فقط به یک تهدید موضعی در هفت تپه و

سه شیفت کاری و نبود امنیت جانی سهم پرسنل

اورژانس

نایب رئیس نظام پرستاری مردن و جلفا گفت: "به دلیل کمبود نیرو در پایگاه های اورژانس، پرسنل می بایست سه شیفته به ارائه خدمات بپردازند.

مهدی علی بیگی همچنین با بیان این که فوریت های پزشکی مشکلات متعددی را علاوه بر مشکلات سایر پرستاران دارند، اظهار داشت: "برای مثال هزینه ایاب و ذهاب به فوریت های پزشکی شهرستانها پرداخت نمی شود. کارانه پرسنل اورژانس نسبت به سایر پرستاران با توجه به سختی کار و عدم امنیت جانی، پایین تر است. وی افزود: "کمبود نیرو در پایگاه های اورژانس در شهرستانها افزایش داشته. نیروهای اورژانس علاوه بر موظفی و اضافه کار می بایست ۱۷۵ ساعت شیفت خارج از شمول داشته باشند، بنابراین پایگاه های تازه تاسیس شده نیاز به نیروی بیشتر دارد و چارت سازمانی دقیقی برای آنان در نظر گرفته نشده و اگر این چارت سازمانی راه اندازی شود، قطعا پرستاران بیکار می توانند وارد بازار کار شوند و کمبود پرستار نیز رفع گردد.

علی بیگی گفت: "خشونت و نبود امنیت جانی پرسنل اورژانس یکی دیگر از مشکلات آنان است و نیاز است که به این مهم رسیدگی شود."

اضافه کار غیرقانونی در بیمارستانها و مراکز درمانی

دبیر نظام پرستاری تهران با انتقاد از اجرا نشدن کامل قانون ارتقاء بهره وری کارکنان بالین گفت: "براساس این قانون باید ساعت کار پرستاران تا ۸ ساعت در هفته کاهش می یافت، اما در عمل با اضافه کار اجباری پرسنل پرستاری در بیمارستانها و مراکز درمانی مواجه هستیم.

مهدی پازوکی با اشاره به تصویب قانون ارتقاء بهره وری در سال ۸۸ با هدف افزایش کارایی و اثربخشی سرمایه انسانی نظام سلامت در رسته های بالینی بهداشت و درمان، اظهار داشت: "بر اساس بند ۱ این قانون باید براساس سختی کاری پرستاری و سابقه خدمت، کار در نوبت کاری غیر متعارف ساعت کاری پرستاران تا ۸ ساعت در هفته کاهش یابد، اما هم اکنون به علت اضافه کاری اجباری در عمل این بند از قانون اجرا نمی شود."

وی خاطر نشان کرد: "بر اساس بند ۲ این قانون باید کارکنان بالینی بیمارستانهای روانی، سوختگی و مسمولین ماده ۱۶ قانون سازمان نظام پرستاری شامل همه گروه های درمانی اعم از پرستاران، کاردانه ها و کارشناسان هوشبری و اتاق عمل در بخشهای دولتی و غیر دولتی، مشمول مشاغل سخت و زیان آور باشند که از محاسن آن بازنشستگی پیش از موعد است اما این قانون نیز به علت کمبود نیرو و نبود منابع مالی برای پرستاران اجرا نمی شود."

پازوکی افزود: "بر اساس بند ۳ قانون یاد شده، باید برای ساعت کار همکاران گروه پرستاری در شیفت شب و ایام تعطیل ضریب ۱،۵ و برای شیفت عصر ضریب ۱،۲ اعمال شود که برای شیفت شب و ایام تعطیل ضریب ۱،۵ اعمال می شود، اما ضریب ۱،۲ برای شیفت عصر اجرا نمی شود."

وی ادامه داد: "بر اساس بند ۳ همین قانون، مسمولین ماده ۱۶ اجازه کار بیش از ۱۲ ساعت متوالی را ندارند، این در حالی است که هم اکنون کارکنان بالین تا ۱۸ ساعت متوالی کار می کنند."

پازوکی گفت: "بر اساس ماده ۵ این قانون حداکثر اضافه کار پرسنل با توافق کارفرما باید در ماه ۸۰ ساعت باشد، اما در حال حاضر اضافه کار پرسنل به علت کمبود نیروی انسانی بیش از ۸۰ ساعت است و با توجه به پرداخت مبتنی بر عملکرد، نحوه محاسبه اضافه کار هم مشخص نیست."

(منابع: نظام پرستاری، ایلنا)

باد ابتکار آقای مکرون یکروزه خالی شد

منصور امان

روشن نیست هنگامی که آقای مکرون از "آماده بودن شرایط برای دیدار ترامپ و روحانی در چند هفته آینده" خبر می‌داد، به راستی از چه چیز سخن می‌گفت؟ آیا آقای ظریف تضمینهایی با خود به همراه آورده بود یا اینکه آقای روحانی در گفتگوی تلفنی به او این اطمینان را داد؟ در هر حال، فقط یک روز پس از اعلام این تحول، رژیم ملاحا هر وعده‌ای که به او داده را زیر پا نهاده و شیپور عقبگرد را نواخته است.

آقای روحانی اکنون برای دیدار و مذاکره با رییس جمهور آمریکا شرط محال گذاشته و خواهان برچیده شدن تحریمها و بازگشت این کشور به "برجام" شده است. یک روز پیش تر از آن و در هنگامی که نشست "جی ۷" در حال برگزاری بود، رییس جمهور ملاحا با لحن دیگری سخن می‌گفت و از آمادگی برای "ملاقات با هر کسی" دم می‌زد.

از پس او، وزیر خارجه اش نیز روی همین خط به میدان آمده و تاکید کرده "دیدار بین روحانی و ترامپ قابل تصور نیست" و مدعی شده که این نکته را به طرفهای گفتگویش در "بیاریتر" هم گفته است.

آقایان روحانی و ظریف زیاد نگران چهره و اعتبار بین المللی خود نیستند و لزومی نمی‌بینند گفته‌ها و رفتارشان را با در نظر گرفتن آنچه که ندارند، هماهنگ کنند. از این رو، ناهمگونی میان گفته‌های دیروز و ادعاهای روز بعد آنها امر دور از انتظاری نیست. با این حال چنین می‌نماید که آقای مکرون هم تا اندازه غیر قابل خوردن، نمک و فلفل خود را به مساله افزوده است.

چه، ابتکار رییس جمهور فرانسه، در اصل یک معامله در چارچوب "برجام" بین طرفهای اروپایی و رژیم ملاحا را در برمی‌گیرد که شامل ایجاد یک خط اعتباری ۱۵ میلیارد دلاری در ازای اعلام آمادگی حاکمان ایران برای گفتگو پیرامون فعالیتهای منطقه‌ای و مدت زمان پایش و نظارت بین المللی بر برنامه هسته‌ای می‌شود.

نکته مهم در تحولات روزهای گذشته آن است که رویکرد شرکای اروپایی ملاحا به "برجام" نه تنها به موضع آمریکا نزدیکتر شده، بلکه چهره مشخص تری نیز به خود گرفته است. پیش از این آنها پیمان هسته‌ای را منفرد از مسایل منطقه‌ای و موشکی ارزش گذاری می‌کردند. طرح امروز اروپا دستکم یک کانون دیگری دیگر با رژیم ملاحا را بدان افزوده و مذاکره در مورد کانون دوم را در چشم انداز گذاشته است.

آمریکا فقط هنگامی می‌تواند وارد این بازی شود که ابتکار پاریس میوه داده باشد و افق توافق بر سر مسایل مورد اختلاف در چشم انداز نزدیک پدیدار شده باشد. در مرحله فعلی همه آنچه که روی میز است، وعده نقد اروپا به قول نسبه ملاحا است.

فراسوی خبر... چهارشنبه ۶ شهریور

تایید موشک پرانی از طرف مزدوران خامنه‌ای

زینت میرهاشمی

با گذشت یک هفته از اقدام ماجراجویانه و خطرناک حمله به پالایشگاههای نفت عربستان، سخنگویان خامنه‌ای در نماز جمعه، هر چه بیشتر انگشت اتهام را به سمت رژیم اشاره می‌کنند و از این منظر گفته رژیم در نداشتن نقش مستقیم در این ماجراجویی خطرناک، هیچ اعتباری ندارد.

نگاهی به حرفهای امامان جمعه روز آدینه ۲۹ شهریور که بیان کننده نظرات ولی فقیه هستند، بر نقش رژیم به عنوان ابزار فشار قبل از هر گونه مذاکره‌ای تاکید می‌کند. این بازی خطرناکی که رژیم پیش می‌برد به عنوان فرار از فشار در شرایط فعلی نوعی دعوت به جنگ و تحریک طرف مقابل است. رژیم به این مظلوم نمائیها احتیاج دارد خصوصا این که می‌داند ترامپ اهل جنگ نیست.

پاسدار یحیی رحیم صفوی، در سخنرانی نمازجمعه تهران گفت: «آمریکاییها اگر به فکر توطئه باشند، از مدیترانه تا دریای سرخ و اقیانوس هند به آنها پاسخ خواهیم داد.»

پاسدار صفوی، مشاور عالی خامنه‌ای ادامه داد که: «وعده مقام معظم رهبری مبنی بر نابودی اسرائیل موضوعی است که خداوند متعال می‌خواهد روزی مسلمین جهان کند...»

نمازخوان مشهد گفت: «ایران امروز یک مرز جغرافیایی و محصور در منطقه‌ای جغرافیایی نیست بلکه ایران امروز همان جریان مقاومت در منطقه است... حزب الله لبنان، انصارالله یمن، حماس و جهاد اسلامی فلسطین همه ایران است و ایران یک مرز جغرافیایی نیست.»

نمازخوان تبریز گفت: «این حمله پهلادی نشان داد که توان و قدرت تهاجمی انصارالله در زمینه میزان مسافت تعیین شده تا ۱۲۰۰ کیلومتر افزایش یافته است.»

هاشم حسینی بوشهری، امام جمعه قم گفت: «آن روزی که مسئولان ما اعلام کردند که اگر نفت ما صادر نشود، هیچ نفتی از خلیج فارس صادر نخواهد شد، آنها خیال می‌کردند ما تنگه هرمز را می‌بندیم...» وی اضافه کرد: «لازم نیست ما تنگه هرمز را ببندیم؛ امروز جبهه مقاومت به این بلوغ رسیده که چگونه ضربه بر شما وارد کند و دیدید که ضربه وارد کردند.»

حسین دهقان، مشاور نظامی خامنه‌ای گفت: «آمریکا و عربستان در آرامکو دچار سردرگمی شده اند. بازی کردن با دم شیر خطر جدی دارد... امنیت خلیج فارس برعهده ایران است.»

قرار گرفتن بانک مرکزی و چند نهاد دیگر رژیم در لیست تحریمها به دلیل تامین کننده مالی تروریسم در روز آدینه ۲۹ شهریور، بار دیگر نشان داد، بازی رژیم در تشدید جنگ نیابتی به عنوان نقطه فشار و خرید فرصت، فعلا سودی نداشته و رژیم را وارد بن بست عمیق تری خواهد کرد.

فراسوی خبر... شنبه ۳۰ شهریور

فروود طلیعه یک جنگ نابرابر در مزارع اسرائیل

منصور امان

کوه تهدیدهای آخرالزمانی ج.ا و مزدوران لبنانی اش در واکنش به حمله‌های اخیر اسرائیل موش زاید. شلیک چند خمپاره به زمینهای کشاورزی و پرتاب موشک دستی به سمت یک خودرو نظامی، همه وزنی است که همربشان لاف زن توانستند در ترازوی معادله با این کشور بگذارند. اقدامات مزبور می‌بایست به عنوان واکنش جدی ملاحا و دست نشاندهگان شان به رشته حمله‌های سنگینی انگاشته می‌شد که اسرائیل به گونه پیاپی به مواضع، تاسیسات و انبارهای نظامی رژیم ملاحا در سوریه، عراق و اینک لبنان انجام می‌دهد.

در برابر آخرین حملات از این نوع که به یک مرکز موشکی رژیم ملاحا در جنوب شهر بیروت صورت گرفت، سرکرده واحد تروریسم برون مرزی ج.ا، قاسم سلیمانی، رجز خواند که این "آخرین دست و پا زدنهای رژیم صهیونیستی خواهد بود". همزمان، جنگ سالار لبنانی ملاحا، شیخ حسن نصرالله، نیز لاف زنان گفت و واکنشی نشان خواهد داد که "رژیم صهیونیستی شهامت تکرار این تجاوزات را از سر بدر کند".

حمله موضعی اخیر اسرائیل به بیروت در چارچوب یک معادله ژئوپولیتیکی گسترده تر قرار گرفته که در مرکز آن سوریه جای دارد. رژیم ملاحا تمام تلاش خویش را برای پا سفت کردن نظامی در این کشور به کار گرفته تا بتواند پروژه ایجاد کریدوری تدارکاتی از تهران تا مدیترانه را عملی کرده و رویای جنون آمیز "هلال شیبی" را به واقعیت بدل سازد. اسرائیل در چند سال اخیر و به ویژه در ماه‌های گذشته خود را به عنوان یک مانع جدی بر سر راه این نقشه نشان داده است. تل اوپو نمی‌تواند به طرحهای توسعه طلبانه رژیمی که در پی "محو اسرائیل از روی نقشه جغرافیا" است، اجازه پر و بال گرفتن و عملی شدن بدهد. این رویکرد به ویژه در سوریه مشاهده پذیر است؛ جایی که نیروها و امکانات سپاه پاسداران و نیروهای مزدور آن زیر آتش دایمی اسرائیل قرار دارند.

رویکرد سخت اسرائیل در حال آن است که سرمایه گذاری هنگفت حاکمان کشور در سوریه را بر باد دهد. آنها جنگ وحشیانه و خونین رژیم اسدحا علیه مردم خود را موهبتی آسمانی انگاشته و با تمام توان مالی، انسانی و لجستیکی که می‌توانستند از مردم ایران غارت کنند، به مشارکت در آن پرداختند. جنگ طلبان ولایتی حساب گشاده دستانه‌ای روی استقرار دایمی در سوریه و گشودن یک جبهه دیگر برای باجگیری و تضمین بقا باز کرده اند که اینک با مداخله اسرائیل، به صفر نزدیک می‌شود.

جالب اینجاست که چنین می‌نماید حاکمان نابخرد کشور از واکنش اسرائیل غافلگیر شده باشند و این با وجود لشکرکشی علنی و لفاظیهای جنگی روزانه آنها علیه این کشور است. بنابراین به نظر می‌رسد که رژیم ملاحا پیش از آنکه ابزارهای بازدارنده‌ای علیه اسرائیل در دست نداشته باشد، طرح استقرار در سوریه را باید فراموش کند.

این به معنای انتقال تمرکز نظامی ملاحا از سوریه به اسرائیل است که انتقال موشک و امکانات بهینه کردن هدف گیری آن در لبنان و عراق، بخشی از آن به حساب می‌آید.

تحرکات ج.ا، منطقه را آستن یک جنگ دیگر می‌کند که بی تردید پیامدهای آن به مرزهای لبنان و عراق محدود نخواهد ماند. جنگ نامتوازن با اسرائیل و هم پیمانانش می‌تواند برای طرفهای جنگی آنها در عرض چند هفته همان میزان خساراتی را به بار بیاورد که سوریه در ظرف هشت سال متحمل گردیده.

فراسوی خبر... چهارشنبه ۱۳ شهریور

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

سردبیر: زینت میرهاشمی
هیات دبیران: منصور امان زینت میرهاشمی
هیات تحریریه: منصور امان، زینت میرهاشمی، مهدی سامع
همکاران نشریه: امید برهانی، فرنگیس بایقره، اسد طاهری، کامران عالمی نژاد، فتح الله کیائیه
چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

NABARD - E - KHALGH

No : 416/ 22 SEPTEMBER 2019

Organ of the Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas

Executive Editor: Zinat Mirhashemi

Fax: Italia / 39 - 085 802 53 56

Price: \$ 1 – 1 euros

NABARD / B.P. 77 /91130 Ris orangis /FRANCE

www.iran-nabard.com

E.Mail: nabard@iran-nabard.com

Published by : NABARD CULTURAL ASSOCIATION

NABARD - E – KHALGH in Telegram ///@nabard_khalg --- https://telegram.me/nabard_khalgh

NABARD - E – KHALGH in Facebook ///// <https://www.facebook.com/nabardekhalghe>

شهدای فدایی در مهرماه

گرامی باد خاطره رفیق مهنوش ابراهیمی

تنظیم: امیر ابراهیمی



رفقای فدایی:
چنگیز قبادی،
محمدعلی سالمی،
حسین سید
نوزادی، مهنوش
ابراهیمی، منوچهر
بهایی پور، حسن
حامدی مقدم، علی
دبیری فرد، محمد

رضا همتی، غلامرضا صفری، حسین علیزاده، رحمت شریفی،
حسن جلالی نائینی، لقمان مدائن، جهانشاه سمیعی اصفهانی،
محمد رضا فرشاد، ژیلای سیاب، پروین فاطمی، رحیم خدادادی،
فرشاد فرجاد، پری ثابت، اسماعیل بیدشهری، تورج حیدری
بیگونند، زهرا بیدشهری، مصطفی رسولی، سید احمد لاری،
کرامت قبادی، زاهد سجادی، سیامک اسدیان (اسکندر)، مسعود
بریری، علیرضا صفری، فریبا شفیعی، ابراهیم شریفی، علی حسن
پور، محمد کس نزانی، غلامحسین رینی وندادنژاد، غلامرضا
سالاری، سروش نیکخواه، عارف بلوکی، ماشا الله پورطرق،
محمد سعید خراسی، احمد اسلامی جواتی، حسن بشیری،
محمد امین ترابی، محمود خدادادزاده، فاطمه رخ بین، فتح الله
فرید، طاهره قاسمی، ناصر مرادی، محمد فیروزی، یدالله
سالاری، موسی پیشداد، مهوش جوکار، پرویز عندلیبیان، مهدی
خانزاده، خیرالله حسن نند، عبدالله یزدانی، علی محمدنژاد، عباس
مکاری، سلیم کهرازی، اسماعیل علیان، مریم توسلی، فاطمه
روغن چی، عزت الله معلم، قربان قربی، سید ربیع حسینی،
رمضان قربانی، شهسوار شفیعی، جعفر دلیر، بهرام بهلوکی، روح
الله الماسی، مهناز نجاری، غلامحسین مجیدی، احمد سلیمانی،
عباس گودرزی، حسن سبعت، حسن جان لنگرودی، کامران
علوی، فرشید فرجاد، احمد کیانی، فرسید راجی، ناصر مرادی و
.... از سال ۱۳۵۰ تاکنون در پیکار علیه امپریالیسم و ارتجاع و
برای دموکراسی، رهایی و سوسیالیسم توسط مزدوران رژیمهای
شاه و خمینی به شهادت رسیدند.

مهنوش ابراهیمی و منوچهر بهائی پور با کلبه مواد منفجره
و اسلحه موجود، خانه را ترک می کنند. اما دیگر دیر شده
بود، رفقا در محاصره مزدوران امنیتی قرار می گیرند.
مقاومت رفقا مهنوش و منوچهر این امکان را به رفیق
جمشیدی رودباری می دهد که خط محاصره را شکسته و
به سلامت از منطقه خارج شود. رفیق بهائی پور در نزدیکی
خانه جان می بازد و مهنوش که زیر چادر خود مسلسل
حمل می کرد با پرتاب نارنجک و گشودن آتش به روی
دشمن نبردی حماسی و شگفت انگیز را آفرید. به این
ترتیب نخستین رفیق فدائی زن، در جریان یک نبرد
مسلحانه علیه مزدوران رژیم شاه در دهم مهرماه ۱۳۵۰ به
شهادت رسید.

برگرفته از سایت جوخه های رزمی



گزارشهای تصویری از برنامه های سازمان

چریکهای فدایی خلق ایران

در آدرس زیر:

<https://www.youtube.com/channel/UCcdEFTIwuyOU4guq-ci6g7w>

نشریه انگلیسی Iran Real Press

پیرامون سالگرد کشتار زندانیان سیاسی

دو شماره در آدرس زیر:

<https://www.facebook.com/iranrealpress>

کمک مالی به

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

از طریق PayPal به آدرس

bedostan@gmail.com

رفیق مهنوش در سال ۱۳۲۶ در روستای روشن آباد
در شهرستان بابل متولد شد. تحصیلات ابتدائی و
متوسطه را در تهران به پایان رساند. در سال ۱۳۴۵
وارد دانشکده پزشکی دانشگاه تهران شد. دو سال بعد
با رفیق چنگیز قبادی ازدواج کرد. مدتی بعد با سازمان
ارتباط برقرار کرد. تا سال ۱۳۵۰ ضمن فعالیت سیاسی،
در بیمارستانهای تهران کار می کرد. سپس عضو تیم
تدارکاتی عملیات روستا شد و به طور خستگی ناپذیر و
با پیگیری سرشار از عشق به مبارزه، وظائف خطیر
تدارکاتی را دنبال کرد. پس از متلاشی شدن این تیم
تدارکاتی در تهران به تیم رفیق جمشیدی پیوست. پس
از ضربه به خانه تیمی سه راه آذری، ضربه به تیم رفیق
جمشیدی، رفقا به تیم خیابان ابطحی منتقل می شوند.
رفیق سرکاری عضو این تیم، در سر قرار دستگیر می
شود. پس از دستگیری این رفیق، رفقای خانه تیمی
تصمیم به تخلیه خانه می گیرند. ساعت پنج صبح رفقا

نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی – زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم